تولکه ننگی؛ با خون می‌شویمت

زن‌های زیادی در طول تاریخ قربانی قتل‌های ناموسی شده‌اند

● رویای خانه‌دار شدن با بودجه یک میلیارد تومانی / همه نکاتی که درباره خرید خانه پیش‌ساخته و کانکس‌های ویلایی باید بدانید ● پول بگیر و به جایم فکر کن! / خرید حساب‌های یک ماهه هوش‌مصنوعی چقدر پول نیاز دارد؟ ● ادامه جدال بین «کانون» و «مرکز» / نامه رئیس اسکودا در پی اظهارات اخیر رئیس قوه قضائیه: تبعیض میان کانون و کلا با مرکز و کلا از انصاف و منطق به دور است ● خنک شدن دل اینقدر ارزش دارد؟ / درباره هتاکی، تهمت و زد و بند ● کشف کلنل اسمایت در بریگاد قزاق / قصه های گمشده-پاورقی روزهای فرد ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

بررسی ۶ شاسی بلند برتر ۲۰۲۴

چرخشی از غرب وحشی به سرزمین آفتاب و توقف در خاک نازی‌ها صفحه ۰۵

لکه‌های تیره بر کارنامه‌های قبولی

اینجا ۹ بازیگر مطرح و تراز اول سینمای ایران را بررسی کرده‌ایم که ببینیم کجا پایشان لغزیده صفحه ۱۳

H A F T - E - S O B H D A

هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۱۱ بهمن ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۹۷۸
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

شصت سال با تراکتورسازی

هر آنچه باید از کارخانه صنعتی مشهور شمال غربی کشور و تیم فوتبال آن بدانیم

در بسته آخر هفته بخوانید:

● آهای کله پوک‌های دوست‌داشتنی
یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، نادر نامدار، محمدطالبیان و حمید رستمی

● درکلبه ما رونق اگر نیست ادا هست
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی هفته

● اولین آزمون کارتال
اولین بازی پساموسیمانه

امروز و فردا استقلال و پرسپولیس در شرایطی متفاوت با هفته‌های گذشته به مصاف حریفان‌شان می‌روند

ردیابی محموله چای دبش

دو مقام قضایی و دولتی درباره فرجام جنجالی ترین پرونده اقتصادی کشور به هفت صبح توضیح داده اند

نگین باقری | در مزایده‌هایی که برای فروش محصولات دبش برگزار شده، برخی از شرکت‌های تولیدی چای با نام حقیقی یا حقوقی محموله‌های میلیاردی خریداری کرده‌اند. بررسی‌های روزنامه «هفت صبح» نشان می‌دهد شرکت چای شاه... تیرماه امسال یکی از این محموله‌ها را از انبار چای دبش به مبلغ ۸ میلیارد تومان خریداری کرده. همچنین ادعاهایی وجود دارد که برنده بخش عمده مزایده چای دبش در استان هرمزگان یک شرکت چای معروف دیگر بوده است.

هفتم بهمن‌ماه قاضی به آخرین اظهارات و دفاعیات متهمان پرونده فساد دبش گوش داد. این یعنی پرونده چای دبش به ایستگاه آخر رسیده است و احتمالا به زودی حکم بدوی آن صادر می‌شود. از پاییز امسال بود که قوه قضاییه اجازه فروش اموال این شرکت را صادر کرد. مجموعاً ۲۵ هزار تن چای در چهار استان تهران، هرمزگان، البرز و کرمانشاه تحویل سازمان اموال تملیکی شده است. رقمی که معادل مصرف یک سال چایی در ایران است. در پرونده معروف به فساد چای دبش، با ارز تخصیص داده شده یا کالایی وارد کشور نشده بود و یا کالایی که وارد شده از نظر کمی، کیفی و ارزشی با آنچه باید وارد می‌شد، مطابقت نداشت.

پرونده دبش به کام شرکت‌های معروف چای

مزایده اولین محموله‌های هزار تنی چای دبش اولین بار در هرمزگان برگزار شد. یک مدیر سابق مزایده‌های این استان می‌گوید بخش اعظمی از ۶۰۰ تن چای دبش استان هرمزگان را یک شرکت معروف دیگر چای خریداری کرده است. همچنین بررسی‌های هفت صبح نشان می‌دهد که شرکت دیگری به نام چای شاه... ۱۰ تن از چای دبش در استان تهران را به مبلغ ۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان خریداری کرده است. به جز این مورد، بسیاری از خریداران دیگر در تهران هم وابسته به دیگر شرکت‌های تولیدی چای بوده‌اند. معاون سازمان اموال تملیکی اطلاعی از وابستگی این افراد ندارد اما در گفت‌وگو با روزنامه هفت صبح تایید می‌کند که افرادی با نام حقیقی به نمایندگی از برخی کارخانه‌ها در این معاملات شرکت داشته‌اند. غلامی می‌گوید: «موجودی چای دبش قابل استفاده خانوار نبوده و در حجم و اندازه بسیار بزرگی فروخته می‌شود.» تاکید او این است که خریداران هرکسی که باشند، اسامی همه آنها به تایید مراجع قضایی می‌رسد.

حداقل ۱۰ تن چای دبش کود شد

از ۲۵ هزار تن چایی که تحویل داده شده، تا امروز ۶ هزار تن، برابر ۷۰۰ میلیارد تومان، در هرمزگان، کرمانشاه، و تهران به فروش رسیده است. معاون سازمان فروش اموال تملیکی در گفت و گو با هفت صبح به این اطلاعات اشاره می‌کند:

● همه محموله‌هایی که به فروش رفتند مورد تایید وزارت بهداشت بودند. مواردی مثل یک محموله از ۴۵ محموله استان البرز که به تایید بهداشتی نرسید، به عنوان کود مورد استفاده قرار گرفته است.

● در حال حاضر در البرز شش هزار تن چای برای فروش داریم. همچنین ۵۱۰ کانتینر چای متروکه هم در هرمزگان است. چای متروکه به چایی گفته می‌شود که ماهیت قاچاق نداشته، بلکه به شکل قانونی وارد گمرک شده اما ترخیص نشده است.

● این چای قبل از مزایده از سوی کارشناسان رتبه‌بندی و قیمت پایه آن از کیلویی ۲۵ هزار تومان تا ۳۵۰ هزار تومان نرخ‌گذاری شده است. این قیمت در مراحل فروش به شکل رقابتی افزایش یافت.

● محموله‌های دبش را فقط خطوط تولید کارخانه‌های چای می‌خرند تا آن را فرآوری کنند و به فروش برسانند اما اسامی حقیقی خریداران حتما به تایید مقام‌های قضایی می‌رسد.

● اموال به مزایده گذاشته از این شرکت فقط چای نیست و شامل قیر، ماشین‌آلات خط تولید، وسایل بسته‌بندی هم می‌شود. ادامه در صفحه ۰۳

نیمه‌پنهان یک پروژه بزرگ ملی

حضور ابرشرکت‌های نامدار بورسی در پروژه چهار میلیارد دلاری انتقال آب به مرکز و شمال شرق ایران چه مزایا و چه عوارضی همراه دارد؟

فاطمه رجبی | رویای انتقال آب از شمال و جنوب به مناطق کم‌آب ایران مربوط به این دولت و دولت قبل و قبل‌تر نیست بلکه سابقه‌ای بسیار طولانی‌تر از عمر دولت‌ها دارد. حالا چند سال است که این رویا با وجود تمام حرف و حدیث‌ها رنگ واقعیت گرفته و انتقال آب خلیج فارس به استان‌های اصفهان و کرمان و یزد از یک طرف کلید خورده است، کمی بعد از آن هم پروژه انتقال آب دریای عمان به بخش شرقی ایران تا خراسان رضوی شروع شده. برای خیلی‌ها مخصوصا اهالی بورس و کسانی که سرشان توی حساب و کتاب است، پرحرف و حدیث‌تر از ابعاد اکولوژیکی و زیست‌محیطی و... ابعاد مالی آن است مخصوصا وقتی قرار باشد شرکت‌های بورسی اسم و رسم‌دار هزینه این ابرپروژه‌ها را بپردازند. مخصوصا وقتی که حال و روز بورس به‌هم می‌ریزد توجه به این مسائل بیشتر می‌شود، برای همین هم هست که طی چند روز گذشته سرمایه‌گذاری کلان شرکت‌های بزرگ از فولادی‌ها گرفته تا معدنی‌ها در پروژه انتقال آب به مرکز ایران دوباره مورد توجه قرار گرفته است، سرمایه‌گذاری که گفته می‌شود در نهایت به ضرر سرمایه‌گذاران خرد تمام می‌شود.

پای کدام شرکت‌ها در میان است؟

ماجرا از حضور شرکت‌های بزرگ مثل فولاد و ذوب‌آهن اصفهان، چادرملو، مس، گل‌گهر و... در طرح انتقال آب خلیج‌فارس به استان‌های مرکزی شروع شد. این شرکت‌ها که بخشی از اتهام مشکلات آبی استان‌های اصفهان و یزد و کرمان متوجه فعالیت‌های آنها و جایابی اشتباهی بود که سال‌ها پیش برای آنها شده بود، وارد میدان شدند و سرمایه‌گذاری‌های کلان روی این پروژه کردند تا جایی که فروردین همین امسال گفته شد که فقط شرکت‌های مس، گل‌گهر و چادرملو بیشتر از ۲۵ هزار میلیارد تومان در پروژه انتقال آب خلیج فارس سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا اینجا موضوع خیلی عجیب به نظر نمی رسید، هر چقدر هم که به گفته بسیاری از کارشناسان هزینه چنین عملیاتی بسیار بیشتر از حد مقرون به‌صرفگی بود باز هم به هر حال این شرکت‌ها اگر به پایداری خودشان هم توجه می‌کردند حضورشان در این پروژه توجیه پیدا می‌کرد. ماجرا وقتی عجیب به نظر می‌رسد که وقتی پای انتقال آب از دریای عمان تا خراسان رضوی مطرح شد، باز هم اسم همین شرکت‌ها و شرکت‌های مشابه شنیده شد.

در نهایت هم به گفته مدیرعامل شرکت تامین آب صنایع و معادن (ایمواسکو) اعلام کرد که شرکت‌های گل‌گهر، فولاد مبارکه، ملی مس ایران، چادرملو، گهرزمین، فولاد خراسان و اپال پارسیان سنگان با راهبری ایمیدرو، در پروژه نمک‌زدایی و انتقال آب دریای عمان به استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و رضوی به عنوان سرمایه‌گذار مشارکت دارند.

اهمیت این سرمایه‌گذاری وقتی برایتان بیشتر می‌شود که بدانید هزینه کل این پروژه چیزی حدود ۴ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. فقط یک قلم، قرار بوده که از دی‌ماه سال ۱۴۰۰ ماهانه ۲۵ تا ۳۰ هزار تن ورق فولادی برای ساخت لوله‌های انتقال آب به این پروژه برسد.

وظایف ملی یا اجبار از بالا؟

هر بار که اسم شرکت‌های سرمایه گذار بورسی در این پروژه شنیده می‌شود عده‌ای می‌گویند که تمام شرکت‌های مصرف‌کننده انرژی‌های تجدیدناپذیر و آلوده‌کننده محیط‌زیست وظیفه دارند که بخشی از درآمدشان را برای جبران خسارت‌ها و مصارف انرژی‌شان هزینه کنند بنابراین حضور شرکت‌های بزرگ در چنین پروژه‌هایی منطقی به نظر می‌رسد. در مقابل اما سهامداران زیادی می‌گویند که این سرمایه‌گذاری اولا باید در محدوده جغرافیایی شرکت‌ها باشد ثانیا بخش بسیار کوچکی از درآمد آنها را تشکیل دهد نه چنین رقم‌های عجیب و غریبی. آنها می‌گویند که این مشارکت به اسم سرمایه‌گذاری انجام شده در حالی که چنین پروژه‌ای به‌وضوح زیان‌ده است و یک شرکت بورسی چطور در پروژه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کند که به هیچ وجه احتمال سودآوری ندارد؟

یکی از کانال‌های مطرح بورسی اینطور حساب و کتاب کرده بود که هزینه شیرین‌سازی هر مترمکعب آب (معادل ۱۰۰۰ لیتر) حدوداً یک دلار برآورد می‌شود. بنابراین انتقال آب تا زاهدان از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه است و هزینه‌های شیرین‌سازی و انتقال در مجموع به ۱/۵ دلار برای هر مترمکعب می‌رسد. با این حال، در دولت قبل، ۱۰۰۰ کیلومتر به این پروژه افزوده شد که این اقدام به‌صورت دستوری و غیرقانونی و از محل منابع مالی سهامداران انجام گرفت. این افزایش مسافت، علاوه بر نیاز به پمپاژ سنگین آب به دلیل افزایش ارتفاع از سطح دریا، مصرف قابل‌توجهی از انرژی برق توسط توربوپمپ‌ها را نیز در پی داشت. در نتیجه، قیمت تمام‌شده هر مترمکعب آب در مشهد به ۸ دلار (معادل ۶۴۰ هزار تومان) افزایش یافت. در حالی که قیمت فعلی هر مترمکعب آب ۳۷۰۰ تومان است، این افزایش به معنای رشد ۱۷۲ برابری هزینه‌ها خواهد بود.

سوال اصلی این است: با فرض اینکه ۴ میلیارد دلار از منابع سهامداران به‌صورت غیرقانونی برای اجرای این پروژه آبرسانی به مشهد هزینه شده است، چه کسی مسئولیت تأمین هزینه‌های شیرین‌سازی و عملیات اجرایی این پروژه در آینده را بر عهده خواهد گرفت؟! اگرچه لوله‌کشی و اجرای اولیه پروژه از محل منابع سهامداران تأمین شده است، اما هزینه‌های جاری شیرین‌سازی و پمپاژ آب به‌طور مستمر ادامه خواهد داشت. چه نهاد یا سازمانی متعهد به پرداخت این هزینه‌هاست و آیا قرار است که در ادامه هم هزینه‌های چنین پروژه‌ای روی دوش شرکت‌های بورسی باشد؟» ادامه در صفحه ۰۳

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

طلای آب شده؟

وقتی از اقتصاد آسیب‌دیده حرف می‌زنیم، یعنی تلاش تک‌تک افراد جامعه برای تبدیل نقدینگی ریال خود به کالایی که در طی زمان و با تغییرات پرسرعتی که در حال رخ دادن است، ارزشش کاهش نیابد و ظهور قارچ‌گونه بسترهایی که این ریال‌ها را جلب و جذب کنند و به شکل شعاری امنیت اقتصادی را برای هر فرد به همراه بیاورند. در گذشته سکه و دلار و قبل‌تر زمین و ماشین کالای جذب سرمایه بودند، حالا اما در هر جایی از شهر، روی بیلبوردها تبلیغ بسترهایی را می‌بینیم که به شکل برخط طلای آب‌شده می‌فروشند و کثیری از مردم که هر روز نقدینگی‌شان را رو به زوال می‌بینند برای گریز از امواج آتی پایین‌تر رفتن ارزش پول، به این بسترهای برخط پناه می‌برند و طلای خام می‌خرند تا در این شرایط سخت سرمایه‌شان بیش از پیش از بین نرود. این هجوم بر اساس نیاز است و نه طمع. مردم در این شرایط می‌خواهند خودشان را حفظ کنند اما آیا دولت و قوه قضائیه حمایت می‌کنند، یا مثل فروپاشی بورس و ریزش شدید رمزارزها این خود یک طراحی پیشینی برای جذب نقدینگی است؟ مردم هنوز از بورس زخم خورده‌اند و هیچکس پاسخگوی آن حجم از تبلیغ نبود و نیست.

من اقتصاددان نیستم، با این حال سازوکار این پلتفرم‌ها را در جستجویی که انجام دادم متوجه شدم و برایم روشن است که در میان این ظهور گسترده، شکست و کلاهبرداری بدیهی است. به عنوان یک علاقه‌مند به حوزه فرهنگ خطر رشد قارچ‌گونه این بسترها را زمینه یک گرفتاری بزرگ می‌دانم و باید به مخاطب بدون چاره بگویم که دام در این بستر عجیب گسترده شده است. مخاطبانی که با شور و حرارت برای نجات سرمایه‌های نقدشان، به این پلتفرم‌ها می‌روند و سرمایه‌گذاری می‌کنند تا وقت سختی پولشان خفیف‌تر نشود اما ظهور قارچ‌گونه این‌ها مرا یاد رشد قارچ گونه موسسات مالی و اعتباری در دهه گذشته می‌اندازد که سود فراوانی به مشتری می‌داد و پس از ورشکست شدن، تحمیل یک آسیب بزرگ را به مردم و دولت ایجاد کرد. پرسشم این است که ما وقتی طلای آب شده می‌خریم آیا مابه‌ازای آن نیز وجود دارد؟ اگر جواب بله باشد، پس ما در کشور صاحب یک سرمایه عظیم طلا هستیم که تا امروز معلوم نیست با آن چه می‌کردیم و چرا این حجم از طلا را داریم و اگر طلای مابه‌ازا با هر تراکنش خرید وجود ندارد، پس ما در حال خالی‌فروشی آنلاین هستیم و قطعا انتهایش ورشکستگی و فرار سرمایه و دود شدن مال مردم است. مثل هم‌او که آیفون ارزان می‌فروخت یا آن دیگری که خودرو پیش‌فروش می‌کرد و کسی جلوی تبلیغ غیرمنطقی‌اش را نمی‌گرفت. اگر فرض اول درست باشد باید دولت‌ها در قبال این مقدار طلا پاسخ دهند که چرا چنین انباشتی در کشور ایجاد شده و اگر فرض دومی درست باشد باید بپرسیم که این بسترها را چه کسی تضمین یا بیمه کرده و اگر قوه قضائیه و دولت در آن دخالتی ندارند، چرا مجوز ترویج همه‌جانبه‌اش را می‌دهند، در حالیکه شکست‌شان حتمی است. مردم این روزها سرگشته‌اند، پیش چشم‌شان ارزش درآمد و نقدینگی‌شان کم می‌شود و بی‌پناه سراغ خرید می‌روند، دولت اما آیا مجاز به نظاره این به پرتگاه رفتن عمومی برای مقاصد خودش است؟ کاش به داد مردم برسیم.

SMS
Telegram
WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

آگهی مناقصه عمومی
یک مرحله ای ۳۲/م/۱۴۰۳
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران
۸۱۸

رجوع به صفحه ۷

در انتظار میهمانی از واشنگتن؟

پشت پرده خبر جعلی مصاحبه ایلان ماسک درباره ایران

محبوبه لبی | «خلاصی از اهن‌قراضه‌های سایبا و ایران خودرو با بازگشایی کارخانه تسلا در ایران، تبدیل سیستان و بلوچستان به چیزی شبیه تگزاس، انتقال فناوری‌های ارزشمند خودروهای برقی، دانش فضایی، هوش‌مصنوعی و نیروگاه‌های خورشیدی و از همه مهم‌تر هم آغوشی نجات‌بخش دلار و ریال و چه‌بسا در سایه دوستی با او ما جزو اولین مصاحبه‌هایی باشیم که بتوانیم یک جایی در مریخ دستمان را بند کنیم!» اینها فقط گوشه‌ای از فانتزی‌ها و رویاهای بسیاری در ایران است که برای تحققش چشم‌انتظار روزی هستند که ایلان ماسک را در فرودگاه تهران ببینند و اصلا قدرت همین رویاست که باعث شد، خبر جعلی سفر او به ایران، به‌سرعت در سایت‌ها، کانال‌های خبری و پلتفرم‌های اجتماعی بازنشر شود.

روز سه‌شنبه خبری منتشر شد که مدعی بود ایلان ماسک، ثروتمندترین مرد جهان و یکی از نزدیک‌ترین‌ها به دولت جدید دولاند ترامپ، با اسوشیتدپرس مصاحبه کرده و گفته است «ایران بهترین کشور برای سرمایه‌گذاری است و در صورت سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در ایران، ریسک سرمایه‌گذاری در خاورمیانه به حداقل می‌رسد.»

در این مصاحبه خیالی او حتی اضافه کرده بود که ممکن است به‌زودی به ایران سفر کند. ساعتی بعد اما کاشف به عمل آمد که ماسک نه با اسوشیتدپرس و نه با هیچ رسانه دیگری چنین گفت‌وگویی نداشته است.

جعلی بودن این خبر اما گمانه‌زنی‌ها درباره مذاکرات ایران و آمریکا از کانال ایلان ماسک و احتمال سفر او به تهران را از رونق نینداخته است. به ویژه آنکه در تهران پاسل‌های مثبت به سرعت در حال اوج‌گیری است.

یک پیام مهم در تهران و یک اقدام نادر در آمریکا

بیانات رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای روز سه‌شنبه ضمن هشدارهایی مبنی بر اینکه «چشم‌پایمان را باز کنیم و حواسمان باشد که با چه کسی مواجه‌ایم، معامله می‌کنیم و حرف می‌زنیم»، اظهار کردند که «انسان وقتی فرق مقابل خود را شناخت، ممکن است معامله کند، اما می‌دانید چه باید بکند؛ باید بشناسیم و بدانیم.» اشارات رهبری با تاکید بر جمله «چشمانمان را باز کنیم» در حساب کاربری ایشان در فضای مجازی نیز منتشر شده است.

حصیرفرشا حاجی‌بابایی، نایب رئیس مجلس در گفت‌وگوی ویژه خبری تلویزیون تصریح کرد که «ما با آمریکا هیچ دشمنی و جنگی نداریم و با هر جای دنیا جز رژیم صهیونیستی، حتی آمریکا حاضر به مذاکره هستیم.»

ایالات متحده آمریکا در اقدامی نادر، برای اولین بار انتقاد از کارنامه حقوق بشری ایران را در گزارف که این گامی عملی از سوی آمریکا محسوب می‌شود.

انتخاب بین بی‌بی و ایلان

چشم‌ها اما بیش از همه متوجه ایلان ماسک است... امیدی که این روزها خیلی‌ها در ایران به ایلان ماسک دارند، به سیاستمداران ندارند. آنها معتقدند که دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری فعلی ایالات متحده، بیش دشمنی نتانیاهو با ایران و علاقه عملی به ایران، دومی را انتخاب خواهد کرد و شواهد و نشانه‌ها نیز چنین ادعایی را مستند می‌کنند.

خبر دیدار ماسک با سفیر ایران در سازمان ملل، آن هم به فاصله کوتاهی پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا، اولین جرقه‌های این حضور پررنگ او در پرونده تهران را زد. اخیرا نیز در جریان آزادی بازداشتی‌ها در شانه ایتالیایی در ایران، ماسک نوشت که در آزادی جیپلیا سالا نقش کوچکی داشته است.

نیویورک تایمز که پیش‌تر خبر دیدار ماسک و امیرسعید ایروانی را منتشر کرده بود، این بار هم گزارش داد: «زمانی که یک روزنامه‌نگار ایتالیایی در ماه دسامبر در ایران دستگیر شد، نامزد او در خانه نگران بود که ممکن است او سال‌ها در زندان بماند. بنابراین، در بحبوحه صحبت‌هایی درباره مذاکره ایران و ایتالیا برای تبادل زندانی که ایالات متحده نیز در آن دخیل بود، او تصمیم گرفت پیامی به کسی برساند که ممکن بود بتواند کمک کند. نام او ایلان ماسک بود.» فردی که ماسک با او تماس گرفته بود نیز مجدداً ایروانی، نماینده ایران در سازمان ملل بود.

هرچند که منابع رسمی چنین روایت‌هایی را رد می‌کنند اما ناظران و کارشناسان تاکید می‌کنند که این تکذیب‌ها به دلیل ویژگی‌های «دیپلماسی پنهان» است.

یک پیوند عاطفی در ایکس

اما آنچه باعث شده تا اغلب اخبار درباره مذاکره و روابط میان تهران – واشنگتن، حول محور ایلان ماسک بچرخد، صرفا متحجر به اخبار پشت پرده سیاسی نیست. او از دریچه ایکس با ایرانیان بسیاری ارتباط برقرار کرده است. چند ماه پیش وقتی یک کاربر ایرانی در پلتفرم منعقل به ماسک، داستان زندگی و مهاجرت خود را منتشر کرد، ماسک در واکنش به او نوشت که «آمریکا از ورود ایرانیان بسیار باستعداد بهره برده است.»

همان زمان او ویدئویی که یک نوجوان ایرانی از پیانونوازی خود روی تصاویر فعالیت‌های فضایی شرکت اسپیس‌ایکس ایلان ماسک منتشر کرده بود را بازنشر کرد. دستیاران ایرانی او در تسلا و ایکس، دست راست او محسوب می‌شوند و به طور کلی مواضعش نسبت به ایران و ایرانیان، این تصور را ایجاد کرده که او بر خلاف تمام تندروهای آمریکایی، به ایران علاقه‌مند است.

دولت هم ماسک را ترجیح می‌دهد

جالب آنکه ماسک نه فقط نسبت به مردم ایران، بلکه در ابعاد بالاتر و دولت و حاکمیت ایران نیز مواضعی مشابه دارد. پارسال در گفت‌وگویی مشترک با بنیامین نتانیاهو ماجرایی که درباره نامه دولت ایران تعریف کرد، بسیار خبرساز شد.

در دولت ابراهیم رئیسی، وقتی برنامه اینترنت استارلینک ماسک، حیات فیلترشکن‌ها در ایران را تهدید کرد، دولت ایران طی نامه‌ای از او خواست که قوانین سرزمینی را در فعال‌سازی این سرویس رعایت کند. ماسک به نتانیاهو گفت که «انتظار یک نامه سرشار از خشم و عصبانیت را داشتم ولی متن آن در سطح آثار چارلز دیکنز مودبانه و محترمانه بود.»

هرچند نخست‌وزیر اسرائیل به او گفت که «خام ادبیات چارلز دیکنزی جمهوری اسلامی نشوی»، اما به نظر می‌رسد که رویکرد ماسک تغییری نکرده است. آذرماه امسال وقتی سناتورهای آمریکایی مدعی پرواز پهپادهای ایرانی در سواحل شرقی آمریکا شده بودند، ماسک با انتشار تصاویری که به طور نمادین حکومت جمهوری اسلامی ایران را سوار بر شبقاب پرنده و برفراز خاک آمریکا نشان می‌داد، چنین ادعایی را به سخره گرفت و نوشت: «لطفا از درست کردن روایت‌های جعلی برای جنگ دست بردارید.»

در ایران نیز، دولت و نهادهای دخیل در پرونده ایران با آمریکا، مذاکره و دیپلماسی با ماسک را به مذاکره مستقیم با دولت ترامپ، دست‌کم در این مرحله ترجیح می‌دهند. چرا که او نه یک سیاستمدار، بلکه یک تاجر و سرمایه‌گذار است، آن هم نه لزوما یک سرمایه‌گذار آمریکایی، بلکه چهره‌ای فراملی است و اصلا او یک آمریکایی تمام‌عیار هم نیست؛ بلکه از پدری در آفریقای جنوبی و مادری کانادایی تبار است.

با این مشخصات، مذاکره با ماسک را راحت‌تر از مذاکره با دولت آمریکا می‌توان از گزند تندروهای داخلی و خارجی حفظ کرد. از این روست که این روزها بسیاری امیدوارند که او پیش از آنکه در سودای ریاست به مریخ باشد، در تدارک آمدن به ایران باشد! به نظر می‌رسد اتاق فکر خبرهای راست و دروغ درباره ماسک و ایران نیز در حال زمینه‌سازی برای تحقق این سفرند و اصلا کدام خبر جعلی است که نصف آن راست نباشد، درست مثل شوخی‌هایی که نیم آن جدی است و خیلی وقت‌ها شوخی، شوخی جدی می‌شود.

۲۰۰ کلمه

درس‌هایی که باید از دیپلماسی روسی یاد بگیریم

مهسا مزدهی / هیننی روسی روز سه‌شنبه ۹ بهمن‌ماه در دمشق از هواپیمای خود پیاده شد و مستقیم به دیدار مقامات ارشد دولت جدید سوریه رفت. میخائیل بوگدانوف، مرد ۷۲ ساله روس و دست راست پوتین در مسائل مربط با خاورمیانه، هیئت دیپلماتیک را رهبری می‌کرد. او در حالی وارد دمشق شد و دست دوستی را به سوی ابومحمد الجولانی که این روزها خودش را نام احمد الشرع معرفی می‌کند، دراز کرد که بشار اسد پیش از یک ماه است که به مسکو فرار کرده و ظاهرا در یک مجتمع مسکونی گران و مجهز ساکن شده.

بوگدانوف مرد جاافتاده‌ای است که پوتین در اعمال سیاست‌های خود در حوزه سیاست خارجی به او مانند چشمانش اعتماد دارد و حوزه عربی آسیا و آفریقا را به دست او سپرده. بوگدانوف اخیرا و در پی ترور سیدحسن نصرالله از ایران نیز بسیار صحبت انتقاد کرده و جزو دیپلمات‌هایی است که با صدای بلند حرف می‌کند و از انجام امور شجاعانه در حوزه دیپلماسی هراسی ندارد. این دقیقا همان نقطه‌ای است که سیاست خارجی روس‌ها را در مقایسه با بسیاری از دیگر کشورها، از جمله ایران متفاوت می‌کند.

هرچقدر که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نسبت به کشورهایی که پیش‌تر جزئی از شوروی بوده‌اند، حساس و سخت‌گیر است، در قبال کشورهایی که فاصله بیشتری با مرزهای روسیه دارند آسان‌گیر به‌نظر می‌رسد. البته او این خاصیت را از سال ۲۰۱۷ که ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده انتخاب شد، تقویت کرده است. در سال‌های حضور ترامپ در کاخ سفید، روس‌ها تلاش کردند تا زخم‌های کهنه خود با غرب را ترمیم کنند. از آنجایی که ترامپ ارادت ویژه‌ای به پوتین داشت، رئیس‌جمهور روسیه دست خود را برای بلندپروازی در دیپلماسی باز می‌دید. با خروج او از کاخ سفید و افزایش کار بایدن، روسیه محافظه‌کاری بیشتری را به روابط خود اضافه کرد و بعد با وقوع جنگ اوکراین دستکم در بلوک غرب، برای خود دشمنان زیادی تراشید. اما کماکان دیپلمات‌هایی مانند بوگدانف در مسکو، می‌توانند در ایجاد روابط روس‌ها با دیگران اثرگذار باشند و اینکار عمل را به دست بگیرند. دیپلمات‌های ریسک‌پذیر همان افرادی هستند که هر کشوری به آنها نیاز دارد. افرادی که می‌توانند گره‌های قدیمی یا پیچیده را نه با دندان، بلکه با استفاده از دست‌هایشان باز کنند.

روسیه علاوه بر دراز کردن دست دوستی با الجولانی، به تازگی اقدام دیگری هم داشته است. مسکو بر خلاف دیگر کشورهایی که از پذیرش طالبان به‌عنوان دولت رسمی افغانستان سرباز می‌زنند، اعلام کرده که مایل است این گروه را به‌عنوان سردمداران افغانستان به رسمیت بشناسد. چنین رویکردی البته در شرایطی مطرح شده که در کابل تصمیم‌گیران، نیمی از جمعیت، یعنی زنان را حق تحصیل و کار و بلند حرف زدن در خیابان منع کرده‌اند و غربی‌ها آنها یی که دل خوشی از طالب‌ها ندارند، مسکو را به دلیل اینکه برای شناسایی روسیه قدم جلو گذاشته، سرزنش می‌کنند. با همه اینها حتی این تصمیم روسیه هم نشان از دیپلماسی فعالی دارد که پوتین برای کشورش تعریف کرده است. به‌نظر می‌رسد نگاه او از فرای جنگ اوکراین، به دنبال تقویت حضور روسیه در نقاطی چون خاورمیانه، آسیا و آفریقاست و طرح‌ها و نقشه‌های فراوانی برای آنها دارد. پوتین و دیپلمات‌هایی مانند بوگدانف، در مسیر تحقق رویای خود، از نشدن دوست دشمنان و رقبای قدیمی ابایی ندارند. به‌نظر می‌رسد در دنیایی که ترامپ در یک سوی آن قدرت گرفته و چین مدام با تکنولوژی و اقتصاد غافلگیرمان می‌کند، سیاست خارجی مبتنی بر دشمنی حداقلی و دوستی حداکثری، مطمئن‌ترین راه باقی ماندن روی سطح آب است و دیپلمات‌هایی که بتوانند ابتکار عمل را فروری و بدون واهمه در دست بگیرند، برنده بازی می‌شوند.

گزارش روز

«سر آوا» در ایستگاه آخر

خروج بزرگ‌ترین شرکت سرمایه‌گذاری که استارتاپ‌های ایرانی را زیر و رو کرد

سر آوا یا پله‌پله در حال خالی کردن سیاست‌ها است. روز یکشنبه زمزمه‌هایی درباره خروج سرمایه‌گذار قدیمی استارتاپ‌های ایرانی منتشر شد. سر آوا ۳۶ درصد از سهام شرکت ایوند را از ۹ سال پیش در اختیار داشتند که حالا با مصالحه و بدون پرداخت وجهی از سهامداری این شرکت خارج شدند. حمیدرضا احمدی، بنیانگذار ایوند درباره علت این اتفاق به روزنامه «هفت صبح» می‌گوید: «سر آوا در پی این است که همه فعالیت‌های خود را متوقف کند. از سال ۱۳۹۱ ماموریتی داشت تا به شرکت‌های مهم استارتاپی کمک کند. می‌توانست با این پول خود طلا و مسکن بخرد اما به جایش موج استارتاپی راه انداخت. در سال‌های اخیر فعالیت جدیدی نداشت و از سهام شرکت‌های بزرگ خارج شد. تصورمن بر این است که قصد دارند شرکت خود را تعطیل کنند.»

سر آوا خود را اینطور معرفی می‌کند: «اولین و بزرگ‌ترین شرکت سرمایه‌گذاری جسوارانه ایرانی». پس از این سرمایه‌گذاری ارزشش به ۱۰۰ میلیون دلار رسیده است. حساسیت‌ها روی سر آوا کم‌م بعد از این سرمایه‌گذاری خارجی آغاز شد. سر آوا اما از یا ننشست و در دی‌ماه ۱۳۹۴، ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه خارجی دیگر هم جذب کرد و ارزش خود را به ۶۴۵ میلیون دلار رساند. حالا ۴۵ درصد از سرمایه سر آوا خارجی و ۵۵ درصد ایرانی بود.

یک سال بعد، سر آوا روی فیدیبو به عنوان یکی از دو کتابخوان الکترونیکی کشور نیز سرمایه‌گذاری کرد و در پاییز ۱۳۹۶ یک محیط کار اشتراکی معروف به نام کارخانه نوآوری آزادی را هم افتتاح کرد و ظاهرا هیچ چیز جلودار آن نبود تا اینکه ناگهان خبر «عماد شرقی» معاون بین‌الملل این هولدینگ هنگام خروج از ایران دستگیر شد. شرقی تا سال ۱۴۰۲ در ایران زندانی بود و در معامله ۵ زندانی آمریکایی در برابر ۶ میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی، آزاد شد.

سر آوا ارتباط خود با پرونده این فرد را تکذیب کرد و به سرمایه‌گذاری‌های خود ادامه داد و در میانه آذر ۱۳۹۶ با ۹۰ میلیارد تومان هولدینگ توشا را خرید. مالک دو برند مهم در حوزه سفر و اقامت در ایران. «علی بابا» و «جابامه». روند سرمایه‌گذاری‌های سر آوا با سرمایه‌گذاری در «الویک» هم ادامه پیدا کرد.

حال سر آوا خوب نبود؟

از آن به بعد تقریبا معلوم بود که حال سر آوا خوب نیست. آرامیه از برجام خارج شده بود و تحریم سرمایه‌گذاری خارجی را متوقف کرده بود. تیر ۹۸ پنج سال بعد از آن روز در شرایطی که کمتر خبری از سر آوا می‌شنیدیم حالا تقریبا هیچ چیز از سرمایه‌گذاری‌های سر آوا باقی نمانده است. با توقف فعالیت نقشه آنلاین بلد و خروج میلیارد دلار از انتقال کمتر از ۱۰ درصد از سهام خود به شرکت سودنی پس از این سرمایه‌گذاری ارزشش به ۱۰۰ میلیون دلار رسیده است. حساسیت‌ها روی سر آوا کم‌م بعد از این سرمایه‌گذاری خارجی آغاز شد. سر آوا اما از یا ننشست و در دی‌ماه ۱۳۹۴، ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه خارجی دیگر هم جذب کرد و ارزش خود را به ۶۴۵ میلیون دلار رساند. حالا ۴۵ درصد از سرمایه سر آوا خارجی و ۵۵ درصد ایرانی بود.

یک سال بعد، سر آوا روی فیدیبو به عنوان یکی از دو کتابخوان الکترونیکی کشور نیز سرمایه‌گذاری کرد و در پاییز ۱۳۹۶ یک محیط کار اشتراکی معروف به نام کارخانه نوآوری آزادی را هم افتتاح کرد و ظاهرا هیچ چیز جلودار آن نبود تا اینکه ناگهان خبر «عماد شرقی» معاون بین‌الملل این هولدینگ هنگام خروج از ایران دستگیر شد. شرقی تا سال ۱۴۰۲ در ایران زندانی بود و در معامله ۵ زندانی آمریکایی در برابر ۶ میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی، آزاد شد.

سر آوا ارتباط خود با پرونده این فرد را تکذیب کرد و به سرمایه‌گذاری‌های خود ادامه داد و در میانه آذر ۱۳۹۶ با ۹۰ میلیارد تومان هولدینگ توشا را خرید. مالک دو برند مهم در حوزه سفر و اقامت در ایران. «علی بابا» و «جابامه». روند سرمایه‌گذاری‌های سر آوا با سرمایه‌گذاری در «الویک» هم ادامه پیدا کرد.

حال سر آوا خوب نبود؟

از آن به بعد تقریبا معلوم بود که حال سر آوا خوب نیست. آرامیه از برجام خارج شده بود و تحریم سرمایه‌گذاری خارجی را متوقف کرده بود. تیر ۹۸ پنج سال بعد از آن روز در شرایطی که کمتر خبری از سر آوا می‌شنیدیم حالا تقریبا هیچ چیز از سرمایه‌گذاری‌های سر آوا باقی نمانده است. با توقف فعالیت نقشه آنلاین بلد و خروج سر آوا از بازار و دیوار، دیگر سر آوا هیچ نقشی در گروه هزاردرتان که مالک این برندها بود ندارد. سر آوا به طور کلی سهم خود در دیجی کالا (من جمله سهام در فیدیبو) را به همراه اوفرخته، «الویک» در تیسی ادغام شده و توسط گلرنگ خریداری شده است.

چیلوری منحل شده است، سر آوا از «نوار» که یک اپلیکیشن شنیداری بوده خارج شده و سهام را به بنیانگذارانش داده است. آخرین چیزی که از سر آوا باقی مانده شرکتی به نام «هم‌آوا» است که کارخانه نوآوری آزادی (البته، نه ملک آن را) در اختیار دارد. از آن غول ابتدای دهه ۹۰ چیزی باقی نمانده است.

تحریم و البته بی‌اعتمادی در داخل به خصوص به سرمایه خارجی، در کنار اشتباهاتی که برخی می‌گویند سر آوا انجام داده است مثل اغراق در اعداد و ارقامی که به سرمایه‌گذاری‌های خود و ارزش آن در فضای استارتاپی صورت می‌داد، به هر حال، قصه غم‌انگیزی بود. داستان یک کودک تقریبا ۱۲ ساله که کارهای بزرگی در ایران کرده بود ولی نشد که بزرگ‌تر شود.

گلری

۷ قابی از مراسم امسال «جشن سده» در آتشکده زرتشتیان کرمان. عکس از ساره تجلی / ایسنا.

۸ مراسم اختتامیه چهارمین دوره جشنواره ملی عاشیقلار (نوای وحدت ایران) شامگاه سه‌شنبه (۹ بهمن ۱۴۰۳) با حضور «مرتضی محمدزاده» معاون سیاسی اجتماعی استاندار آذربایجان شرقی در تبریز برگزار شد. عکس از علی حامد حق‌دوست / ایرنا.

۸ کریم باقری در کنار «اسماعیل کارتال» سرمربی جدید تیم فوتبال پرسپولیس در مراسم معارفه و نخستین نشست خبری در شهر، عکس از مرضیه سلیمانی / ایرنا.

۸ در هفته بیست و دوم لیگ برتر والیبال چهارشنبه دهم بهمن ۱۴۰۳ تیم‌های شهرداری ارومیه و فولاد سیرجان ایرانیان در سالن مملوا ۷ هزار تماشاگر شهر عاشقان والیبال، ارومیه به مصاف هم رفتند که در پایان تیم شهرداری ارومیه توانست حریف خود را با نتیجه ۳ بر ۲ شکست دهد. عکس از سهیل فرجی / ایسنا.

۸ نشست خبری چهل و سومین جشنواره فیلم فجر با حضور منوچهر شاهسواری دبیر جشنواره در برج میلاد برگزار شد. عکس از امیرمهدی خیرنگاران جوان.

۸ همزمان با عید مبعث، جشن ازدواج دانشجویی با حضور ۵۰۰ زوج جوان، عصر سه‌شنبه در مجتمع سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شد. عکس از مجدته زارع / ایسنا.

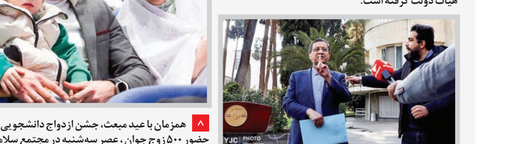

۷ قاب خاصی که الهام رضایی، عکاس باشگاه خبرنگاران جوان از عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد در حاشیه جلسه هیات دولت گرفته است.

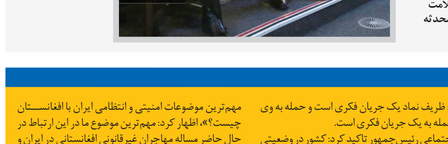

۷ قاب خاصی که الهام رضایی، عکاس باشگاه خبرنگاران جوان از عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد در حاشیه جلسه هیات دولت گرفته است.

جهره روز

پاسخ عراقچی به ادعای دریافت پیام از آمریکا

وزیر امور خارجه درباره سفر اخیر به افغانستان و احتمال انتقال پیامی از آمریکا به ایران توضیحاتی ارائه کرد. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در حاشیه جلسه روز چهارشنبه هیأت دولت در جمع خبرنگاران، در پاسخ به پرسشی درباره سفر اخیرش به افغانستان، گفت در این سفر موضوع اتباع افغان در ایران، امنیت مرزها، امنیت شیعیان در داخل افغانستان، امنیت تجارت، موضوع قاچاق موادمخدر، وجود گروه‌های تروریستی، موضوع حقابه از جمله موارد مطرح شده در این سفر در گفت‌وگو با دولت مستقر در افغانستان بود. عراقچی افزود: این موارد چالش‌های مهمی است که باید درباره آن گفت‌وگو و تعامل با دولت مستقر در افغانستان انجام دهیم و این یک ضرورت است. وزیر امور خارجه تأکید کرد: تاکنون هیچ پیام مشخصی از آمریکا دریافت نکرده‌ایم و پیامی هم ارسال نشده است. عراقچی ادامه داد: گفت‌وگو با اروپا در جریان است و منتظر مواضع طرف مقابل هستیم. اگر در کشور به این جمع‌بندی برسیم که باید مذاکره شود به صورت برابر انجام می‌شود و الان این جمع‌بندی نیست و ما قبلاً توافق کرده بودیم و آنها توافق را به هم زدند و الان مبنا بر بی‌اعتمادی است و این اعتماد با کلمات خوب مشخص نمی‌شود و باید ما عملکرد را ببینیم.

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

« گفت‌وگوی عراقچی و گروسی؛ وزیر امور خارجه و رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تماس تلفنی گفت‌وگو و تبادل نظر کردند.

در این گفت‌وگوی تلفنی، در مورد آخرین وضعیت همکاری‌ها و تعاملات فنی ایران و آژانس بحث و تبادل نظر شد.

عراقچی با تکرار اراده ایران برای تداوم همکاری‌ها با آژانس در چارچوب تعهدات بین‌المللی خود، بر ضرورت پرهیز از سیاسی‌کاری و طرح مواضع غیرسازنده و ادامه همکاری‌ها در فضایی فنی و رو به جلو تاکید کرد.

وزیر خارجه کشورمان همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را موظف به حرکت در چارچوب وظایف و مسئولیت‌های خود دانست و از مدیرکل آژانس خواست به درخواست‌ها و فشارهای غیرموجه برخی کشورها وقعی ننهد.

گروسی در این گفت‌وگو با اشاره به عزم آژانس برای تعامل و همکاری جدی با ایران، تاکید کرد در چارچوب وظایف و اختیارات خود در راستای ایجاد فضای مناسب در جهت حل مسائل موجود با همه طرف‌ها رایزنی‌ها خواهد کرد.

« گفت‌وگوی عراقچی و وزیر خارجه انگلیس؛ سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به تماس تلفنی دیوید لمی، وزیر امور خارجه انگلیس، درباره موضوعات دوجانبه، مذاکرات هسته‌ای و تحولات منطقه‌ای به تبادل نظر پرداخت.

در این گفت‌وگوی صریح، عراقچی با تشریح مواضع ایران در خصوص فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول و مبانی خود و در راستای منافع ملی کشور همواره آماده گفت‌وگو بوده است. وی تصریح کرد این رویکرد جدیدی نیست و در گذشته نیز مذاکرات بر همین مبنا انجام شده است.

وزیر امور خارجه با رد دیگر حمایت خود را از برقراری و تمدید آتش‌بس در غزه و لبنان اعلام کرد و بر ضرورت توقف جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی تأکید نمود.

عراقچی همچنین خاطرنشان کرد جمهوری اسلامی ایران همواره احامی صلح و ثبات در منطقه بوده و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

وزیر امور خارجه کشورمان نسبت به هرگونه افزایش تنش در یمن هشدار داده و پیامدهای این اقدامات را تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه دانست.

طرفین در خصوص اخرین وضعیت مناسبات دوجانبه، همین استقبال از تحرکات رویه جلوی اخیر، بر اهمیت تداوم رایزنی‌های دیپلماتیک تأکید کردند. همچنین، در این گفت‌وگوی تلفنی برخی مسائل کنسولی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

« خسارت تحریم چقدر بوده است؟ عاملی، دبیر سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: ایران از سال ۹۱ تاکنون یک تریلیون و ۲۰۰ میلیارد دلار بابت تحریم‌ها خسارت دیده است. وی که در صداوسیما صحبت می‌کرد افزود: این خسارت به مردم ضرر شده است. تحریم‌های داروهای خاص را گردده‌اند که ما خودشبخانه حدود ۹۵ درصد تولید داروهای‌مان در کشور صورت می‌گیرد، از این جهت قدرتمندیم اما بیماران خاص و پروانه‌ای تحت تاثیر تحریم‌ها ادیت شدند. (انتخاب)

« مصوبه مهم مجمع در مورد متناسب‌سازی حقوق؛ اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه بررسی موارد اصراری اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در بودجه ۱۴۰۴ با پرداخت کامل متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان دولت و پرداخت مطالبات فرهنگیان بازنشسته سال ۱۴۰۰ موافقت کردند.

در جلسه فوق‌العاده روز چهارشنبه دهم بهمن ۱۴۰۳ این نهاد به ریاست آیت‌الله صادق آملی لاریجانی با حضور سران سه قوه و اکثریت اعضاء موارد اصراری مجلس در «لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور و سقف منابع عمومی دولت و مفروضات منابع و مصارف» بررسی و بایان یافت.

در این جلسه در خصوص جزء۲- ۱بند(الف) تبصره(۳) در موضوع سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی، خالص صادرات گاز و صادرات فرآورده‌های نفتی، پس از استماع نظر شورای نگهبان و توضیحات مجلس و دولت، اعضای مجمع به طرح نقطه دفاعی، پس از ارائه نظر کمیسیون اقتصادی مجمع و استماع نظر حقوقدان شورای نگهبان، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس کمیسیون تلفیق مجلس، اعضای مجمع به تبادل نظر پرداختند.

اعضای مجمع در خصوص ایراد اول شورای نگهبان، (عدم درج در سقف بودجه) مصلحت مورد نظر مجلس شورای اسلامی را پذیرفتند و در موضوع ایراد دوم (مغایرت حواله نفتی با اساسنامه صندوق توسعه ملی) مصلحت مورد نظر مجلس پذیرفته نشد و تبدیل آن به «بدهی» به تصویب رسید.

در خصوص جزء۲- ۲بند(الف) تبصره(۳) در موضوع سهم شرکت ملی نفت ایران و نیز سهم شرکت دولتی ذی‌ربط وزارت نفت در امور گاز و اختصاص سهمی برای مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی و نگهداری دانش‌آموزان تحت پوشش پس از استماع نظر شورای نگهبان، مجلس و دولت، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصلحت مورد نظر مجلس شورای اسلامی را پذیرفتند.

بنا به این گزارش، در خصوص جزء(۳)بند(الف) تبصره(۳) در موضوع متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان دولت و پرداخت مطالبات فرهنگیان سال ۱۴۰۰ تا ۳۱/۶/۱۴۰۰ تا ۳۰/۱۱/۱۴۰۰ ناشی از اجرای قانون نظام رتبه‌بندی معلمان، تامین و تخصیص می‌یابد. (ایرنا)

« نظر ربیعی در مورد حملات به ظریف؛ علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور شامگاه ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ با انتشار ویدیویی در شبکه اجتماعی ایکس به جرایی حملات این روزهای جریان تندرو به معاون راهبردی رئیس‌جمهور پرداخت و این پرسش را مطرح کرد که چرا شدت حملات به ظریف تا این حد فزاینده است؟

نظرات خود پرداختند و مصلحت مورد نظر مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و پیشنهاد کمیسیون اقتصادی مجمع برای مستثنی شدن «فرآورده‌های نفتی» از این بند مصوب شد و عبارت «به عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه ملی» اصلاح شد.

همچنین در خصوص بند الحاقی(۳) تبصره(۵) در موضوع متناسب سازی حقوق بازنشستگان دولت و پرداخت مطالبات بازنشستگان فرهنگی ۳۱تیر یور ۱۴۰۰ تا تاریخ ۳۰بهمن ۱۴۰۰، پس از استماع نظر شورای نگهبان، مجلس و دولت، اعضای مجمع به مصلحت مورد نظر مجلس رای دادند.

بدین ترتیب در بودجه سال آینده، مبلغ ۹۵۰هزار میلیارد ریال به منظور تامین اعتبارات مربوط به پرداخت متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان دولت و پرداخت مطالبات بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰/۱/۶تا ۳۱/۱۱/۱۴۰۰ ناشی از اجرای قانون نظام رتبه‌بندی معلمان، تامین و تخصیص می‌یابد. (ایرنا)

« نظر ربیعی در مورد حملات به ظریف؛ علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور شامگاه ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ با انتشار ویدیویی در شبکه اجتماعی ایکس به جرایی حملات این روزهای جریان تندرو به معاون راهبردی رئیس‌جمهور پرداخت و این پرسش را مطرح کرد که چرا شدت حملات به ظریف تا این حد فزاینده است؟

وی افزود: ظریف نماد یک جریان فکری است و حمله به وی ناشی از حمله به یک جریان فکری است.

دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور تاکید کرد: کشور در وضعیتی نامناسبی قرار دارد و نیاز به تحول اساسی در بخش‌های مختلف داریم، باید تجدید نظر جدی در شرایط فعلی صورت گیرد و حمله فزاینده و بی‌رحمانه به ظریف، تلاش یک تفکر برای عدم پیشرفت یک ایده است که در این برهه از تاریخ ایران، برای کشور الزامی است. ربیعی تصریح کرد: تلاطم‌های محیطی زیادی پیرامون ما به وقوع پیوسته است و ما باید منعطفانه در مقابل تلاطم‌های محیطی به بقا و ایفاء ایران و فرزندانمان بیاندیشیم. وی با بیان اینکه امیدواریم که این تفکر به تعقل برسد، گفت: اتلاف ذهنی و نظری بین بخش اعظمی از جامعه شکل گرفته است و اکثریت جامعه معتقدند که باید برای اینده ایران طرحی نو بیاندازیم، این بدان معنا نیست که اندیشه‌های گذشته و سنت‌های نظری خود را از بین ببریم بلکه بدین معناست که باید آن دیدگاه‌ها را پویاتر کنیم.

« سخنان معاون وزیر کشور درباره اتباع؛ «علی اکبر پورحمشیدیان» معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور که در سفر اخیر «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به افغانستان به عنوان یکی از اعضای تیم همراه حضور داشت، در پاسخ به این سوال که «در حال حاضر مهم‌ترین موضوعات امنیتی و انتظامی ایران با افغانستان چیست؟»، اظهار کرد: مه

دستور زبان عشق
از ابدیت / بر دلِ ما رازی‌ست
که هیچ زبانی آن را نخواهد گفت
از عشق / بر دلِ ما غمی‌ست / که هیچ معشوقی را / بر آن راهی نیست
بیژن جلالی

امام علی علیه السلام
لا تَـکُن مِمَّن یَرجُوالآخِرَةَ بِغَیرِ العَمَلِ... یَنهی وَلا یَنتَهی وَیَامُرُ بِما لا یَاتی...
از کسانی مباش که بی‌عمل، به آخرت امید دارند... از گناه باز می‌دارند اما خود باز نمی‌ایستند، به کارهایی فرمان می‌دهند که خود انجام نمی‌دهند.
نهج البلاغه ص ۴۹۷ و ۴۹۸، حکمت ۱۵۰

واگویه‌های انتظار
در میانِ زخم و شب و شعله زیستیم / در تورِ تشنگی و تباهی
با نظمِ واژه‌هایِ پریشان گریستیم! / بر باغ ما ببار / بر باغ ما که خنده خاکستر است و خون
بر باغ ما ببار / بر داغ ما ببار...
محمدرضا شفیعی کدکنی

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۳۸ | طلوع خورشید ۰۷:۰۵ | اذان ظهر ۱۲:۱۸ | غروب خورشید ۱۷:۲۹ | اذان مغرب ۱۷:۴۸

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۷۸ | پنجشنبه | ۱۱ بهمن ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی
مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری
هفت صبح
بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com
نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۱۵۶۶۷-۶۵۳۵۱
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

خنک شدن دل اینقدر ارزش دارد؟

درباره هتاکی، تهمت و زد و بند

لطماتی که بیرانوند در ورزشگاه آزادی تحمل کرد و مورد هتاکی و فحاشی از سوی برخی تماشاگران پرسپولیسی قرار گرفت را درک می‌کنم. این یک انتقام وحشیانه بود. اما متوجه نیستم که چرا تبریزی‌ها در مورد بیرانوند اینگونه غیرمنصفانه رفتار می‌کنند؟ دیروز یکی از طنازهای مشهور آذری‌زبان، در میانه کری‌خوانی‌های مرسوم، شکست تیم تراکتور را به بیرانوند نسبت داد. یعنی بیرانوند ساخت و پاخت کرده است! صفحات مجازی طرفداران تیم تراکتور هم آکنده است از انواع و اقسام تهمت و ناسزا به بیرانوند.

این دیگر کمال کم‌خردی است. دروازه‌بان ملی‌پوش آمده است -حالا به هر دلیلی- با تیم شما قرارداد بسته و در طول فصل نمایش بسیار خوبی داشته و یکی از دلایل موفقیت تراکتور در این فصل چه در ایران و چه در آسیا بوده و حالا به جای حمایت، او را هدف غیظ و خشم خود قرار داده‌اید؟ حالتان خوب است؟ آن دو تا توپ را هیچ‌کس در ایران نمی‌توانست بگیرد. نه شوت رفیعی و نه ضربه سر گولسیانی را. آن لو دادن توپ در نیمه اول هم ناشی از عدم تمرکز و تحمل حجم عظیمی از ناسزا بود که از سکوهای پرسپولیسی‌ها به سمت بیرانوند روان بود. آری بیرانوند به لحاظ روحی شکننده است. همیشه هم بوده. شاید اگر عابدزاده مثلا در این موقعیت بود این ناسزاها و فحاشی‌ها تاثیری در نمایش او نمی‌گذاشت اما او بیرانوند است.

چگونه طرفداران تیم تراکتور، طنازهای مشهور تبریزی و حتی مجری شبکه استانی، اینگونه ناسپاس هستند؟ چگونه موقعیت و امتیاز دارا بودن بهترین دروازه‌بان ایران را به خطر می‌اندازند؟ مگر نمی‌خواهید قهرمان ایران شوید؟ ۱۳ هفته دیگر باقی‌مانده و شما به شدت به بیرانوند و همین طور ترابی احتیاج دارید. آخر این چه طریقه اشتباهی است که همه‌اش دنبال دست‌های پشت پرده و زد و بند هستید؟ این راه که مشخص است اشتباه است و تنها فایده‌اش خنک شدن دلتان است. خنک شدن دل اینقدر ارزش دارد؟

دنده عقب
اشکان عقیلی‌پور

رفقا... شما رمان «بابالنگ دراز» رو مطالعه فرمودین؟ یا حداقل کارتونش رو دیدین دیگه؟ عرضم خدمت‌تون که یه جمله‌ای هست تو این کتاب که خیلی زیباست. جودی در یکی از نامه‌هاش به «بابا لنگ دراز» می‌نویسه که: «من امروز یه چیز خیلی مهم کشف کردم: من خوشگلم...»

حالا چی شد یاد این رمان و این جمله «جودی ابوت» افتادم؟ به دلیل این که من هم امروز یه چیز خیلی مهمی کشف کردم که البته با کشف جودی، تومنی صنار فرق داره.

راستش من امروز تو تاکسی نشسته بودم و کنارم یه مادری به همراه دختر حدودا پنج ساله‌اش نشسته بود. تو حال و هوای خودم بودم که احساس کردم دختره که روی پای مامانش نشسته بود، چشم از من برنمی‌داره. برگشتم یه نگاهی بهش کردم. مثل فرشته‌ها بود... با زیبایی تمام، بهم خندید... بسیار زیبا... منم بهش خندیدم.

سرم رو برگردوندم ولی احساس کردم که یه خورده خم شده. دوباره برگشتم... دوباره خندید. خندیدم... چند باری این داستان تکرار شد؛ هی خم می‌شد و نگاه می‌کرد و می‌خندید و منم کیف می‌کردم و بهش می‌خندیدم...

مامانه که داستان رو فهمیده بود، به دخترش گفت: «اذیت نکن آقا رو...»

- «نه خانم... بذارین راحت باشه. چقدر هم خوش خنده‌س ماشالا...» / «نه اتفاقا... برعکس... نمی‌دونم چرا با شما اینقدر خوب رابطه برقرار کرده...»

خب... شماها که دیگه منو خیلی خوب میشناسین. این لحظه، دقیقا همون لحظه‌ایه که بنده عموما فنر زبونم در میره و دیگه نمیتونم لال بمونم. زمان، زمان اظهار فضل‌های بی‌موقع و حرف‌های مفت آبروبرِ بنده‌س. لذا یه تک سرفه‌ای کردم و دستی به ریشم کشیدم و بادی به غبغب انداختم و رفتم بالای منبر:

- «خب... بله... بچه‌ها حس درونی آدم‌ها رو می‌فهمن... به ظواهر اعتنایی نمی‌کنن. امواج رو می‌بینن. هنوز پرده‌ای روی هاله‌هاشون کشیده نشده. چون سیرتشون پاکه، ارتباط نهانی برقرار می‌کنن. من هم چون ذاتا...»

قبل از اینکه این جمله آخرم منعقد بشه و وقت کنم آب دهنم رو قورت بدم و برم سراغ اراجیف بعدی، دختره با همون خنده‌ش گفت:

- «دماغ این آقاهه عین دماغ بابابزرگه...»

باور کنین چونه‌م کش اومد. سخنرانیم تو دهنم ماسید...

مامانه زد پس کله دختر پرروی بی‌تربیتش و گفت: «این چه حرفیه... دور از جون.»

همونجور که به روبه‌روم خیره شده بودم، داشتم فکر می‌کردم که منظورش از «دور از جون»، من بودم یا دور از جون بابابزرگه یا چی ...

در ادامه مسیر، بچه بی‌تربیت، هی دولا می‌شد و می‌خندید، مامانش هم هی افسارش رو می‌کشید که صاف بشینه، من هم بیشتر رومو برمی‌گردوندم سمت خیابون... احساس می‌کردم بینی‌ام رو صورتم سنگینی می‌کنه. انگار یه وزنه ۱۰ کیلویی آویزون کرده بودن روی صورتم.

نگاه‌های دختره تمومی نداشت و تحملش سخت شده بود. دیدم نمی‌شه این جوری. پیاده شدم...

در ادامه مسیر و در حال پیاده‌روی به سمت مقصد، نگاهم فقط به شیشه مغازه‌ها بود و بینی‌ام رو، چک می‌کردم...

همان‌طور که در ابتدا عرض کردم، به قول «جودی ابوت»: «من امروز یه چیز خیلی مهم کشف کردم.»

و کشف مهمم اینه که با بچه‌هایی که تو تاکسی بهتون خیره میشن، اصلا صمیمی نشین و اگه بهتون خندیدن، بدونین که حتما یه جای کار می‌لنگه و این امواج و هاله و انرژی و سیرت پاک بچه‌ها، داستان و خزعبل و مزخرفی بیش نیست. اخماتون رو بکنین تو هم و اصلا بهشون رو ندین که اوضاع خراب می‌شه.

قصه های گمشده ۱۱۳ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)
آرش خوشخو

کشف کلنل اسمایت در بریگاد قزاق

دوستی انتقاد کرده بود که در ماجرای شکایت حقوقی ایران از شرکت نفت «ایران و انگلیس» وثوق‌الدوله را یک قهرمان نشان داده بودید. خب غرض از آن مطلب این بود که بگوییم تاریخ چقدر می‌تواند متناقض و عجیب باشد. در خود متن هم به این مسئله اشاره کرده بودیم. وگرنه خیانت وثوق‌الدوله و نصرت‌الدوله فرمانفرما در قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را تحت‌الحمایه انگلیس قرار می‌داد، چه به لحاظ مالی و چه به لحاظ نظامی حضور وثوق‌الدوله آنقدر برای انگلیس مهم بود که در یک قرار و مدار پنهان یک مستمری مخصوص احمدشاه در نظر گرفتند به شرط آنکه دولت وثوق‌الدوله برقرار بماند. پس کسی در خیانت این دولتمرد شکی ندارد کما اینکه در مورد مظفرالدین شاه و سیستم از کار افتاده سلطنتش شک و شبهه‌ای نیست اما در گذرگاه‌های تاریخی، گاه چنین مسائل و تناقضاتی رخ می‌دهد.

یادتان باشد ایران تا قبل از سال ۱۲۸۷، سال فوران نفت در چاه مسجد سلیمان، کشوری بوده که تجار انگلیسی ماجراجویانه به آن نظر داشتند و دنبال برخی منافع مالی محدود بودند. از نگاه دولت انگلیس هم ایران منطقه‌ای بوده که تسلط بر آن موجب می‌شد تا از گنج بزرگ انگلیس در آسیا یعنی هندوستان دفاع بهتری شکل بگیرد. ارزش هند برای انگلیس تا قرن نوزدهم غیرقابل تخمین است. در آن دوران فرانسوی‌ها و روس‌ها جزو کشورهایی بودند که به این گنج بزرگ انگلیس در آسیا یعنی هند، حسادت می‌کردند و تسلط انگلیس بر ایران و افغانستان می‌توانست راه نفوذ این قدرت‌ها به هند را سد کند.

اما کشف نفت موجب شد تا ایران ارزشی حیاتی و حتی همپای هند برای انگلیس پیدا کند. وابستگی شدید صنایع و نیروی نظامی آنها به نفت ایران موجب شد تا سیاستمداران این کشور با تمام قوا برای کنترل ایران وارد عمل شوند. انگلیسی‌ها برای آنکه نفت جنوب از شر آشوب و دست‌اندازی‌های خارجی‌ها به ایران در امان بمانند با خوانین و ایلات بختیاری قراردادی داخلی وضع کردند تا آنها از جریان نفت ایران به سمت انگلیس محافظت کنند. در طول سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۹، ایران یکی از پرآشوب‌ترین مناطق دنیا بود. جایی که قدرت مرکز و تسلطش بر نقاط مختلف کشور به حداقل و قوای عثمانی از غرب تا همدان پیش آمده بودند و روس‌ها از شمال به‌راحتی به ایران دست‌اندازی می‌کردند. یاغی‌های منطقه‌ای هم هرکدام بر قسمتی از کشور سیطره داشتند. در تمام این سال‌ها انگلیسی‌ها با کمک نیروهای بختیاری و البته ارتش هشت هزار نفری سپاه جنوب (شامل سربازان هندی و افسران انگلیسی) نگذاشتند تا جریان نفت به سمت جزیره مختل شود. اما در سال ۱۹۱۸ یعنی ۱۲۹۷ شمسی، شرایط به شکلی باورنکردنی به سود انگلیسی‌ها تغییر کرد.

روس‌ها در بحبوحه انقلاب بلشویکی از تمام مطامع ارضی خود نسبت به ایران چشمپوشی کردند و امپراطوری عثمانی هم درهم شکست و چندپاره شد. انگلیس هم سعی کرد با قرارداد ۱۹۱۹ کار ایران را یکسره کند و حاکم بلامنازع این کشور شود. در اتفاقی دیگر، سپاه قزاق‌ها که نیروی مهم شمال ایران و تحت فرماندهی روس‌ها بودند و حالا به دست افسران ناراضی روس فرماندهی می‌شدند که با حکومت بلشویکی سرناسازگاری داشتند، در ادامه قرارداد ۱۹۱۹، لشگر قزاق‌ها در اختیار افسرهای انگلیسی درآمدند.

مخالفت شدید روشنفکران ایرانی با قرارداد ۱۹۱۹ و بی‌آبرویی و سرنگونی دولت وثوق، انگلیسی‌ها را دوباره سردرگم کرد. همزمان جنگلی‌های گیلان و شیخ محمد خیابانی در تبریز بر تحرکات نظامی خود افزوده بودند و کار آنقدر بر دولت مرکزی سخت شد که احمدشاه از ترس جان و ثروتش، پیشنهاد انگلیسی‌ها برای تغییر پایتخت به اصفهان و قرار گرفتن در حمایت سپاه جنوب و گروه‌های مسلح بختیاری را مورد بررسی جدی قرار داد. در پاییز سال ۱۲۹۹ آشوب به اوج خود رسیده بود و همه در پایتخت می‌گفتند که بلشویک‌ها به سرکردگی احسان‌الله خان از گیلان به سمت تهران هجوم خواهند آورد.

در این آشوب، ژنرال آیرونساید که برای فرماندهی نیروهای انگلیسی به ایران آمده بود و نگران جریان نفت ایران در آشوب‌های پیش رو بود، یکی دستیارانش به نام کلنل اسمایت را برای زیرنظر گرفتن بریگادهای قزاق به غرب کشور فرستاد. اسمایت یک هفته بعد، از کشف بزرگش در این بریگاد برای آیرونساید پیام فرستاد. درباره یک افسر ۵۰ ساله بلندقد کم‌سواد اما صریح و جاه‌طلب. داستانش را دیگر می‌دانید...

سایت‌نگار

افسردگی تارانتینو، جادوی مونالیزا، موفقیت دیپلماسی گرنادا

منوچهر شاهسواری، دبیر چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر در نشستی به سوالات اهالی رسانه پاسخ داد و درباره جزئیات برگزاری افتتاحیه این رویداد سخن گفت. وی درباره تجلیل‌های این دوره افزود: فردا روز افتتاحیه از ۳ هنرمند تجلیل می‌کنیم؛ منوچهر والی‌زاده، صدای زیبای تاریخ دوبله ایران، سیروس الوند از کارگردانان صاحب ایده و رضا بابک بازیگر برجسته و خاطره‌ساز تکریم می‌شوند.

برترین‌ها نوشت: اگر از متولدان دهه ۶۰ یا قبل‌تر باشید، احتمالا به یاد دارید در سال ۸۰ فیلم جوان‌پسند «اتانازی» با حضور حسام نواب صفوی که آن روزها در اوایل ستاره شدن بود، اکران شد. نقش اصلی زن آن فیلم سولماز غنی بود که دو سال بعد در سریال پربیننده «تب سرد» هم با شهاب حسینی همبازی شد. غنی پس از چند سال دوری و کم کار بودن در دهه ۹۰ در آثار پرمخاطبی از جمله «دردسرهای عظیم» و «پنج کیلومتر تا بهشت» حضور یافت و به هیچ وجه بازیگر سیاهی لشکر نبود.

سولماز غنی در موج مهاجرت‌ها ناگهان غیب و چندی بعد عکس‌های نامتعارفی از او در فضای مجازی منتشر شد؛ عکس‌هایی که انتشارش توسط خود او تقریبا قطعی به نظر می‌رسید و طبق سنتی نانوشته، یک بازیگر شناخته شده فقط زمانی اقدام به انتشار چنین عکس‌هایی می‌کند که قصد بازگشت به کشور را ندارد. در همین زمان بود که خبرهای غیررسمی از پیوستن او به شبکه جم هم منتشر می‌شد. اما خانم غنی هیچ وقت در هیچ اثری که متعلق به شبکه‌ای خارجی باشد، حضور نیافت و این روزها به کشور بازگشته و با رفع برخی موانع ممکن است دوباره او را در سریال‌های تلویزیونی ببینیم.

در سال‌هایی که شبکه جم به‌دنبال جذب هنرمندان ایرانی بود، چکامه چمن‌ماه نیز به این موج پیوست. حضور او در سریال‌های این شبکه با پوششی متفاوت، باعث جنجال‌های بسیاری شد. این تغییر ناگهانی، مخاطبان و طرفداران او را شگفت‌زده کرد و سوالاتی درباره دلایل مهاجرت او به ترکیه به وجود آورد. با این حال، همکاری او با شبکه جم طولانی نشد. این شبکه، که در ابتدا با وعده‌های مالی جذاب بسیاری از هنرمندان ایرانی را جذب کرده بود، خیلی زود دچار مشکلات مالی و افت کیفی شد. چمن‌ماه، مانند بسیاری از دیگر بازیگران، نتوانست جایگاه پایداری در این شبکه پیدا کند و این تجربه به نقطه‌ای کوتاه‌مدت در مسیر حرفه‌ای او تبدیل شد.

چکامه چمن‌ماه پس از مدتی بی‌سروصدا به ایران بازگشت. اما این بازگشت نیز از نگاه افکار عمومی پنهان نماند. انتشار تصاویر جدید از او، بار دیگر او را به مرکز توجه و قضاوت‌های مردم کشاند. برخی درباره تغییرات ظاهری او صحبت کردند و برخی دیگر درباره این که چگونه و چرا به ایران بازگشته است، سوالاتی مطرح کردند. این بازتاب‌ها نشان می‌دهد که چمن‌ماه همچنان در ذهن مخاطبان حضور دارد و بسیاری او را دنبال می‌کنند.

رئیس پلیس راه جنوب استان کرمان گفت: صبح ۱۰ بهمن ماه به علت عدم رعایت فاصله قانونی با خودروی جلو در محور منوجان به هشت‌بندی، ۱۰ خودرو با همدیگر برخورد کردند. سرهنگ معین‌الدینی در این رابطه بیان کرد: این حادثه یک مصدوم و یک فوتی بر جای گذاشت.

وی افزود: در این حادثه ۱۰ خودروی مورد حادثه در آتش سوختند.

هفته گذشته ماجرای پیشنهاد آذربایجان به محمد بنا برای قبول هدایت تیم ملی کشتی فرنگی این کشور و سفر بنا به همراه بهروز حضرتی‌پور به باکو برای مذاکره با مسئولان فدراسیون کشتی آذربایجان رسانه‌ای شد.

پس از آن برخی‌ها به انتقاد از چرایی اقدام بنا برای مذاکره با آذربایجانی‌ها پرداختند، در حالی که در ورزش حرفه‌ای او به عنوان یک سرمربی این حق را دارد که به پیشنهادات خارجی فکر کند و برای قبول هدایت یک تیم خارجی وارد مذاکره شود؛ کمااینکه در سال‌های قبل نیز جمشید خیرآبادی سال‌ها هدایت تیم ملی آذربایجان را بر عهده داشت.

پس از حواشی بوجود آمده درباره احتمال حضور بنا در جمهوری آذربایجان، وی روز گذشته (سه‌شنبه) به عنوان مشاور ارشد علیرضا دبیر رئیس فدراسیون کشتی در کمپ تیم‌های ملی کشتی حاضر شد و با کشتی گیران و کادر فنی تیم‌های ملی و رئیس فدراسیون کشتی دیدار گرم و صمیمی داشت.

طبق اطلاعات بدست آمده توسط خبرنگار ایسنا، موضوع حضور محمد بنا در تیم ملی آذربایجان منتفی شده و او به دلایل مختلف قصد ندارد پیشنهاد آذربایجانی‌ها را قبول کند.

پس از هشدار مدیر موزه لوور که اعلام کرده بود بازدید از این ساختمان پرجمعیت به یک «رنج فیزیکی» تبدیل شده است، تابلوی نقاشی «مونالیزا» مشهورترین پرتره جهان، قرار است در لوور اتاقی اختصاصی داشته باشد، زیرا پربازدیدترین موزه جهان در حال انجام نوسازی‌های گسترده‌ای است.

«گاردین» نوشت، «امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، در حالی که در مقابل شاهکار قرن شانزدهم لئوناردو داوینچی سخنرانی می‌کرد، گفت که در حضور مونالیزا احساس «افتادگی و تواضع» دارد و اعلام کرد که این پرتره فضای ویژه خود را در داخل «لوور» خواهد داشت.

«مکرون» همچنین اعلام کرد که از اول ژانویه ۲۰۲۶، بازدیدکنندگانی که از کشورهای خارج از اتحادیه اروپا به موزه می‌آیند، باید هزینه ورودی بالاتری بپردازند. رئیس‌جمهور فرانسه، توضیح داد که «مکان جدید مونالیزا به‌صورت مستقل از بقیه موزه قابل دسترسی خواهد بود و مجوز ورودی خاص خود را خواهد داشت.»

کوئنتین تارانتینو در مصاحبه‌ای غافلگیرکننده در جشنواره فیلم ساندنس، هالیوود و به‌ویژه سرویس‌های نمایش آنلاین را هدف قرار داد و آنها را برای مشارکت در مرگ تجربه فیلمبرداری گناهکار دانست.

وی گفت: الان معنی یک فیلم چیست؟ چیزی که به صورت نمادین ۴ هفته در سینماها اکران می‌شود و تازه از هفته دوم می‌توانید آن را در تلویزیون تماشا کنید؟

سازنده «داستان عامه‌پسند» گفت که اکران‌های سینما از زمانی که آخرین فیلمش «روزی روزگاری در هالیوود» در سال ۲۰۱۹ به نمایش درآمد به‌شدت بدتر شده است. او در وهله اول برنامه نمایش استودیوها را هدف قرار داد و گفت آنها به فیلم‌ها زمان نمایش مناسب نمی‌دهند و پس از چند هفته حضور در سینما، فیلم را به صورت استریم در دسترس همه می‌گذارند.

جدیدترین نمونه آشکار سخنان تارانتینو را می‌توان درمورد فیلم «شرور» دید. این فیلم که اواخر دسامبر، همچنان در حال اکران بود و در سینماهای آمریکا داشت فروش می‌کرد، با تصمیم یونیورسال یک ماه پس از اکران به صورت آنلاین پخش شد.

وی همچنین به تماشاگران گفت که در حال ایجاد فضای مساوی برای پدر بودن و کارگردانی سینما است. وی گفت: عجله‌ای برای شروع تولید ندارم. ۳۰ سال است که این کار را انجام می‌دهم. ماه آینده پسرم ۵ ساله می‌شود و من یک دختر دو و نیم ساله هم دارم. وقتی در آمریکا هستم، می‌نویسم، اما غیر از آن یک پدر هستم.

وی افزود: یک جورهایی می‌خواهم کاری نسازم تا پسرم حداقل ۶ ساله شود. به این ترتیب او متوجه می‌شود چه خبر است و این خاطره برای بقیه عمرش خواهد ماند.

فرهیختگان نوشت: پس از پایان بازی پرسپولیس و تراکتور، وایرال شدن حواشی آن در فضای مجازی و رسانه‌ها آغاز شد. این بازی از چند جهت زنگ خطری برای آینده فوتبال ایران و لیگ برتر است. فیلم‌هایی از بانوان تماشاگر این بازی منتشرشده که بانوان تماشاگر پرسپولیس؛ پیش از بازی یا احتمالاً پس از بازی، به‌صورت گروهی درحال سر دادن شعارهای نژادپرستانه و توهین قومیتی‌اند. ماجرای این فیلم و سر دادن شعارهای نژادپرستانه به فضای مجازی رسید و در ادامه این رفتار قبیح و غیراخلاقی، طرفداران تراکتور نیز در فضای مجازی مانند شبکه ایکس توهین قومیتی کردند.

با توجه به اینکه ایران جزو معدود کشورهایی است که اقوام مختلفی را در دل خود جا داده و این اقوام، قرن‌هاست همگی با نام ایران و زیر پرچم این کشور درکنار هم همزیستی دارند؛ توهین نژادپرستانه به اقوام ایرانی دقیقاً در راستای اهداف تجزیه‌طلبی است که متأسفانه باید اعتراف کرد، خواسته یا ناخواسته شاهد این رفتار از سوی هواداران پرسپولیس، آن هم هواداران خانم این تیم بودیم.

در هر بزنگاه و التهاب سیاسی، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای دشمن و شبکه‌هایی مانند اینترنشنال، تزریق افکار جدایی‌طلبانه و به خیابان کشیدن اقوام با شعارهای جدایی‌طلبانه است. حالا در یک رخداد ورزشی و فرهنگی آن هم در قلب پایتخت، هواداران تیم پایتخت با سر دادن شعارهای ضدقومیت و نژادپرستانه، همگام با تئوری‌های جدایی‌طلبانه، یک رقابت و رخداد ورزشی و فرهنگی را به ضد ایده خود تبدیل و هواداران تیم مقابل را مجاب می‌کنند آن‌ها هم رفتاری رادیکال از خود نشان دهند. پرسشی که در این بین مطرح می‌شود این است که طرفداری و هواداری از تیم محبوبمان به چه قیمتی؟

ماجرا این است که تجربه و مدل هواداری مشاهده‌شده در بازی پرسپولیس و تراکتور، به اصل ورزشگاه رفتن و هواداری خدشه وارد می‌کند. پیش از این معمولاً پدرها همراه با فرزندانشان، خودشان را برای تماشای بازی‌های لیگ به ورزشگاه می‌رساندند. مدتی است که درکنار آقایان، چند جایگاه برای زنان درنظر گرفته می‌شود و آنها نیز فرصت هواداری و دیدن بازی در ورزشگاه را به دست می‌آورند. به‌جرأت باید گفت رفتار هواداران زن و زنانی که شعارهای زننده و نژادپرستانه سر می‌دادند، خودشان خائن به ورزشگاه رفتن زنانند و درحالی که ما تجربه خوب حضور تمام زنانه بازی سپاهان و پرسپولیس را داریم، اما این بازی حتی ممکن است ماجرای حضور زنان در ورزشگاه را نیز به چند پله عقب‌تر برگرداند، یعنی به‌جای اینکه زنان حضور خودشان را در ورزشگاه تسهیل کنند، متأسفانه شاهد این بودیم که حضور زنان در ورزشگاه توسط خود زنان تخریب شد و ادامه این حضور را حتی در ابهام قرار داد.

طبق اعلام دبیر جشنواره ۳۳ فیلم در جشنواره امسال با هم رقابت می‌کنند که در میان آنها تنها نام یک زن در مقام کارگردان دیده می‌شود.

بهنوش صادقی تنها زنی است که با کارگردانی فیلم «مرد آرام» در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر حاضر شده و شاید برای بسیاری سوال باشد که او دارای چه عقبه‌ای است.

بهنوش صادقی کارگردان و بازیگر سینما و تلویزیون متولد ۲ اسفند ۱۳۵۹ در تهران است. او در رشته کارگردانی بازیگری تحصیل و فعالیت هنری‌اش را روی صحنه تئاتر آغاز کرده و در آثاری همچون سریال‌های تلویزیونی دردسرهای عظیم ۲ و مدینه و و تهران پلاک ۱ فعالیت داشته‌است. او همچنین با فیلم دوشیزه به کارگردانی محمد درمنش و نویسندگی محمد درمنش، غلامحسین دریانورد پا به عرصه سینما گذاشته و با فیلم‌هایی همچون همین سادگی (فیلم) و دوشیزه (فیلم) فعالیت خود را ادامه داده است. او همچنین کارگردانی فیلم خانه دیگری را در کارنامه دارد.

بهنوش صادقی خواهر مهنوش صادقی همسر مهدی هاشمی بازیگر سرشناس کشورمان است. در ۷ تیرماه ۹۸ خواهرش مهنوش صادقی طی پیامی ویدیویی اعلام کرد که همسر رسمی مهدی هاشمی بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون است. موضوعی که حتی نورا هاشمی دختر مهدی هاشمی از آن اطلاعی نداشت!

۷. بهنوش صادقی سال‌هاست که ازدواج کرده و عروس خانواده هاشمی است و ناصر هاشمی و مهدی هاشمی برادرشوهرهای او هستند. نام همسر بهنوش صادقی جواد هاشمی است و آنها یک دختر به نام مدیا دارند که مدرس پیانو است.

(یعنی مهدی هاشمی پس از جدا شدن از همسر سابقش گلاب آدینه با خواهر زن‌برادر خود ازدواج کرده است!).

مشرق نوشت: به احتمال بسیار زیاد، تاکنون نام کشوری به نام گرنادا را نشنیده باشید که البته، جای تعجب هم ندارد. گرنادا، کشوری در دریای کارائیب است متشکل از یک جزیره اصلی و تعدادی جزایر کوچک. جمعیت آن هم کمتر از ۱۵۰ هزار نفر و از بسیاری از شهرستان‌های کشورمان هم کمتر است. این کشور در دهه ۷۰ میلادی استقلال یافت و بیشتر به جذابیت های توریستی مشهور است. اما این جزیره که در دریای کارائیب قرار دارد، میهمان دولت چین بود. نخست وزیر گرنادا راهی چین شده بود که با رئیس جمهوری آن دیدار کرد و قراردادها و تفاهم‌نامه‌های مختلفی نیز منعقد کردند. برای کشوری مانند چین با گردش مالی خیره‌کننده که دارد و اقتصاد دوم جهان است، چه چیزی از گرنادا دارای ارزش و اهمیت است؟ آیا غیر از این است که در فن دیپلماسی موفق، حتی جزیره ای دور افتاده و با این سکنه اندک هم می‌تواند دارای موضوعیت و زمینه بازی و تلاش باشد؟ همین نگاه دقیق و ریزبینانه توسط هیات حاکمه پکن موجب شده تا بتوانند رشد اقتصادی خیره‌کننده‌ای را در دهه های گذشته رقم زده و ادامه دهند. در واقع، چین از یک جزیره در دریای کارائیب هم نمی‌گذرد و تلاش می‌کند تا در حوزه‌های مختلف اقتصادی مانند انرژی‌های نوین، اقتصاد دیجیتال و ... و همچنین دیپلماتیک و سیاسی، بهره حداکثری ببرد.

فهرست نامزدهای جوایز سینمایی سزار فرانسه اعلام شد و فیلم حماسی و ماجراجویانه «کنت مونت ـ کریستو» به کارگردانی ماتیو دلاپورت و الکساندر دو لا پاتلیه که اقتباسی سه‌ساعته از شاهکار ادبی نوشته الکساندر دوما است، با ۱۴ نامزدی پیشتاز این جوایز نام گرفت و پس از آن، درام جنایی «قلب‌های تپنده» به کارگردانی ژیل للوش با ۱۳ نامزدی در جایگاه دوم قرار دارد.

ترکیه اعلام کرد که از زمان سقوط دولت قبلی سوریه و روی کار آمدن مخالفان مسلح با سرکردگی «هیات تحریرالشام»، بیش از ۸۱ هزار پناهجوی سوری به کشور خود بازگشته‌اند. جدیدترین آمارها نشان می‌دهد که در حال حاضر بیش از ۲ میلیون و ۸۷۰ هزار پناهجوی سوری در کشور ترکیه زندگی می‌کنند.

بررسی ۶ شاسی بلند برتر ۲۰۲۴

چرخشی از غرب وحشی به سرزمین آفتاب و توقف در خاک نازی‌ها

متین شیری | طی دو دهه اخیر و با تغییر ذائقه خودرویی مردم، سدان‌ها جای خود را به سبک و کلاس جدیدی به نام کراس‌اوور دادند. جالب است بدانید که بیشترین میزان متقاضیان کراس‌اوورها در اروپا هستند و چرایی این موضوع را باید در علاقه آن‌ها به غول‌های آهنی شاسی‌بلند آمریکایی دید که به دلیل سیستم راه و شهرسازی اروپا، مصرف سوخت و همچنین علاقه اروپایی‌ها به رفتن به طبیعت یافت. با ورود کراس‌اوورها دنیای اس‌یووی‌ها و شاسی‌مستقل‌ها نیز تغییر کرد و مواردی مثل حجم موتور، ابعاد، بدنه و طراحی به شکلی کاملا واضح تغییر کردند، چراکه با افزایش میزان جمعیت جهان و همچنین بحران سوخت و ارتقای استانداردهای ایمنی سرنشینان و عابران در تصادفات اکثر تغییرات الزامی بودند. با تمام این تفاسیر دنیای آفرود این روزها بیش از هر زمانی برای مردم جهان محبوب شده است، به ویژه برای مردم خاورمیانه و کشورهایی که دارای تنوع اقلیمی گسترده هستند، در نتیجه بازار شاسی‌بلندهای شاسی‌مستقل به شدت داغ است؛ به همین دلیل در این مطلب به بررسی ۶ اس‌یووی برتر سال ۲۰۲۴ پرداخته‌ایم و آنها را از نظر پیشرانه، طراحی، قیمت و توانایی‌های آفرودی زیر ذره‌بین قرار داده‌ایم.

لینکلن ناتیلوس

قیمت: ۵۲ هزار دلار (۴/۳۶۸/۰۰۰/۰۰۰)

لینکلن ناتیلوس ۲۰۲۴ از یک پیشرانه ۲ لیتری چهار سیلندر توربوشارژ با توان ۲۵۰ اسب بخار و گشتاور ۳۸۰ نیوتن‌متر بهره می‌برد.

گیربکس این خودرو از نوع ۸ سرعته اتوماتیک است و نیرو را به‌صورت استاندارد به چرخ‌های جلو منتقل می‌کند اما نسخه چهارچرخ متحرک (AWD) نیز در دسترس است.

مصرف سوخت ترکیبی آن حدود ۹ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است و شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت را در حدود ۷ ثانیه ثبت می‌کند. طراحی ناتیلوس ۲۰۲۴ کاملاً مدرن و جذاب است. جلوپنجره بزرگ همراه با چراغ‌های LED باریک، جلوه‌ای لوکس و جسورانه به خودرو داده است. صندلی‌های چرمی با تنظیم برقی و گرم‌کن، سقف پانوراما و نورپردازی داخلی، فضای داخلی را لوکس و راحت کرده‌اند که البته نسبت به محصولات دهه ۷۰ باز هم کم است.

این خودرو به دلیل بهره‌گیری از سیستم تعلیق تطبیقی، عملکرد نرم و پایداری در جاده‌های ناهموار دارد. نسخه AWD با قابلیت توزیع هوشمند گشتاور، توانایی حرکت در مسیرهای برفی و گلی به طور کلی ناهموار را بهبود داده و این همان چیزی است که از یک آمریکایی انتظار می‌رود، بلعیدن سنگ و خاک جاده‌ها بدون هیچ چالش و دغدغه‌ای.

کیا تلوراید

قیمت: ۳۷/۹۰۰ دلار (۳/۱۸۳/۰۰۰/۰۰۰)

کیا تلوراید ۲۰۲۴ مجهز به پیشرانه ۳/۸ لیتری V۶ با قدرت ۲۹۱ اسب بخار و گشتاور ۳۵۵ نیوتن‌متر است. این خودرو از گیربکس ۸ سرعته اتوماتیک بهره می‌برد و در دو نسخه دیفرانسیل جلو (FWD) و چهارچرخ متحرک (AWD) عرضه می‌شود. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر آن حدود ۷/۵ ثانیه است و مصرف سوخت ترکیبی آن در حدود ۱۰/۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر قرار دارد.

تلوراید ۲۰۲۴ با ظاهری عضلانی و جلوپنجره‌ای بزرگ، استایل قدرتمندی دارد. چراغ‌های LED عمودی و خطوط برجسته روی بدنه، نمایی اسپرت و مدرن به آن داده‌اند. فضای داخلی جادار با نمایشگر ۱۲/۳ اینچی و صندلی‌های راحت باعث شده تا جوانان و هم خانواده تجربه رانندگی لذت‌بخشی را تجربه کنند. تلوراید ۲۰۲۴ با بهره‌گیری از سیستم چهارچرخ متحرک و قفل دیفرانسیل مرکزی، توزیع قدرت را در مسیرهای لغزنده بهینه می‌کند. سیستم مدیریت کشش و ارتفاع مناسب از سطح زمین، توانایی حرکت در مسیرهای ناهموار را بهبود داده است. همچنین، حالت‌های رانندگی متنوع از جمله برف و آفرود، همراه با کنترل کشش، کمک به شروع حرکت در سربالایی و کنترل سرعت در سراشیبی، عملکرد این خودرو را در شرایط سخت ارتقا می‌دهند.

لکسوس GX

قیمت: ۶۴ هزار دلار (۵/۳۷۶/۰۰۰/۰۰۰)

لکسوس GX ۲۰۲۴ از یک ۴/۶ لیتری V۸ با قدرت ۳۷۱ اسب بخار و گشتاور ۵۳۲ نیوتن‌متر بهره می‌برد. این خودرو با سیستم چهارچرخ متحرک (AWD) و گیربکس ۶ سرعته اتوماتیک عرضه می‌شود. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت لکسوس GX حدود ۷/۸ ثانیه است و مصرف سوخت ترکیبی آن تقریباً ۱۴ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر می‌باشد. این شاسی‌بلند با ظرفیت حمل ۷ نفر و امکانات رفاهی بالا، گزینه‌ای مناسب برای سفرهای طولانی و سخت‌گذر است. لکسوس GX ۲۰۲۴ دارای طراحی قوی و سلطنتی است. جلوپنجره برجسته و چراغ‌های LED با ظاهری تیز، به این خودرو نمایی لوکس و شیک داده‌اند. کابین خودرو از مواد باکیفیت و راحت، شامل صندلی‌های چرمی، نمایشگر لمسی ۱۰/۳ اینچی و سیستم صوتی ممتاز برخوردار است. طراحی لکسوس به نحوی است که این خودرو را در نگاه اول مناسب آفرودهای سخت نشان نمی‌دهد اما به‌هیچ‌وجه نباید به ظاهر این خودرو اعتماد کرد. با سیستم چهارچرخ متحرک، قفل دیفرانسیل مرکزی و سیستم مدیریت حرکت در مسیرهای دشوار، لکسوس GX ۲۰۲۴ به راحتی از پس مسیرهای ناهموار برمی‌آید. همچنین، ارتفاع مناسب از سطح زمین و قابلیت تنظیم سیستم تعلیق برای شرایط مختلف، این خودرو را برای آفرود ایده‌آل کرده است.

تویوتا راو ۴

قیمت: ۲۷/۲۵۰ دلار (۲/۲۸۳/۰۰۰/۰۰۰)

تویوتا راو ۴ ۲۰۲۴ به یک پیشرانه ۲/۵ لیتری چهار سیلندر مجهز است که توان ۲۰۳ اسب بخار و گشتاور ۲۵۰ نیوتن‌متر تولید می‌کند. نیروی موتور از طریق یک گیربکس ۸ سرعته اتوماتیک به چرخ‌های جلو (FWD) منتقل می‌شود، اما نسخه چهارچرخ متحرک (AWD) نیز قابل سفارش است. مصرف سوخت ترکیبی آن حدود ۷/۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است و شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت را در حدود ۸/۲ ثانیه ثبت کرده و می‌کند.

تویوتا راو ۴ ۲۰۲۴ طراحی جمع‌وجور و اسپرتی دارد که همچنان جذابیت خاص خود را برای تمام اقشار طرفدار تویوتا و اس‌یووی‌های سایز کوچک دارد. جلوپنجره مشبک و چراغ‌های LED باریک، نمای جلویی خودرو را برجسته کرده‌اند. فضای داخلی آن با متریال باکیفیت و نمایشگر ۷ اینچی سیستم اطلاعات و سرگرمی، راحتی و کاربری بالایی را برای سرنشینان فراهم می‌کند. راو ۴ به دلیل بهره‌گیری از سیستم AWD هوشمند و کنترل گشتاور پویا، پایداری بالایی در مسیرهای لغزنده دارد. ارتفاع مناسب از سطح زمین، سیستم کنترل سراشیبی و حالت‌های رانندگی مختلف، عملکرد آن را در مسیرهای ناهموار بهبود داده است. همچنین، دوام بالا و استهلاک کم از دیگر مزایای این خودرو محسوب می‌شود.

مرسدس بنز GLS

قیمت: ۸۵ هزار دلار (۷/۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰)

مرسدس بنز GLS ۲۰۲۴ با دو گزینه موتور عرضه می‌شود. نسخه پایه از موتور ۳ لیتری شش سیلندر توربوشارژ با قدرت ۳۶۲ اسب بخار و گشتاور ۵۰۰ نیوتن‌متر برخوردار است. همچنین، نسخه AMG با موتور ۴ لیتری V۸ توربوشارژ توان ۵۷۳ اسب بخار و گشتاور ۸۰۰ نیوتن‌متر تولید می‌کند. این خودرو به یک گیربکس ۹ سرعته اتوماتیک مجهز است و سیستم چهارچرخ متحرک (4MATIC) به‌طور استاندارد ارائه می‌شود. GLS ۲۰۲۴ می‌تواند در ۵/۲ ثانیه از صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت شتاب بگیرد.

طراحی GLS ۲۰۲۴ فوق‌العاده لوکس و چشم‌نواز است. جلوپنجره بزرگ و لوگوی مرسدس بنز در مرکز آن، ظاهر متمایز و سلطنتی به خودرو داده است. فضای داخلی با مواد باکیفیت، چرم نرم و چوب طبیعی تزئین شده و تکنولوژی‌های مدرنی مانند نمایشگر ۱۲/۳ اینچی و سیستم صوتی Burmester آن را به گزینه‌ای محبوب برای علاقه‌مندان به خودروهای لوکس تبدیل کرده است.

سیستم چهارچرخ متحرک و تعلیق هوشمند مرسدس بنز GLS، این خودرو را قادر می‌سازد تا به‌راحتی از مسیرهای ناهموار عبور کند. علاوه بر این، با داشتن حالت‌های رانندگی مختلف و قابلیت تنظیم ارتفاع، این خودرو در شرایط سخت و آفرود عملکرد بسیار خوبی دارد.

آئودی Q۷

قیمت: ۶۲ هزار دلار (۵/۲۰۸/۰۰۰/۰۰۰)

آئودی Q۷ ۲۰۲۴ با دو گزینه پیشرانه عرضه می‌شود. نسخه پایه از موتور ۲ لیتری چهار سیلندر توربوشارژ با قدرت ۲۵۰ اسب بخار و گشتاور ۳۷۰ نیوتن‌متر بهره می‌برد. نسخه قدرتمندتر با موتور ۳ لیتری V۶ توربوشارژ و قدرت ۳۵۰ اسب بخار و گشتاور ۵۰۰ نیوتن‌متر، شتاب بیشتری را ارائه می‌دهد. گیربکس ۸ سرعته اتوماتیک و سیستم چهارچرخ متحرک (AWD) به‌طور استاندارد روی این خودرو قرار دارد. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت Q۷ حدود ۵/۷ ثانیه است و مصرف سوخت ترکیبی این آلمانی زیبا ۹/۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است.

آئودی Q۷ ۲۰۲۴ با طراحی مدرن و شیک، جلوه‌ای لوکس به نمایش می‌گذارد. جلوپنجره مشبک آئودی و چراغ‌های LED تیز و برجسته، نمایی جسورانه به خودرو داده‌اند. درون کابین، فضای وسیع و لوکس با صندلی‌های چرمی، نمایشگر ۱۰/۱ اینچی سیستم اطلاعات و سرگرمی و امکانات پیشرفته، راحتی و تجربه‌ای عالی را برای سرنشینان فراهم می‌کند. آئودی Q۷ با سیستم چهارچرخ متحرک و سیستم تعلیق تطبیقی، عملکرد بسیار خوبی در مسیرهای ناهموار دارد. قابلیت تنظیم ارتفاع از سطح زمین و حالت‌های مختلف رانندگی به آن کمک می‌کند تا در شرایط مختلف جاده‌ای، از جمله آفرود، عملکرد بهینه‌ای داشته باشد.

نیم‌کلاچ

چرا نیسان GT-R با نام مستعار «گودزیلا» شناخته می‌شود؟

همه شما با نیسان GT-R و لقب آن یعنی گودزیلا آشنا هستید اما آیا می‌دانید که چرا این نام مستعار برای سوپر اسپرت محبوب ژاپنی‌ها انتخاب شده است؟

پدال نوشت: جالب است بدانید ریشه استفاده از نام گودزیلا برای GT-R نه به ژاپن بلکه به استرالیا بازمی‌گردد و پس از آن نیز در انگلستان محبوب شده است. این نام مستعار اولین بار در سال ۱۹۸۹ و در مجله خودروی استرالیایی به کار رفت و نویسنده آن مجله از نیسان GT-R R۳۲ به عنوان گودزیلا نام برد. دلیل آن‌ها برای انتخاب نام مورد بحث هم پرفورمنس فوق‌العاده خودرو بود مخصوصاً اینکه GT-R R۳۲ توانست در مسابقات تورینگ استرالیا دیگر خودروها را شکست دهد. دیوید یوو خبرنگار مجله ایوو انگلستان نیز با تماشای مسابقات تورینگ تصمیم گرفت اسکای لاین GT-R وارداتی خود را گودزیلا نام‌گذاری کند و به همین خاطر نام گودزیلا بیش از پیش در جهان گسترش یافت. او در مصاحبه با رسانه‌ها اعلام کرد نام مستعار GT-R در بسیاری از مجلات خودرویی به کار رفت و بین طرفداران نیز محبوب شد. دیوید یوو خاطرنشان ساخته است: محبوب‌ترین نسخه از نیسان GT-R یا همان گودزیلا زمانی تولید شد که من در بریتانیا بودم تا به‌صورت رسمی خودروی R۳۵ GT-R مدل ۲۰۰۹ را تحویل بگیرم. من برای این خودرو پلاک G۰۰۲LLA را خریدم که نزدیک‌ترین چیز به نام گودزیلا در سیستم شماره‌گذاری بریتانیا بود. من سال‌ها درباره گودزیلا و در مجلات خودرویی مختلف مطالب گوناگونی نوشتم. این خبرنگار خودرویی باعث شد محبوبیت نام گودزیلا بیش از پیش شود. در واقع نیسان GT-R یوو در بین فعالان حوزه خودرو بسیار مشهور شده بود. اولین خودروی او یک دستگاه اسکای لاین GT-R R۳۲ بود که قدرت ۴۴۰ اسب بخاری تولید می‌کرد و از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ در اختیار او بود. اسکای لاین یوو در آن زمان یکی از حدود ۳۰ تا ۴۰ دستگاه GT-R موجود در کل بریتانیا بود. این خبرنگار پس از خودروی یاد شده یک دستگاه اسکای لاین V-Spec GT-R R۳۳ را خریداری کرد و بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ او را راند. این اسکای لاین ۶۲۰ اسب بخار قدرت داشت و در مجله ایوو هم ظاهر شد. دیوید یوو بعدها یک دستگاه GT-R R۳۵ با قدرت ۷۲۰ اسب بخار را خرید و بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ نگه داشت. یوو می‌گوید: GT-R R۳۵ احتمالاً انقلابی‌ترین و تأثیرگذارترین خودروی پرفورمنس ۲۰ سال اخیر بوده است. این خودرو شرکت‌های دیگر از جمله پورشه را مجبور کرد برای رقابت بهتر دست به کارهای برجسته‌تری بزنند. R۳۵ اولین GT-R برای بازارهای جهانی بود و اعتبار خودروهای پرفورمنس ژاپنی را بالا برد.

اما وقتی از یوو درباره GT-R مورد علاقه‌اش سؤال می‌شود او به R۳۲ اشاره می‌کند. دیوید می‌گوید R۳۲ سبک‌ترین و بهترین خودرو برای راننده بین تمامی نسل‌های گودزیلا بوده و شایستگی دریافت این لقب را دارد.

دنده معکوس

سرعت بی‌نظیر و فناوری پیشرفته در یک سدان لوکس الکتریکی

تسلا مدل S Plaid، مدل پرچمدار تسلا در سری سدان‌های الکتریکی است که برای کسانی که به دنبال تجربه سرعت و فناوری پیشرفته هستند، طراحی شده است.

مدل S Plaid به یک موتور سه‌گانه برقی مجهز است که قدرتی معادل ۱/۰۲۰ اسب‌بخار تولید می‌کند. این قدرت عظیم به این خودرو امکان می‌دهد تا در عرض تنها ۱/۹۹ ثانیه از حالت سکون به سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت برسد که آن را به یکی از سریع‌ترین خودروهای تولیدی تاریخ تبدیل می‌کند. سرعت نهایی این مدل به ۳۲۵ کیلومتر در ساعت می‌رسد. علاوه بر این، تسلا مدل S Plaid با باتری‌هایی با ظرفیت بالا توانایی طی کردن مسافتی نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر با یک بار شارژ را دارد. مدل S Plaid همچنان همان طراحی لوکس و شیک مدل‌های قبلی تسلا را حفظ کرده، با جلوپنجره ساده و چراغ‌های باریک و مدرن. در داخل کابین، طراحی مینیمالیستی و صفحه نمایش بزرگ ۱۷ اینچی به چشم می‌خورد که تقریباً تمام کنترل‌ها را از طریق این صفحه انجام می‌دهد. کیفیت مواد داخلی و ارگونومی صندلی‌ها در این مدل به‌طور قابل‌توجهی بهبود یافته است. فضای داخلی این خودرو به‌طور کلی راحت و جادار است و در عین حال، سیستم صوتی و فناوری‌های پیشرفته در این مدل به‌کار رفته است. قیمت تسلا مدل S Plaid در بازار جهانی حدود ۱۰۰ هزار دلار است که با توجه به ویژگی‌های برجسته این خودرو، قیمت مناسبی به نظر می‌رسد. البته با توجه به آپشن‌های مختلف و تغییرات در بازار، این قیمت ممکن است متغیر باشد. مدل S Plaid علاوه بر عملکرد بی‌نظیر، با سیستم‌های خودران پیشرفته (Autopilot) تسلا نیز مجهز است که قابلیت‌های رانندگی نیمه‌خودکار را فراهم می‌آورد. این خودرو به‌عنوان یک گزینه لوکس با راندمان بالا، ترکیبی از سرعت، راحتی و تکنولوژی روز را ارائه می‌دهد.

وب‌گردی

آستین پرنسس؛ یک شاهکار کلاسیک از دنیای خودرو

آستین پرنسس، خودرویی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی تبدیل به نمادی از شیک بودن و راحتی در جاده‌ها شد، همچنان یکی از ستارگان درخشان دنیای خودروهای کلاسیک به شمار می‌رود. با طراحی منحصر به‌فرد و مشخصات فنی چشمگیر، این خودرو به‌عنوان یک خودروی پیشرفته در دوران خود شناخته می‌شد.

از نظر فنی، آستین پرنسس با پیشرانه‌های ۵/۱ لیتری ۴ سیلندر و ۲/۲ لیتری ۶ سیلندر عرضه می‌شد. این موتورها توانسته بودند قدرتی حدود ۷۵ تا ۱۲۰ اسب بخار تولید کنند که برای خودروهایی با طراحی لوکس و راحتی بالاتر از حد انتظار بود. گیربکس ۴ سرعته دستی یا خودکار آن به رانندگان این امکان را می‌داد که بدون هیچ مشکلی در جاده‌ها حرکت کنند و در پیچ‌ها به‌خوبی فرمان‌پذیری داشته باشند. سیستم تعلیق آن که از نوع مستقل برای چرخ‌های جلو و عقب بود، هندلینگ بی‌نظیری را برای این خودرو فراهم می‌کرد. این خودرو، برخلاف سایر خودروهای هم‌دوره‌اش، توانست تعادل خوبی میان راحتی و عملکرد عالی در جاده‌های مختلف پیدا کند. اما طراحی بیرونی آستین پرنسس چیزی کمتر از یک شاهکار نبود. خطوط نرم و گرد که به خودرو حالتی لوکس می‌بخشیدند، جلوپنجره جذاب با رنگ‌آمیزی‌های خاص و چراغ‌های عقب دایره‌ای شکل، همگی دست‌به‌دست هم داده بودند تا این خودرو به‌عنوان یک اثر هنری روی چرخ‌ها دیده شود. در داخل کابین، این خودرو واقعاً راحتی و شیکی را با هم ترکیب کرده بود. صندلی‌های چرمی و فضای جادار داخلی، به رانندگان و سرنشینان این امکان را می‌داد که در طول سفرهای طولانی، از راحتی و آسایش بی‌نظیری بهره‌مند شوند. در کشور مبدا، یعنی بریتانیا، آستین پرنسس به‌عنوان یک خودروی با عملکرد بالا و راحتی فوق‌العاده شناخته می‌شد. در آن زمان، این خودرو بیشتر در دست افراد طبقه متوسط و بالا قرار داشت. در ایران هم، آستین پرنسس به دلیل طراحی کلاسیک و فنی عالی‌اش محبوبیت زیادی به‌دست آورد. این خودرو در ایران نماد خوش‌سلیقگی و پیشرفت تکنولوژی آن زمان به حساب می‌آمد و بیشتر در خانواده‌های متمول و برخی سازمان‌های دولتی دیده می‌شد. امروزه، آستین پرنسس هنوز هم به‌عنوان یک خودروی کلاسیک ارزشمند شناخته می‌شود و طرفداران خود را در سراسر دنیا دارد.

تجربه بازار

هزینه هنگفت برای سلامت روان

رویای خانه‌دارشدن با بودجه یک میلیارد تومانی

همه نکاتی که درباره خرید خانه پیش‌ساخته و کانکس‌های ویلایی باید بدانید

اکرم احمدی | تصور‌ش هم قشنگ است. اینکه بدون دوندگی برای مجوز‌های مختلف و خرید مصالح و چانه‌زدن با معمار و بنا و کارگر، پشت سیستم کامپیوتر بنشینید یا یک آلبوم بزرگ را ورق بزنید و خانه مورد نظرتان را انتخاب کنید. خرید خانه پیش‌ساخته یا کانکس تمیز و شسته و رفته، در شرایطی که قیمت مصالح ساختمانی و آهن آلات روز به‌روز بیشتر می‌شود، می‌تواند این رویا را واقعی کند. کسانی که اول در یک منطقه خوش آب‌وهوا زمین می‌خرند تا بعد در آن خانه یا ویلا بسازند، همیشه به خاطر طولانی‌بودن روند ساخت خانه از وارد شدن به آن می‌ترسند. اما این خانه‌های پیش‌ساخته و کانکس‌های کارخانه‌ای می‌توانند این روند را کوتاه کنند، البته به شرط اینکه حواستان به یک‌سری نکات باشد و خدای نکرده برای خرید یک خانه پیش‌ساخته، اندازه ساخت یک ساختمان چندطبقه هزینه نکنید.

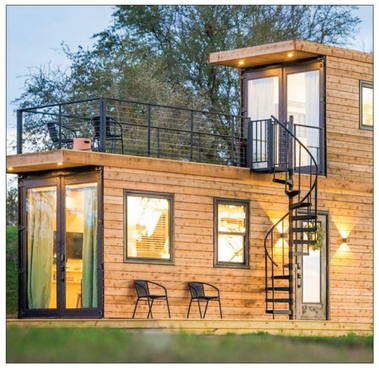

هزینه خرید خانه پیش‌ساخته چقدر است؟

اولین سوالی که در ذهن خریداران خانه پیش‌ساخته یا کانکس شکل می‌گیرد، این است که واقعا هزینه نهایی ساخت یک خانه پیش‌ساخته کمتر از تومان تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. رئیس کلینیک یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند و روانشناسان تازه‌کار تر ۷۰۰ هزار تومان پول می‌گیرند. اهو توضیح داده است که به‌تازگی پیش روانشناس می‌رود که بابت هر ۳۰ دقیقه از او ۸۰۰ هزار تومان دریافت می‌کرد.

محبوبه می‌گوید اگر بخواهید در جلسات روانشناسی گروهی شرکت کنید، هزینه‌هایتان در مقایسه با جلسه‌های فردی ارزان‌تر تمام می‌شود و حوالی ۵۰۰ هزار تومان است. سارا از رشت نوشته است که به‌صورت آنلاین به مدت ۴۵ دقیقه و هر هفته روانشناس را دیده و با او صحبت می‌کند و برای این زمان یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند. نیوشا که در المان ساکن است گفته روانشناس من برای مخاطب داخل ایران هزینه را ۸۰۰ هزار تومان به ازای ۴۵ دقیقه تعیین کرده، اما از من که خارج از کشور هستم ۵۰ دلار می‌گیرد که بیش از چهار میلیون تومان برای جلسه اینترنتی تمام می‌شود. شقایق هم همین موضوع را تایید کرده و گفته روانشناسان قدری را می‌شناسد که از مخاطب خارج از کشور ۱۰۰ دلار هم ویزیت دریافت می‌کنند.

ریحانه می‌گوید دفتری که من به آن مراجعه می‌کنم، زمان جلسه ۵۰ دقیقه است و هزینه‌ها از ۷۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. رئیس کلینیک یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند و روانشناسان تازه‌کار تر ۷۰۰ هزار تومان پول می‌گیرند. مراجعه به روانشناس این روزها از هر زمان دیگری بیشتر شده است. کافی‌ست تا تلفن را بردارید و با دفتر چند روانشناس تماس بگیرید تا متوجه شوید خیلی از آنها وقت می‌دهند. اما هزینه هر جلسه مراجعه به روانشناس چقدر است؟ این سوال را به‌تازگی یک حساب کاربری در شبکه ایکس پرسیده که بیش از هزار نفر به آن پاسخ داده‌اند. مثلا شیوا گفته است در غرب تهران بابت هر جلسه ۵۰ دقیقه‌ای یک میلیون تومان هزینه می‌کند و به ۱۰ روز یکبار روانشناس را می‌بیند. بهاره نوشته است که در شمال شهر پایتخت برای هر جلسه یک ساعته یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پول پرداخت می‌کند و روانشناس فردی شناخته شده محسوب می‌شود. حامد نوشته است که هفته‌ای یکبار به مدت ۴۵ دقیقه با پرداخت ۶۶۰ هزار تومان با روانشناس دیدار می‌کند. طاهره توضیح داده در اهواز برای هر جلسه ۴۵۰ هزار تومان پول می‌دهد و روانشناس خود را حضوری می‌بیند. الیه گفته است برای روانشناسی که رویکرد تحلیلی دارد به ازای هر ۵۰ دقیقه، ۹۰۰ هزار تومان هزینه می‌کند و البته این پول را در ازای جلسات آنلاین می‌پردازد. هدی که روانشناس رویکرد تربیتی دارد، به ازای ۴۵ دقیقه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پول دریافت می‌کند. روانشناس این زن جوان در کشور دیگری زندگی می‌کند و خدماتش را به صورت اینترنتی در اختیار مراجعان قرار می‌دهد.

مراجعه به روانشناس این روزها از هر زمان دیگری بیشتر شده است. کافی‌ست تا تلفن را بردارید و با دفتر چند روانشناس تماس بگیرید تا متوجه شوید خیلی از آنها وقت می‌دهند. اما هزینه هر جلسه مراجعه به روانشناس چقدر است؟ این سوال را به‌تازگی یک حساب کاربری در شبکه ایکس پرسیده که بیش از هزار نفر به آن پاسخ داده‌اند. مثلا شیوا گفته است در غرب تهران بابت هر جلسه ۵۰ دقیقه‌ای یک میلیون تومان هزینه می‌کند و به ۱۰ روز یکبار روانشناس را می‌بیند. بهاره نوشته است که در شمال شهر پایتخت برای هر جلسه یک ساعته یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پول پرداخت می‌کند و روانشناس فردی شناخته شده محسوب می‌شود. حامد نوشته است که هفته‌ای یکبار به مدت ۴۵ دقیقه با پرداخت ۶۶۰ هزار تومان با روانشناس دیدار می‌کند. طاهره توضیح داده در اهواز برای هر جلسه ۴۵۰ هزار تومان پول می‌دهد و روانشناس خود را حضوری می‌بیند. الیه گفته است برای روانشناسی که رویکرد تحلیلی دارد به ازای هر ۵۰ دقیقه، ۹۰۰ هزار تومان هزینه می‌کند و البته این پول را در ازای جلسات آنلاین می‌پردازد. هدی که روانشناس رویکرد تربیتی دارد، به ازای ۴۵ دقیقه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پول دریافت می‌کند. روانشناس این زن جوان در کشور دیگری زندگی می‌کند و خدماتش را به صورت اینترنتی در اختیار مراجعان قرار می‌دهد.

هزینه خرید خانه پیش‌ساخته چقدر است؟

اولین سوالی که در ذهن خریداران خانه پیش‌ساخته یا کانکس شکل می‌گیرد، این است که واقعا هزینه نهایی ساخت یک خانه پیش‌ساخته کمتر از تومان است. رئیس کلینیک یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند و روانشناسان تازه‌کار تر ۷۰۰ هزار تومان پول می‌گیرند. اهو توضیح داده است که به‌تازگی پیش روانشناس می‌رود که بابت هر ۳۰ دقیقه از او ۸۰۰ هزار تومان دریافت می‌کرد.

محبوبه می‌گوید اگر بخواهید در جلسات روانشناسی گروهی شرکت کنید، هزینه‌هایتان در مقایسه با جلسه‌های فردی ارزان‌تر تمام می‌شود و حوالی ۵۰۰ هزار تومان است. سارا از رشت نوشته است که به‌صورت آنلاین به مدت ۴۵ دقیقه و هر هفته روانشناس را دیده و با او صحبت می‌کند و برای این زمان یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند. نیوشا که در المان ساکن است گفته روانشناس من برای مخاطب داخل ایران هزینه را ۸۰۰ هزار تومان به ازای ۴۵ دقیقه تعیین کرده، اما از من که خارج از کشور هستم ۵۰ دلار می‌گیرد که بیش از چهار میلیون تومان برای جلسه اینترنتی تمام می‌شود. شقایق هم همین موضوع را تایید کرده و گفته روانشناسان قدری را می‌شناسد که از مخاطب خارج از کشور ۱۰۰ دلار هم ویزیت دریافت می‌کنند

ادامه جدال بین «کانون» و «مرکز»

نامه رئیس اسکودا در پی اظهارات اخیر رئیس قوه قضائیه: تبعیض میان کانون وکلا با مرکز وکلا از انصاف و منطق به دور است

به گزارش وکلاپرس، رئیس قوه قضائیه در سومین همایش سراسری هیات مدیره‌های مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده که در روزهای گذشته در شهر مشهد برگزار شد، گفته بود: مرکز وکلای قوه قضائیه باید از بعضی دستگاه‌هایی که ماموریت مشابه دارند، حتما در یک مرتبه بالاتر قرار بگیرد.

حجت‌الاسلام اژه‌ای همچنین در این همایش اعلام کرده بود: مرکز وکلای قوه قضائیه در موعد تدوین لوایح و طرح‌های مرتبط با امور قضایی و حقوقی، اقدام به مشارکت فعالانه در همراهی با بخش‌های ذی‌ربط کند. من به عنوان رئیس قوه قضائیه این آمادگی را دارم که پیش از ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، یک نسخه از آنها را برای اخذ نظر، به مرکز وکلا ارائه دهم. در همین راستا رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران در نامه‌ای سرگشاده از اظهارات اخیر رئیس قوه قضائیه انتقاد کرد.

متن نامه به شرح زیر است:

اخیرا در سومین همایش هیات مدیره‌های مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه اظهار کرده‌اید: «مرکز وکلای قوه قضائیه در موعد تدوین لوایح و طرح‌های مرتبط با امور قضایی و حقوقی، اقدام به مشارکت فعالانه در همراهی با بخش‌های ذی‌ربط کند. من به عنوان رئیس قوه قضائیه این آمادگی را دارم که پیش از ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، یک نسخه از آنها را برای اخذ نظر، به مرکز وکلا ارائه دهم.»

با توجه به اظهارات اخیر جنابعالی، اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران وظیفه خود می‌داند تا مواضع شفاف و اصولی خود را در این زمینه بیان دارد.

بدون شک، مرجعیت علمی کانون وکلای دادگستری بر هیچ فرد منصفی پوشیده نیست. این واقعیت حتی از سوی مخالفان و دشمنان نهاد وکالت نیز به صراحت تایید شده است. کانون وکلا در طول بیش از یک قرن فعالیت خود و ۷۲ سال استقلال، به عنوان نهاد علمی، حرفه‌ای و مستقل، همواره در عرصه‌های حقوقی و قضایی کشور پیشگام بوده و توانسته است نقشی حیاتی در ارتقاء سطح دانش حقوقی و آگاهی عمومی ایفا کند.

بنابراین، عقل، منطق و انصاف حکم می‌کند که حاکمیت از این توان علمی عظیم بهره‌برداری کند و پیش از تدوین هرگونه طرح و لایحه و ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های حقوقی و قضایی، از این ظرفیت علمی برجسته استفاده نماید. بهره‌مندی از این دانش و تجربیات قطعاً باعث بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و ارتقاء کارآمدی دستگاه قضایی خواهد شد.

همچنین، تبعیض قائل شدن میان مرکز وکلای قوه قضائیه و کانون وکلای دادگستری و ارجح دانستن مرکز وکلا نسبت به کانون وکلا، اقدامی است که از نظر اصول عدالت، انصاف و منطق قابل قبول نیست و جای تامل دارد. به‌ویژه در شرایطی که مرکز وکلای قوه قضائیه سابقه‌ای به اندازه کانون وکلای دادگستری در ارائه خدمات حقوقی و قضایی ندارد. از حضرتعالی، به عنوان قاضی‌القضات و حافظ حقوق و عدالت، انتظار می‌رود که اگر توان علمی کانون وکلا را بر نهاد موازی مرکز وکلا ارجح نمی‌دانید، حداقل آن را کمتر از آن متصور نشوید. این تبعیض نه‌تنها به صلاح دستگاه قضایی نیست، بلکه اعتماد عمومی را نیز مخدوش می‌کند.

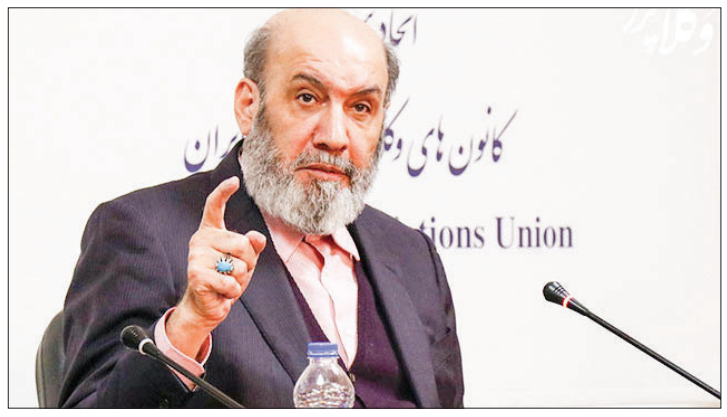

اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران به عنوان نهاد برآمده از اراده کانون‌های وکلای دادگستری، همواره آمادگی خود را برای بیان نقطه نظرات علمی و حقوقی در خصوص مسائل مختلف حقوقی و قضایی اعلام نموده و بارها از حضرتعالی درخواست وقت ملاقات جهت ارائه پیشنهادات و دیدگاه‌ها داشته است، اما با کمال تأسف، تاکنون موفق به دیدار با شما نشده‌ایم. این در حالی است که ما شاهد حضور شما در همایش‌ها و نشست‌های مرکز وکلای قوه قضائیه هستیم. از شما به عنوان رئیس دستگاه عدلیه انتظار می‌رود هر دو نهاد متولی امر وکالت در کشور را به یک چشم ببینید و تفاوتی در این میان قائل نشوید و همچون پدری عادل در این میان رفتار نمایید، هرچند توضیح شأنیت علمی کانون وکلا از اثبات آن فراتر است و امروز جامعه علمی و بزرگان علم حقوق و وکالت نیز بر این امر صحه می‌گذارند.

کانون وکلا همواره در مسیر تعامل سازنده با قوه قضائیه در راستای تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضائی حرکت کرده است. این نهاد به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام قضایی کشور، همواره تلاش کرده است تا با مشارکت در فرآیندهای قضایی و مشاوره‌های حقوقی، به ارتقاء کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و تقویت عدالت کمک کند. کانون وکلا بر این باور است که تنها با همکاری و تعامل سازنده میان نهادهای مختلف قضایی است که می‌توانیم به ایجاد سیستمی قوی‌تر و شفاف‌تر در راستای منافع عمومی و دفاع از حقوق ملت دست یابیم.

در نهایت، اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران تأکید می‌نماید که با حفظ اصول استقلال نهاد وکالت و احترام به مقام قضایی کشور، همواره آمادگی خود را برای همکاری در جهت ارتقای نظام قضایی کشور و دفاع از حقوق مردم اعلام می‌دارد. امید است که با عنایت به استقلال علمی و حرفه‌ای کانون وکلا، در تصمیمات آینده، از این توان علمی بهره‌برداری لازم صورت پذیرد.

نکته

سه نمونه از رویه‌های دادگاه‌های صلح

درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۱۳

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

تنظیم یک قانون جدید همان اندازه که راهگشاست، می‌تواند موجب اختلافات میان حقوقدانان شود و ممکن است رویه‌های متعددی به وجود بیاورد و تا مدت‌ها زمان ببرد تا رویه‌ها یکپارچه شود. این موضوع در مورد دادگاه صلح نیز صدق می‌کند.

در این شماره ۳ مورد از موضوعات بحث‌برانگیز در این زمینه بررسی می‌شود:

مورد اول درخصوص ماده ۱۱ قانون جدید شوراهای حل اختلاف است که در شماره‌های پیشین به بررسی این ماده پرداختیم و اینکه صدر ماده قید شده است «در این موارد حتی با توافق اشخاص امکان طرح در شورا وجود ندارد» که یکی از آن موارد طرح دعوی علیه نهادهای دولتی است و نیز اینکه نهادهای دولتی در شورا طرح دعوی کنند. حال جهت روشن شدن موضوع را با یک مثال موضوع را بیان می‌کنم؛

شخصی می‌خواهد علیه یک نهاد دولتی مانند مسکن و شهرسازی اقدام به طرح دعوی ملکی کند و این نهاد را ملزم به تنظیم سند کند و خواسته خود را به ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تقویم می‌کند تا مجبور نباشد هزینه دادرسی گزافی پرداخت کند، با این اوصاف آیا پرونده به دادگاه صلح می‌رود یا دادگاه عمومی؟

پاسخ به این سوال با توجه به رویه دادگاه‌ها این است که پرونده به دادگاه صلح می‌رود و این امر براساس تجربه شخصی اینجانب است که پرونده به دادگاه صلح ارجاع شد. اما چرا این موضوع مورد اختلاف حقوقدانان قرار گرفت؟ همانطور که مستحضرید قوانین دادگاه صلح تحت عنوان قانون شوراهای حل اختلاف آئین دادرسی دادگاه صلح تنظیم شد، بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که دادگاه صلح همان شورای حل اختلاف است و ماده ۱۱ این قانون که طرح دعوی در شورا علیه نهاد دولتی را منع کرده؛ به دادگاه صلح نیز اشاره دارد. اما اینگونه نیست و دادگاه صلح یک نهاد مستقل از شوراهای حل اختلاف است و شورا محسوب نمی‌شود و مشکل از نحوه قانون‌گذاری است.

بنابراین در نظر داشته باشید که دعوی شما علیه یک نهاد دولتی اگر کمتر از ۱/۰۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یکصد و یک میلیون تومان تقویم شود نهایتا به دادگاه صلح ارجاع خواهد شد و نه دادگاه عمومی حقوقی.

مورد دوم از موضوعات مورد اختلاف بحث تشکیل یا عدم تشکیل دادگاه صلح در دادگاه‌های بخش است:

در دادگاه بخش اصولا شعباتی تحت عنوان دادگاه صلح نیست. منظور عدم عنوان دادگاه صلح است. لازم به ذکر است که عدم ذکر نام دادگاه صلح در دادگاه بخش به منزله عدم وجود آن نیست بلکه دادگاه صلح در بخش در همان دادگاه عمومی رسیدگی می‌شود لیکن تابع قانون دادگاه صلح است. به طور مثال اگر شما دعوی الزام به تنظیم سند رسمی در دادگاه بخش مطرح کنید در آن دادگاه شعبه‌ای تحت عنوان صلح وجود ندارد و همان دادگاه عمومی بدان رسیدگی می‌کند تحت لوای قانون شوراهای حل اختلاف آئین دادرسی دادگاه صلح.

مورد سوم از موارد مورد اختلاف در دادگاه صلح بحث گستردگی صلاحیت این دادگاه است (در شماره‌های پیشین به صورت مفصل به بررسی آن پرداختیم) که عده‌ای آن را مختص دعاوی مطالبه وجه و پولی می‌دانند در حالی که کلیه دعاوی مالی را دربرمی‌گیرد و نه صرفاً مطالبه وجه که این نیز موجبات اختلاف در صلاحیت را به وجود آورده است.

***راه ارتباطی با وکیل:**
وب سایت: sahabigroup.com
اینستاگرام: vakil_sahabii@

روزی روزگاری وکالت (۴۲)

گر حکم شود که مست گیرند

آیا از همه متهمان می‌توان دفاع کرد؟

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

پاسخ یک کلمه‌ای «بله» است، اما در چگونگی آن دریایی از گفت‌وگوها وجود دارد. این پرسش که «هر فردی که در مظان اتهام است، می‌تواند دارای وکیل مدافع باشد؟» در دانشکده حقوق و دنیای وکالت محل اختلاف نظر در حدود و ثغور موضوع است. نباید از نظر دور داشت که «شأن وکیل دفاع است» و به هیچ عنوان حق ندارد علیه موکل خود حرفی بزند یا اقدامی کند؛ در این صورت مرتکب سنگین‌ترین تخلف انتظامی یعنی خیانت به موکل شده است. در میانه دهه ۷۰ پرونده‌ای در رسانه مشهور به «خفاش شب» مطرح شد. فردی به عنوان مسافرکش در حومه تهران زنان را سوار خودرو می‌کرد و پس از ربودن مسافر و تجاوز، او را به قتل می‌رساند. از آنجایی که قانون آیین دادرسی کیفری در رسیدگی به اتهام قتل عمدی به دلیل شدت مجازات، وجود وکیل مدافع را برای متهم ضروری دانسته است و اگر فرد توانایی مالی انتخاب وکیل نداشته باشد، قاضی تکلیف دارد بر اساس اصل ۳۷ «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» که بیان می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» با اعلام به کانون وکلای دادگستری برای او «وکیل تسخیری» تعیین کند؛ در دادرسی فرد مشهور به «خفاش شب» برای او وکیل تسخیری گرفته شد. وکیل تسخیری او (قاضی بازنشسته‌ای که اولین پرونده وکالتی خود را عهده‌دار شده بود) در آخرین دفاع از موکل جمله‌ای با این مضمون خطاب به دادگاه گفت: موکل من مجرم است و باید به اشد مجازات محکوم شود! این جمله برای جامعه وکالت حیرت‌انگیز بود، چون آشکارا خلاف شأن و وظیفه وکیل مدافع است. اگر فرد اعتقادی به بی‌گناهی متهم ندارد، می‌تواند وکالت را نپذیرد و اگر پذیرفت و در طی مسیر دادرسی، عدم حقانیت موکل برای او آشکار شد، از ادامه پرونده استعفاء دهد. حتی در پرونده‌های تسخیری وکیل می‌تواند در مواردی که موکل خود را محق نمی‌داند، سکوت کند. اما گفتار و رفتاری علیه موکل، به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست و تخلف انتظامی بوده و قابلیت پیگرد دارد.

برای پاسخ به پرسش یادداشت، یک مثال ساده می‌تواند موضوع را روشن‌تر کند: فرض کنیم در جلوی چشمان همه، شخص(الف) شخص (ب) را به شکل عمدی به قتل می‌رساند و حتی وکیل او در این صحنه حاضر و شاهد ماجراست. با این حال وکیل می‌تواند از فرد مرتکب قتل که در فرآیند دادرسی و تا زمان صدور حکم قطعی «متهم» نامیده می‌شود، دفاع کند. وکیل متهم به قتل عمدی می‌تواند در این موارد از موکل خود حمایت کند:

نخست، طرح «علل موجه جرم»: ممکن است متهم در مقام دفاع از جان و مال و ناموس خود مرتکب جرم شده باشد که در این صورت قانون‌گذار با شرایطی او را اساسا مجرم نمی‌داند و در این مواقع افراد را قادر به دفاع از خود حتی با قتل طرف مقابل می‌داند؛

دوم، وجود علل «رافع مسئولیت»: در این حالت جرم رخ داده است، اما قانون به دلایلی چون مجنون بودن مرتکب و فقدان قوه تشخیص، او از مسؤولیت معاف می‌داند؛

سوم، بر فرض که جرم دلیل موجهی نداشته باشد و متهم نیز در هر حال مسئول شناخته شود، وکیل می‌تواند با گفت‌وگو با اولیای رضایت آنان را جلب کند تا مجازات قصاص نفس (اعدام)، به دیه و حبس تبدیل شود؛

چهارم، هر متهم و حتی مجرمی از حقوقی همچون حق ملاقات با خانواده برخوردار است که در هر حال و شرایط حق انسانی و قانونی اوست؛

پنجم، ممکن است همه این مراحل طی شود و فرد به موجب حکم قطعی دادگاه محکوم و در حال طی دوران حکم محکومیت باشد، اما بعدها قانون جدیدی تصویب و قانون گذشته را نسخ کند و دیگر عمل را جرم ندانند؛ در این فرض نیز وکیل می‌تواند تقاضای توقف اجرای حکم و رفع آثار حکم را کند.

اما آیا دفاع از متهم خط قرمز دارد؟ این موضوع بین وکلای دادگستری محل اختلاف است. گروهی اعتقاد دارد چون «شأن وکیل دفاع است» حتی اگر واقف به گناهکاری موکل باشد، با کتمان حقیقت باید از موکل تمام‌قد دفاع کند. گروه دیگری اعتقاد دارند اگر چه وکیل حق ندارد علیه موکل اقدامی کند یا از او اقراری بگیرد؛ ولی در هر حال خط قرمز همه وکلای مدافع سوگند وکالت و مهمترین فراز آن یعنی قراردادن «راستی و درستی» به عنوان رویه خود است و حق کتمان حقیقت را ندارد. در این اختلاف نظر گروه اول خود را حرفه‌ای و کارکشته می‌داند و دسته دوم را آماتور و بی‌تجربه به حساب می‌آورند! اما اگر معیار «قانون» است (که باید باشد)؛ کتمان حقیقت عملی خلاف سوگند وکالت و البته تخلف انتظامی به شمار می‌رود.

***وکیل دادگستری. برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یا آی دی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.**
ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

دوسیه

چه واریزهایی مالیات دارد؟

بحثی مفصل درباره اینکه آیا مبالغ ورودی به حساب‌های بانکی ماهیت درآمدی دارند و مشمول مالیات می‌شوند

هانیه اشتغالی
وکیل دادگستری

در این نوشتار ما در پی پاسخ به این سؤال هستیم که چنان‌چه اطلاعات حسابی بر اساس قوانین و مقررات به اطلاع سازمان امور مالیاتی رسید، آیا باید در انتظار اخذ مالیات از ورودی این حساب‌ها باشیم؟ مالیات بر تراکنش‌های بانکی که به موضوع مالیات‌ستانی از ورودی حساب‌های بانکی مربوط می‌شود موضوع بخشنامه ۲۰۰/۹۹/۱۶ سازمان امور مالیاتی مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۳۱ است.

در این بخشنامه که خطاب به مأمورین و ممیزین مالیاتی نگاشته شده، ضوابطی برای درآمد به حساب آوردن تراکنش‌های بانکی مشخص شده است.

نکته مهم در خصوص این بخشنامه و مالیات‌ستانی از تراکنش‌های بانکی این است که در این موضوع بار اثبات برعهده سازمان امور مالیاتی گذاشته شده است. به بیان دیگر تراکنش‌های بانکی فی‌نفسه غیردرآمدی محسوب می‌شوند و این سازمان امور مالیاتی است که باید با رسیدگی به این تراکنش‌ها اثبات کند که این تراکنش‌ها جنبه درآمدی داشته‌اند و بنابراین باید از آن‌ها مالیات اخذ شود. «مگر این که طبق رسیدگی‌های انجام‌شده و اسناد و شواهد و قرائن مثبته، درآمدی بودن این تراکنش‌ها احراز شود.» با این وجود، تأکید سازمان امور مالیاتی بر «شواهد و قرائن مثبته» و دادن این اختیار به مأمورین و ممیزین مالیاتی موجب می‌شود که این بررسی و محاسبه تا حد زیادی به سلیقه ممیز مالیاتی مربوطه وابسته شود. چرا که او می‌تواند هر چیزی را به‌عنوان شواهد و قرائن مثبته تلقی نموده و تراکنش مورد بررسی را درآمدی ارزیابی کند.

بر اساس بند ۹ بخشنامه مذکور تراکنش‌های ذیل اساساً ماهیت درآمدی ندارند: تراکنش‌های بانکی مربوط به اعضای هیئت مدیره و سهامداران اشخاص حقوقی با تائید شخص حقوقی مورد نظر، دریافتی و پرداختی مرتبط به حق شارژ، دریافتی و پرداختی به حساب بستگان (در صورتی که ماهیت درآمدی آن توسط اداره امور مالیاتی اثبات نشود)، تسهیلات بانکی دریافتی، انتقالی بین حساب‌های شخص، انتقال بین حساب‌های شرکا در مشاغل مشارکتی، تنخواه‌های واریزی به حساب اشخاص توسط کارفرما با تأیید کارفرمای ذی‌ربط، دریافت‌ها و پرداخت‌های سهامداران و اعضای هیئت مدیره اشخاص حقوقی که طرف مقابل آن در دفاتر شخص حقوقی در حساب‌های دریافتنی و پرداختنی (جاری شرکا) منظور شده است، قرض و ودیعه دریافتی و پرداختی، وجوه دریافتی ناشی از جبران خسارت، انتقالی بین حساب‌های بانکی اشخاص در صورتی که مربوط به درآمد نباشد، مبالغ دریافتی و پرداختی اشخاص به عنوان واسط با توجه به فضای کسب و کار اشخاص حقیقی (در صورتی که ماهیت درآمدی آن توسط اداره امور مالیاتی اثبات نشود) که این مورد در مورد مشاغلی مانند بنگاه معاملات املاک، بنگاه معاملات خودرو، حق‌العمل کار و مانند آن که وجوه زیادی را از جانب سایر اشخاص اخذ می‌کنند، مصداق می‌یابد.

باید بدانیم که در رویهٔ عملی بار اثبات در بسیاری از موارد فوق برعهدهٔ مؤدی قرار می‌گیرد. برای مثال در مورد قرض و ودیعه با این استدلال که این مورد مورد سوءاستفاده مؤدیان قرار می‌گیرد در عمل بار اثبات غیردرآمدی بودن را به مؤدی منتقل می‌کنند.

سؤال دیگر آن که چنان‌چه تراکنشی در ماهیت درآمدی تلقی شود، در حالی که شخص آن را به‌عنوان درآمد ابراز نکرده است، سازمان امور مالیاتی چه برخوردی با آن می‌کند؟ در گذشته چنان‌چه درآمدی از صاحب کسب‌وکاری مورد شناسایی قرار می‌گرفت که قبلاً در اظهارنامه ابراز نشده بود، ضریب سود فعالیت مورد نظر را بر درآمد کتمان‌شده اعمال می‌کردند و از این راه به سود فرضی رسیده و از این سود مالیات اخذ می‌کردند. اما در حال‌حاضر و بر اساس دستورالعمل‌های اخیر سازمان امور مالیاتی، از آن‌جا که مبلغ مورد نظر توسط مؤدی ابراز نشده، و طبیعتاً در خصوص آن هزینه‌ای نیز در اظهارنامه مورد استناد قرار نگرفته است، درآمد کشف‌شده، سود خالص در نظر گرفته شده و از کل آن مالیات اخذ می‌شود که می‌تواند تبعات مالی و اقتصادی غیرقابل جبرانی برای صاحب کسب و کار داشته باشد و امید می‌رود که این دستورالعمل مورد ابطال در دیوان عدالت اداری قرار گیرد.

***برای ارتباط با وکیل، از طریق ایمیل** hanie.eshteghali@gmail.com **یا شماره تلفن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.**

پارکه / مصطفی آرانی

با خودرویی که صدای بوقش مارا می‌ترساند باید چه کنیم؟

پاسخ به سوالاتی درباره اخاذی، اثبات ضرب و شتم و...

این هفته دو سوال از سوالات مخاطبان روزنامه و دو سوال از سوالات مخاطبان سایت دادراه را بررسی می‌کنیم:

۱ یک خودرو با صدای بوق سگ و دو سگ بزرگ درون خودرو که به شدت پارس می‌کنند، هر شب ساعت یک نیمه شب از خیابان محل سکونت ما عبور می‌کند و باعث ترس و وحشت کودکان و اهالی محله می‌شود. آیا می‌شود از طریق پلیس ۱۱۰ نسبت به رفع مزاحمت این خودرو اقدام کرد؟

پاسخ: بله. حتما. کافی است شماره پلاک خودرو را یادداشت کنید و شکایت خود را از طریق پلیس ۱۱۰ مطرح کنید. در صورتی که فیلمی نیز بتوانید تهیه کنید برای ادامه پیگیری مناسب خواهد بود.

۲ ۶ نفر به رستوران ما به عنوان مشتری آمدند. پس از صرف کامل غذا به دلیل واهی درموقع حساب کردن اقدام به ضرب و جرح همکاران و تخریب اموال کردند و بعدا بدون مستندی مدعی شدند سرنشینان خودرویی ما را مصدوم کرده‌اند. ادعای صرف قابل پذیرش هست؟

پاسخ: ظاهرا سوال به این معنا است که افرادی اقدام به ضرب و جرح کردند و سپس مدعی شدند افراد دیگری چنین کاری کردند. باید گفت در این مورد در واقع شما یعنی سوال‌کننده هستید که ضرب و جرح را به کسی نسبت دادید و باید آن را ثابت کنید. برای این کار هم می‌توانید از دوربین‌های مداربسته استفاده کنید یا افرادی که در رستوران شما هستند شهادت بگیرید. ولی بدون هیچ‌گونه مستندی، ادعای افراد مقابل پذیرفته است، چون شما باید آن را اثبات کنید و آنها در واقع در حال انکار ادعای شما هستند.

۳ شخصی در فضای مجازی پیام داده و درخواست رابطه جنسی داده است. تمام درخواست‌های خود را گفته و عکس خود و بدنش را فرستاده است. از آنجا که این فرد آشنا بود من از تمام پیام‌ها اسکرین شات گرفتم و با او همکاری کردم که مثلا من موافق این رابطه هستم. بعد پیام دادم گفتم تو را می‌شناسم، مشخصاتش را دادم به او گفتم اگر می‌خواهی پیام‌هایت را به کسی نشان ندهم تا آبرویت برود، باید مبلغی پرداخت کنی. خودم و رفیقم رفتیم سر قرار. پلیس رفیقم را گرفت من فرار کردم. الان می‌خواهند به جرم اخاذی من را بگیرند. چطور این موضوع را دور بزنم و تبرئه شوم؟

پاسخ: راهی وجود ندارد. شما مرتکب جرم شده‌اید. هرچند عمل طرف مقابل نیز غیراخلاقی بوده است ولی شما مرتکب ماده ۷۴۵ قانون مجازات اسلامی یا ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای شدید که بیان می‌کند:

هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از شصت و شش میلیون (۶۶،۰۰۰،۰۰۰) ریال تا پانصد میلیون (۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

۴ آیا واحدهای خالی از سکنه باید حقوق لابی‌من را پرداخت کنند؟

پاسخ: بله. این موضوع ارتباطی به خالی بودن یا نبودن واحد ندارد و همه باید به تساوی آن را پرداخت کنند.

پارکه پنجشنبه هر هفته در همین صفحه، به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید:
PR@7sobh.com
Mo.masjedi@gmail.com

درسنامه

رای وحدت رویه چیست؟

آنچه یک شهروند باید از حقوق کیفری بداند –۵۷

آرمان احمدی
وکیل پایه یک

مراجع قضایی و دادگستری، جهت رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری افراد جامعه، تشکیل شده‌اند و باید، با تمام قوا، در راستای اجرای قوانین و احقاق حق اصحاب دعوا بکوشند. با این وجود، یک نهاد نظارتی، جهت نظارت بر روند کار دستگاه‌های قضایی، مورد نیاز است. دیوان عالی کشور، عالی‌ترین مرجع نظارت بر اجرای هرچه صحیح‌تر قانون، در محاکم دادگستری بوده و به موجب اصل ۱۶۱ قانون اساسی، تشکیل شده است. این دیوان، دارای ساختار مخصوص به خود بوده و متشکل از دادسرا، هیئت های عمومی و شعب حقوقی و کیفری است. یکی از وظایف دیوان عالی کشور، صدور رای وحدت رویه است.

رای وحدت رویه، نقش بسیار مهمی در اجرای هرچه بهتر عدالت و جلوگیری از سلیقه‌ای اجرا شدن قانون دارد. این رای از جمله آرایی است که در حکم قانون بوده و مرجع صدور آرای وحدت رویه، هیئت عمومی شعب دیوان عالی کشور است.

ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، به این پرسش که رای وحدت رویه چیست؟ پاسخ داده است. این ماده، در تعریف رای وحدت رویه، مقرر می دارد: «هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها، نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند». با توجه به این ماده، رای وحدت رویه، رایی است که در صورت وجود آرای متناقض دادگاه ها در موارد مشابه، توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور که مرجع صدور آن است، صادر می‌شود. بر اساس این ماده، تفاوتی نمی‌کند که این آرای متناقض، در چه موضوعی بوده یا توسط کدام یک از دادگاه‌ها، اعم از دادگاه حقوقی، کیفری، شعب دیوان عالی و سایر مراجع، صادر شده باشند. در واقع، رای وحدت رویه، از استنباط مختلف و متفاوت قوانین، جلوگیری می‌کند و به نوعی، سبب ایجاد نظم و عدم وجود پراکندگی و تشتت آرا، در محاکم می‌شود.

در حکم قانون بودن آرای وحدت رویه، از جمله تفاوت این رای با رای اصراری است.

رای وحدت رویه تشریفات و مراحل مخصوص به خود را برای صدور دارد و بدون رعایت آن تشریفات، امکان صدور رای وحدت رویه، وجود نخواهد داشت.

***وکیل پایه یک. برای ارتباط با ایشان می‌توانید با شماره ۰۹۱۲۴۳۹۴۹۵۸ تعامل کنید.**

شصت سال
با «تراکتورسازی»
صفحه ۱۰

لکه‌های سیاه
بر کارنامه‌های قبولی
صفحه ۱۳

حرف های داغ هفته

ناصر ممدوح

انسان باید تا آخرین لحظات زندگی را زندگی کند. از آنجا که صداپیشه‌ام و ابزار کارم این صداست، همچنان فعالیت می‌کنم و در جمع حضور دارم. اگر به عقب برگردم و دوبله شرایط امروز را داشته باشد، دیگر این حرفه را انتخاب نمی‌کنم؛ اما اگر شرایط شبیه قدیم باشد، بازهم وارد این شغل می‌شوم. پیش از اینکه گروه‌های زیرزمینی قدم علم کنند، باید به علت روی آوردن جوانان به این حرفه فکر کرد. احتمالاً به‌دلیل بیکاری و علاقه به هنر با خودشان فکر می‌کنند بهترین کار همین دوبله زیرزمینی است؛ اما خبر ندارند که با این کار هنر دوبله آسیب دیده است و من واقعاً نگران آینده آن هستم.

روابط عمومی صداوسیما
۶ بهمن

مهوش وقاری

همیشه دوست داشتم نقش یک زن از زنان نامدار را بازی کنم. ایفای نقش شخصیت‌ها را دوست داشتم. من به آرزویم در سینما و تلویزیون نرسیدم. از نظر کلی، آرزوی من آرامش بود اما در سینما بی‌رحمی در حق من شده است. از ابتدا تاکنون نقش مکمل بازی کرده‌ام و شاید یکی دو بار نقشی که بازی کرده‌ام نقش اول یا مطرح بوده است. فکر می‌کنم ممکن است توانایی من به آن حد نمی‌خورد که چنین نقش‌هایی را نداده‌اند اما آرزویم بوده است نقش خوبی بازی کنم. خیلی وقت است سینما نرفته‌ام، البته فیلم «زودپز» را دیدم که به هر حال نسبت به دیگر کارها قابل قبول بود.

ایرنا
۵ بهمن

علیرضا خمسه

زمانی که تحصیلات خود را در ایران به اتمام رساندم، به فرانسه رفتم و یک سال و نیم در مدرسه ونسن به مطالعه تئاتر پرداختم و هم‌زمان نیز در کلاس‌های پانتومیم و مواردی که فکر می‌کردم برای فعالیت در این حرفه مناسب است حضور پیدا می‌کردم. تا اینکه سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی صورت گرفت و با این وجود در حدود شش ماه همچنان به تحصیلات خود ادامه دادم. اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که بهتر این است به کشور بازگردم و به مردم ایران خدمت کنم. ژانرهای مختلفی را تجربه کرده‌ام، اما لحظات خوشی که به یاد می‌آورم عموما حاصل کار در ژانر کمدی بوده.

موزه سینما
۹ بهمن

مهرداد ضیایی

۱۰ سال پیش، فشارهای اجتماعی و اقتصادی به اندازه امروز شدید نبود. وقتی فردی تحت فشار است، به‌سختی می‌توان او را خنداند یا شاد کرد. این موضوع به نوعی با فضای تلویزیون و تولیدات طنز نیز ارتباط دارد. البته که بودجه یکی از عوامل مهم در تولیدات تلویزیونی است اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که وقتی فضای اقتصادی تغییر می‌کند، حتی تولیدات هنری نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرند. وقتی در جامعه بحران‌هایی وجود دارد، طنز باید بتواند با آن بحران‌ها ارتباط برقرار کند و برای مخاطب ملموس باشد. در شرایط فعلی، اگر طنز از واقعیت‌های جامعه فاصله بگیرد، مخاطب نمی‌تواند ارتباط برقرار کند.

تسنیم
۷ بهمن

مسعود روشن‌پژوه

(با اشاره به جشنواره تولیدات مجازی) تولید محتوا در فضای مجازی، فرآیندی پیچیده و دشوار است و تمام افرادی که در این زمینه فعالیت دارند، باید توانایی و اشراف کامل بر کارشان داشته باشند و علاقه‌مند به این حوزه باشند. موضوعات انتخابی نیز می‌توانند بسیار تأثیرگذار باشند. در حال حاضر، کیفیت فنی آثار لزوماً تضمین‌کننده موفقیت نیست. گاهی حتی یک محتوای ساده، با رنگ سیاه و سفید یا یک ایده خاص، می‌تواند در فضای مجازی میلیون‌ها مخاطب را جذب کند. به همین دلیل، نگاه محتوایی و رسانه‌ای در کنار فعالیت‌های کوتاه‌مدت اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این مواردی است که جوانان امروزی بهتر از ما می‌دانند.

ایسنا
۸ بهمن

چهره هفته

پریناز ایزدیار

معمای خانم دکتر

نیاز به معرفی ندارد؛ بازیگری است که بعد از یک دوره ایفای نقش های فرعی یا نه چندان با کیفیت بالاخره در تلویزیون چهره شد. در ادامه مورد توجه سینمایی ها قرار گرفت و با سمیه در «ابد و یک روز» جایگاهی تثبیت شده به دست آورد. پریناز ایزدیار توانست خود را از زیر سایه سمیه خارج کند و حتی در فیلمی چون «سه کام حبس» شمایلی متفاوت از زنان طبقه پایین جامعه داشت. او صاحب چند نقش موفق از زنان طبقه متوسط هم هست و این یعنی حواسش به مسیر حرکت بوده است. حالا این بازیگر را در «ازازیل» می بینیم که خانم دکتر است و با همسر رابطه ای سرد دارد. کیفیت سریال حسن فتحی، چندان بالا نیست و جبهه مخالفان و موافقان همچنان با هم جدال دارند. درباره عملکرد ایزدیار هم فعلا اتفاق نظر دیده نمی شود و گروهی معتقدند او برتری خاصی نسبت به تجربیات قبل ندارد و هنوز برگ برنده، رو نکرده. برخی اما عقیده دارند ایزدیار در نقش خانم دکتر شوکا، توانسته شمایلی ملموس ارائه کند و از پس ماموریت برآید. چیزی که عیان است این که توقع از حسن فتحی و پریناز ایزدیار خیلی بالا است و با لحاظ چنین نکته‌ای می‌توان نتیجه گرفت «ازازیل» بعد از دو قسمت، جزو کارهای شاخص آن‌ها محسوب نمی شود.

این فیلم ها را ببینید

ضدقهرمان / بازخوانی تجربه تاریخی

- کارگردان: عارف افشار
- تهیه‌کننده: عارف افشار
- نویسنده: عارف افشار
- محصول: ایران / ۱۴۰۱

عارف افشار مستندسازی دهه هفتادی است که حالا به‌واسطه کندوکاو پرسشگرانه‌ای که در تاریخ معاصر داشته، به چهره‌ای مهم در میان نسل جدید مستندسازان تبدیل شده است. بعد از تجربه موفق او در ساخت مستند تماشایی «برزخی‌ها»، با سرمایه‌گذاری مجدد سازمان اوج، او مستند دوم خود را با سوژه‌ای ملتهب ساخته است. «ضدقهرمان» روایتی از فعالیت‌های قضایی صادق خلخالی در تاریخ معاصر ایران است که تصویری کاملا متفاوت از تحولات سال‌های نخستین بعد از پیروزی انقلاب پیش روی مخاطب خود قرار می‌دهد.

پروین / شاعرانه‌ای از دل تاریخ

- کارگردان: محمدرضا ورزی
- تهیه‌کننده: محمدرضا شریفی‌نیا
- نویسنده: محمدرضا ورزی
- بازیگران: مارال بنی‌آدم، محمدرضا شریفی‌نیا، بیژن بنفشه‌خواه
- محصول: ایران / ۱۴۰۲

نام اولیه این فیلم «معجزه پروین» بود و از همین نام‌گذاری می‌توان به زاویه نگاه کارگردان به دنیای شخصی یکی از مهم‌ترین زنان تاریخ شعر فارسی، پی برد. پروین اعتصامی از شخصیت‌های تأثیرگذاری است که سبک خاص خود را در سرودن شعر به‌خصوص در قالب دیالوگ داشت و در همین مسیر هم آثار ماندگاری را از خود به یادگار گذاشت. فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی اولین تلاش سینمای ایران برای به تصویر درآوردن پرتره‌ای از این شاعر است. فیلمی که مارال بنی‌آدم به‌واسطه نقش‌آفرینی در آن سیمرغ بلورین بازیگری فجر را شکار کرد.

آریاشهر دو نفر / به‌خاطر یک مشت پول!

- کارگردان: حمید بهرامیان
- تهیه‌کننده: آذر معماریان
- نویسنده: حمید بهرامیان
- بازیگران: محسن کیایی، مهران احمدی، پانته‌آ پناهی‌ها
- محصول: ایران / ۱۴۰۲

در جریان اکران فیلم‌های کمدی پرمخاطب در سینماها، «آریاشهر دو نفر» تازه‌نفس‌ترین فیلم است. فیلمی به کارگردانی حمید بهرامیان که پیش‌تر با نام «به‌خاطر یک کیف دلار» کلید خورده بود و بعد از تولید با تغییر نام به اکران درآمد. فیلم یک قصه کمدی و پر از ماجراجویی و غافلگیری دارد که در خلاصه داستان آن آمده است: «می‌دونی با شش میلیون یورو چندتا شصت می‌شه خرید؟» محسن کیایی که پیش‌تر با فیلم پرفروش «هتل» توفیق در گیشه را تجربه کرده بود، بازیگر اصلی این فیلم است و در کنار او پانته‌آ پناهی‌ها و مهران احمدی ایفای نقش می‌کنند.

پیشنهاد ویژه هفته

سریال روز شغال

نمای کلی

- کارگردان: برایان کرک
- نویسنده: رونن بنت
- تهیه‌کننده: کریستوفر هال
- بازیگران: اورسولا کوربیرو، ادی ردمین، لاشانا لینچ، بن هال، چوکودی ایووجی، الینور ماتسورا
- محصول: انگلیس / ۲۰۲۴
- زبان: انگلیسی / زیرنویس و دوبله
- زمان: ۶۰ دقیقه

درباره سریال

سریال «روز شغال» را رونن بِنت بر اساس رمانی به همین نام از فردریک فورسایت خلق کرده است. بِنت رمان‌نویس و فیلمنامه‌نویسی از ایرلند شمالی است که پیش از این بیش‌تر با همکاری در نگارش فیلمنامه «دشمنان مردم» (مایکل مان) و سریال تاریخی «باروت» (کیت هرینگتن و دنیل وِست) شناخته می‌شد. فصل اول سریال «روز شغال» که در قالب ۱۰ قسمت تولید شد اغلب منتقدان را به تحسین واداشت و بیش‌تر تماشاگرانش را هم کاملا راضی کرد. داستان رمان «روز شغال» در سال ۱۹۶۳ می‌گذرد و ماجرای تلاشی برای ترور رئیس‌جمهور آن زمان کشور فرانسه یعنی شارل دوگل را روایت می‌کند. سریال روز شغال داستان را به زمان حال آورده است. ادی ردمین بازیگر نقش شغال، این سریال را به‌واسطه تغییر زمان داستانش «اثری کاملا متفاوت» توصیف کرده که «با در نظر گرفتن هدفی جدید، درک و به‌روز شده است.» فیلمبرداری از ماه ژوئن ۲۰۲۳ آغاز شد. در چهار کشور انجام شد و حدود هفت ماه زمان برد.

درباره داستان

شغال لقب آدمکش توانمندی است که عملیاتی را زیر پرچم دروغین (برای رقم خوردن ترور به نام کشوری دیگر) ترتیب می‌دهد و الیاس فِست را مجروح می‌کند که پسر مانفرد فست، نامزد صدراعظمی جناح راست تندرو آلمان است. نتیجه عملیات کشیده شدن مانفرد فست به بیمارستان است؛ جایی که شغال نقشه اصلی‌اش یعنی ترور او را اجرا می‌کند. بیانکا (کارشناس سلاح‌های گرم ام‌آی‌سیکس، سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا) پس از بررسی فیلم‌های مربوط به ترک صحنه جرم، به استفاده شغال از تجهیزات خاصی پی می‌برد و به تفنگ‌سازی به نام نورمن استوک می‌رسد که اهل ایرلند شمالی است. در سوی دیگر، شغال پس از ترور فست، با تماسی از سوی یک منبع ناشناس مواجه می‌شود که ماموریتی را در ازای ۱۰ میلیون دلار به او پیشنهاد می‌دهد. شغال در دیدار حضوری با زنا جانسون به این موضوع پی می‌برد که هدف، غول عرصه فناوری است و اول داگ چارلز نام دارد.

واکنش منتقدان

«روز شغال به این می‌ماند که سریال اسب‌های آرام، شوخ‌طبعی کنایه‌آمیز یا کیفیت ابسوردش را از دست داده و شخصیت تک‌تیرانداز ردمین همچون جیمز باندی است که آدمی بد شده است. به هر حال، سریال با این‌که کاملا پتانسیل اولیه‌ای را که از خود نشان می‌دهد به ظهور نمی‌رساند اما باز هم لذت‌بخش و تماشایی است.» این نظر منتقد گاردین درباره سریال است. نشریه تی‌وی لاین هم درباره این اثر نوشت: «سریال روز شغال یک سریال تریلر عالی از کمپانی رسانه‌ای پیکاک است با سکانس‌های اکشن حیرت‌انگیز و داستان‌گویی هوشمندانه» منتقد کولایدر هم با تحسین نسبت به این سریال، معتقد است: «سریال ساده است اما با مهارتی درخور تحسین ساخته شده، ترکیب بازیگران خوبی دارد و ساختارش به‌گونه‌ای طراحی شده که تنش حفظ شود؛ پشتوانه همه این‌ها، بازی‌های قوی است. علاوه‌بر این، شما با یک تریلر واقعا خوب و تماشایی طرف هستید که تماشاگرانش را در جریان بازی موش و گربه شخصیت‌های اصلی، همواره درگیر خود نگه می‌دارد.»

عکس هفته

هانیه بی‌سروصدا می‌آید

یکشنبه ۷ بهمن پروانه نمایش فیلم «بی‌سروصدا» به کارگردانی مجیدرضا مصطفوی صادر شد و به‌زودی اکران عمومی می‌شود تا هانیه توسلی بار دیگر اثری روی پرده داشته باشد. این اثر سینمایی بارها در جشنواره‌های مختلف جهانی به نمایش درآمده و با استقبال زیادی روبه‌رو شده است. به گزارش فیلم‌نیوز، «بی‌سروصدا» با بازی پیمان معادی، مهران غفوریان، فرشته حسینی و هانیه توسلی براساس فیلمنامه‌ای محصول مشترک مجیدرضا مصطفوی و مهیار حمیدیان ساخته شده. «بی‌سروصدا» سومین تجربه فیلمسازی مجیدرضا مصطفوی است؛ کارگردانی که پیش‌تر فیلم‌های «انارهای نارس» و «آستیگمات» را ساخته بود. «بی‌سروصدا» برای دریافت پروانه نمایش با مشکلاتی روبه‌رو بود. شنیده می‌شد که برخی از اعضای شورای پروانه نمایش به دلیل فضای ملتهب آن، مخالف جدی نمایش این فیلم به عنوان یکی از مهم‌ترین فیلم‌های اجتماعی امسال بوده‌اند. حتی صحبت‌هایی به میان آمد درباره اینکه اصلاحیه‌های زیادی به فیلم وارد شده است.

ترین‌های هفته

واکنش هفته | ستاره بازیگر خوبی نیست

ستاره‌سادات قطبی جزو مجریانی است که به سمت بازیگری هم آمده. او پیش‌تر تجربیاتی از حضور مقابل دوربین داشت که عمدتا نقش‌هایی فرعی بودند. همین اتفاق برای ستاره‌سادات قطبی در سریال «فریبا» تکرار شده. او همسر محمدحسین، یک مامور امنیتی با بازی حمیدرضا پگاه است. کسی که مادر است و فعالیت اجتماعی هم دارد. این نقش فعلا جای کار برای سادات قطبی نداشته و بعید است تبدیل به اتفاقی ویژه در کارنامه‌اش شود. چون نقش، بر اساس کلیشه مادر و همسر دلسوز طراحی شده. نکته جالب آن که کاربران هم معتقدند خانم قطبی عملکردی موفق در «فریبا» ندارد.

ناکام هفته | عملکرد ضعیف تلویزیون در عید مبعث

یکی از ایرادات مدیریت کنونی تلویزیون این است که آداب برگزاری جشن را نمی‌دانند. فرقی هم نمی‌کند با یک مناسبت ملی مواجه باشیم یا مذهبی. مثلا ویژه‌برنامه‌هایی که این هفته برای عید مبعث روی آنتن رفتند فاقد جذابیت بودند. این برنامه‌ها به سبک همیشگی چند خواننده و مهمان نه‌چندان مطرح را دعوت کردند؛ سراغ پخش ترانه رفتند و مجریان ادای شادی را درآورند! این در حالی است که سال های نه‌چندان دور، سیمای شبکه‌ها در عید مبعث تغییر می‌کرد و مخاطب با برنامه‌های متنوع و متعددی مواجه می‌شد.

شصت سال با «تراکتورسازی»

خردورایت‌های شهر شلوغ | هر آنچه باید از کارخانه صنعتی مشهور شمال غربی کشور و تیم فوتبال آن بدانیم

مصطفی آرانی | حواشی بازی تراکتورسازی و پرسپولیس در تهران، هنوز بعد از سه روز ادامه دارد. ابعاد مختلفی از این ماجرا گفته شده است. مثلا داستان بیرانوند و اینکه او که خود سهم چشمگیری در تحریم هواداران قرمزها علیه خود در فصل‌های اخیر داشته، باید به عنوان زمینه‌ساز توهین‌ها و تنش در این بازی سرزنش شود یا اینکه بیرانوند یک قربانی است و نباید او را به این دلیل شماتت کرد. داستان دیگر در مورد احساس محرومیتی است که هواداران قرمزهای تبریزی دارند. احساسی دائمی از اینکه کسی حق آنان را در فوتبال خورده و به آنها نمی‌دهد.

با این حال مطلب این هفته ما فقط به خود تراکتورسازی و باشگاه آن می‌پردازد و این دو را از زاویه تاریخ بررسی می‌کند و نشان خواهد داد که چه شد، افرادی در دهه ۴۰ شمسی تصمیم گرفتند در ایران کارخانه‌ای به نام تراکتورسازی تاسیس کنند و این کارخانه تا امروز چه راهی را پیموده است.

همچنین جالبی باشگاه تراکتورسازی تبریز را از اواخر دهه ۴۰ تا امروز بررسی کردیم تا بتوانیم بیشتر با این پدیده صنعتی- فوتبال در منطقه گوش گیرکه نقشه ایران آشنا شویم.

۱ تاریخ مختصر تراکتور در ایران

داستان تراکتور در ایران به سال ۱۳۰۰ برمی‌گردد. در آن سال نمایشگاهی تحت عنوان نمایشگاه ماشین‌های کشاورزی در تهران برگزار شد و راه را برای ورود این ماشین کاربردی به کشاورزی ایران هموار کرد. اولین تراکتور اما در سال ۱۳۰۸ وارد ایران شد. یک تراکتور نیلقی برای مدرسه عالی فلاحت در شهر کرج تا دانشجویان این مرکز علمی بتوانند از نزدیک با سازوکار آن آشنا شوند.

از سال‌های میانه دهه ۱۰ شمسی تا سال‌های ابتدایی دهه ۳۰، چهار رویداد باعث شد تا توجه به تراکتور بیشتر شود. نخست تاسیس شرکت شیلر و ماشین‌های کشاورزی در سال ۱۳۱۶ و وظیفه آن واردات تراکتور و انواع ماشین‌های کشاورزی بود. دوم در نظر گرفتن تسهیلات و کمک‌هزینه و حتی فروش قسطی تراکتور و کمباین از سوی دولت و بانک کشاورزی و در نهایت تاسیس بنگاه توسعه ماشین‌های کشاورزی در سال ۱۳۳۱.

یکی از نقاط کلیدی تاریخچه تراکتورسازی در ایران از آغاز اصلاحات ارضی در اوایل دهه ۱۳۴۰ به‌شمار می‌رود. در نتیجه این اصلاحات، مزارع بزرگ کشاورزی در میان بسیاری از کشاورزان و روستاییان تقسیم شد. با افزایش تعداد کشاورزان، حکومت وقت به فکر تأسیس یک کارخانه تراکتورسازی افتاد و این موضوع را در جلسات متعدد شورای اقتصاد کشور به بحث گذاشت.

۲ ماجرای واردات تراکتور از رومانی

داستان تراکتور در ایران یک‌جورهایی با علینقی عالیخانی (متولد ۱۳۰۷ و درگذشته به سال ۱۳۹۸) که وزیر اقتصاد ایران از بهمن ۱۳۴۱ تا مرداد ۱۳۴۸ بود، گره خورده است. در این مطلب گزیده خاطرات او در مورد واردات تراکتور و تاسیس کارخانه تراکتورسازی را می‌خوانید که از کتاب خاطرات علینقی عالیخانی به کوشش جیب لاجوردی در پروژه تاریخ شفاهی ایران (نوار یازده و دوازده) و نیز کتاب «اقتصاد و امنیت» گفت‌وگوی تاریخ شفاهی حسین دهباشی با عالیخانی برداشته شده است. بریده اولی که انتخاب کردیم در مورد مسئله واردات تراکتور و چرایی انتخاب رومانی است.

ذکر این توضیح ضروری است که برای ادای امانت در نقل خاطرات افای عالیخانی کلماتی مانند اعلیحضرت را در مورد شاه سابق تغییر ندادیم و بدیهی است که استفاده از این القاب نظر روزنامه هفت صبح نیست.

«از ماشین‌آلات کشاورزی‌مان خوب نگهداری نمی‌شد. علت اینکه خوب نگهداری نمی‌شد این بود که از هر نقطه دنیا این ماشین‌آلات را می‌خریدند از هر نقطه؛ بنابراین شما مثلاً پنج شش جور تراکتور آمریکایی داشتید چند جور تراکتور آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی داشتید و غیره حالا یک قسمتی از تراکتور یا ماشین‌آلات دیگر کشاورزی که داشتید عیب می‌کرد البته بیشتر تراکتور بود که عیب می‌کرد. لوازم یدکی می‌خواستید لوازم یدکی موجود نبود. تراکتورتان می‌خوابید تا لوازم یدکی را وارد بکنند. برای وارد کردنده فروش تراکتور صرف داشت ولی چند سال نگه داشتن قطعات در انبارش که آیا کسی این را بخواهد یا نخواهد اقتصادی نیست. کشورهای دنیا هم هیچ کدام این طوری کار نمی‌کردند؛ یعنی شما وقتی می‌رفتید فرانسه می‌دیدید دو جور تراکتور دارد کار می‌کند. آن دو جور تراکتور هم همه جوره بود. ایتالیایی‌هم‌ببینید که فیات همه جا را گرفته. خلا ممکن بود یک مقدار ماشین آلات دیگر هم بیاورند ولی به خاطر وجود آن تولیدکننده اصلی آن یکی‌ها ناچار می‌شدند سرویس خوب بدهند، وگرنه نمی‌توانستند دوام بیاورند. کسی دیگر جنس‌شان را نمی‌خرید ولی در ایران اینطور نبود چون همه شبیه هم بودند.

(صنایع تراکتورسازی رومانی هم در آن موقع مونتاژ نبود) صنایعی بود که خودشان درست کرده بودند در براشوو و صدردصد مال خودشان بود. ممکن است یک روزی یک مقدار پروانه خرید گرفته بودند. یک چیزهایی را وارده بودند ولی صنعت، صنعت داخلی رومانی بود.

علت این هم در مثال رومانی، رفتیم لیبن بود که با هر کدام از سازنده‌های دیگری که می‌خواستیم صحبت بکنیم شرایط خاصی را می‌خواستند که یک امتیاز انحصاری خاصی برای خودشان ایجاد بکنند دست ما هم بند باشد که کاری نتوانیم بکنیم اما در مورد رومانی ما آزادی کامل داشتیم و دستگاه خصوصی‌ای در کار نبود. ما با اینها یک قرارداد بستیم که از این به بعد واردات تراکتورها را از رومانی منحصر کنیم که تراکتورهای داخل مملکت یکسان بشود. لوازم یدکی در همه جا موجود باشد. در همه جا چون یک نوع بود و همه روی همین نوع تراکتور آموزش کامل می‌دیدند.

نه شما بگویم تراکتور از در مورد تراکتور و تاسیس کارخانه تراکتورسازی را می‌خوانید که از کتاب خاطرات علینقی عالیخانی به کوشش جیب لاجوردی در پروژه تاریخ شفاهی ایران (نوار یازده و دوازده) و نیز کتاب «اقتصاد و امنیت» گفت‌وگوی تاریخ شفاهی حسین دهباشی با عالیخانی برداشته شده است. بریده اولی که انتخاب کردیم در مورد مسئله واردات تراکتور و چرایی انتخاب رومانی است.

ذکر این توضیح ضروری است که برای ادای امانت در نقل خاطرات افای عالیخانی کلماتی مانند اعلیحضرت را در مورد شاه سابق تغییر ندادیم و بدیهی است که استفاده از این القاب نظر روزنامه هفت صبح نیست.

«از ماشین‌آلات کشاورزی‌مان خوب نگهداری نمی‌شد. علت اینکه خوب نگهداری نمی‌شد این بود که از هر نقطه دنیا این ماشین‌آلات را می‌خریدند از هر نقطه؛ بنابراین شما مثلاً پنج شش جور تراکتور آمریکایی داشتید چند جور تراکتور آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی داشتید و غیره حالا یک قسمتی از تراکتور یا ماشین‌آلات دیگر کشاورزی که داشتید عیب می‌کرد البته بیشتر تراکتور بود که عیب می‌کرد. لوازم یدکی

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر شده‌است. بدیهی‌است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

نمی‌خواستید لوازم یدکی موجود نبود. تراکتورتان می‌خوابید تا لوازم یدکی را وارد بکنند. برای وارد کردنده فروش تراکتور صرف داشت ولی چند سال نگه داشتن قطعات در انبارش که آیا کسی این را بخواهد یا نخواهد اقتصادی نیست. کشورهای دنیا هم هیچ کدام این طوری کار نمی‌کردند؛ یعنی شما وقتی می‌رفتید فرانسه می‌دیدید دو جور تراکتور دارد کار می‌کند. آن دو جور تراکتور هم همه جوره بود. ایتالیایی‌هم‌ببینید که فیات همه جا را گرفته. خلا ممکن بود یک مقدار ماشین آلات دیگر هم بیاورند ولی به خاطر وجود آن تولیدکننده اصلی آن یکی‌ها ناچار می‌شدند سرویس خوب بدهند، وگرنه نمی‌توانستند دوام بیاورند. کسی دیگر جنس‌شان را نمی‌خرید ولی در ایران اینطور نبود چون همه شبیه هم بودند.

(صنایع تراکتورسازی رومانی هم در آن موقع مونتاژ نبود) صنایعی بود که خودشان درست کرده بودند در براشوو و صدردصد مال خودشان بود. ممکن است یک روزی یک مقدار پروانه خرید گرفته بودند. یک چیزهایی را وارده بودند ولی صنعت، صنعت داخلی رومانی بود.

علت این هم در مثال رومانی، رفتیم لیبن بود که با هر کدام از سازنده‌های دیگری که می‌خواستیم صحبت بکنیم شرایط خاصی را می‌خواستند که یک امتیاز انحصاری خاصی برای خودشان ایجاد بکنند دست ما هم بند باشد که کاری نتوانیم بکنیم اما در مورد رومانی ما آزادی کامل داشتیم و دستگاه خصوصی‌ای در کار نبود. ما با اینها یک قرارداد بستیم که از این به بعد واردات تراکتورها را از رومانی منحصر کنیم که تراکتورهای داخل مملکت یکسان بشود. لوازم یدکی در همه جا موجود باشد. در همه جا چون یک نوع بود و همه روی همین نوع تراکتور آموزش کامل می‌دیدند.

۳ چرا شرق؟

برخی می‌گویند «حکومت پهلوی به خاطر داشتن روابط مناسب با کشورهای اروپایی، به‌خصوص کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا از جمله اتحاد جماهیر شوروی، توانست با انجام سفرهای متعدد و انجام مذاکرات گسترده راه را برای توسعه صنایع مختلف در ایران باز کند.»

اما روایت دیگر این است که بدعهدی شرکت‌های آلمانی و تا حدی فرانسوی) در زمینه تاسیس کارخانه ذوب‌آهن در بدو تصمیم‌شدن ایران در دهه ۴۰ شمسی ایران را به سمت کشورهای شرقی هل می‌کند و زمینه‌ای می‌شود برای اینکه شاه برای صنعتی‌شدن به سمت شرق برود. روایت علینقی در خصوص ماجرای تاسیس کارخانه ذوب‌آهن، دومین روایت را تایید می‌کند. بخوانید:

«از زمان مشروطیت به بعد همیشه یکی از خواسته‌های ژاندارمخوان و قزلقلبان کشور کارخانه ذوب‌آهن بود که رضاشاه سعی کرد در کرج ایجاد بکند ولی با جنگ روبه‌رو شدیم و مقداری از ماشین‌آلاتی که از آلمان فرستادند انگلیس‌ها در عدن توقیف کردند. و مقداری هم به کرج رسید و روس‌ها بردند و ساختمان‌های ذوب آهن کرج هم تدریجاً به‌صورت مخروبه‌ای درآمد. ولی این فکر ذوب‌آهن همچنان دنبال می‌شد و از ۳۴ - ۱۳۳۳ به بعد هم سازمان برنامه سرگرم تهیه طرح‌هایی در این زمینه بود و همه توجه‌ها به‌طرف مذاکره با کارخانه کروپ برای ایجاد چنین صنعتی در ایران بود.

به سفارتمان اطلاع دادیم که الان دیگر موقع آن رسیده که اگر این‌ها که طی سالیان دراز با دولت در تماس بودند و دولت هم مایل بوده کار ذوب‌آهن را با آن‌ها انجام بدهد، اگر علاقه‌ای دارند باید بیایند به ایران که مذاکرات قطعی را بکنیم. و سفیر ما در بن (پایتخت آلمان غربی) به هم این اطلاع داد که آقای بایتس که همه کاره کروپ بود در فلان تاریخ وارد تهران خواهد شد. من هم این جریان را به عرض اعلیحضرت رساندم و ترتیب پذیرایی از این شخص را پیش‌بینی کردم و حتی چندین روز کار خودم را ازاد گذاشتم که بتوانم با آلمان‌ها درباره ذوب‌آهن مذاکره بکنم. آن کشور درباره کارخانه ذوب آهن مذاکره شد. یعنی خود روس‌ها هم این علاقه را نشان دادند. اعلیحضرت هم که آمادگی داشتند تأئید کردند و قرار شد که ما به روس‌ها گاز بفروشیم و آنها برای ما کارخانه ذوب‌آهن ایجاد بکنند و همچنین یک کارخانه ماشین‌سازی در اراک برای لـوازم فولادی حجیم یا سنگین به‌عنوان ورزش در آنجا بکنند.

به هرحال در دسامبر ۱۹۶۵ به همراه هیئت نسبتاً بزرگی که هفده، هیجده نفر بودند به روسیه رفتیم و حدود ۱۸ روز با روس‌ها و مذاکرات مفصلی با مقامات وزارت بازرگانی و کمیسیون همکاری فنی با کشورهای خارجه کردیم. و همچنین با وزارت گاز و شوروی و موفق شدیم که هم قرارداد ذوب‌آهن و هم قرارداد گاز و ماشین‌سازی را به امضاء برسانیم. از آن به بعد ما متعهد بودیم سالی ۱۰ میلیارد مکعب گاز به شوروی بدهیم و فکر کردیم یک شاه‌لوله بزرگ گاز به ظرفیت ۱۲ میلیارد مکعب در سال ایجاد بکنیم که چهار میلیارد مصرف داخلی داشته باشد، ۱۰میلیارد هم برای صادرات.

در تابستان ۱۳۴۴ من به مسکو رفتم و این به دنبال تفاهم و قراردادی بود که در تهران بسته بودیم و بر آن پایه توانستیم در عرض چند روز اقامتم در مسکو با وزیر بازرگانی آن کشور نیکلایی باتولیچف درباره یک قرارداد چند ساله پایه‌ای میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی به نتیجه برسیم و حجم معامله بین دو کشور را دلت بیریم و برای بار یک مقدار کالاهای ساخت ایران را در این قرارداد به عنوان کالاهای صادراتی آلمانی بشویم و اصولاً هیچ‌وقت نفهمیدم به چه دلیل این کار را منحصر کرده بودند به مذاکره با کروپ و به ایشان گفتم که در مسافرت‌هایی که من مثلاً به کشورهای اروپای شرقی کردم، هم چکسلواکی‌ها و هم روس‌ها را علاقمند به ایجاد ذوب‌آهن در ایران دیدم و بخصوص شوروی در هندوستان هم همین کار را انجام داده. ایشان از من پرسیدند که اگر ما بخواهیم با شوروی این کار را بکنیم با چه مشکلی ممکن است روبه‌رو بشویم؟ من به عرضشان رساندم که تنها مشکلی که ممکن است ما با آن روبه‌رو بشویم این است که اگر کارخانه را درست کردند بعد رابطه ما با آن‌ها به دلیلی تیره شد کاملاً آنها سابقه این را دارند که جلوی فروش لوازم یدکی به ایران را خواهند گرفت. البته در ذوب‌آهن لوازم یدکی به آن صورت شاید وجود نداشته باشد ولی به هر حال تا یک مقداری وابستگی هست. بعد در یکی از سفرهایی که برای تکفرانسی به اسیا کرده بودم با وزیر بازرگانی هند که مدت‌ها بود با یکدیگر دوست بودیم در این باره گفت‌وگو کردم و از او خواستم که اگر ما دست به کار صنعت ذوب‌آهن با همکاری روس‌ها شدیم و به هر دلیلی نیاز به لوازم یدکی داشتیم و امکان تهیه آن از شوروی فراهم نبود، آیا هندی‌ها حاضر به پشتیبانی از ما هستند یا نه؟ و او هم بلافاصله جواب مثبت داد و قول داد که دولت هندوستان کاملاً در این مورد در اختیار ایران خواهد بود.

من پس از این سفر جریان را به عرض اعلیحضرت رساندم و ایشان چندی بعد به شوروی سفر کردند و در آن سفر با مقامات آن کشور درباره کارخانه ذوب آهن مذاکره شد. یعنی خود روس‌ها هم این علاقه را نشان دادند. اعلیحضرت هم که آمادگی داشتند تأئید کردند و قرار شد که ما به روس‌ها گاز بفروشیم و آنها برای ما کارخانه ذوب‌آهن ایجاد بکنند و همچنین یک کارخانه ماشین‌سازی در اراک برای لـوازم فولادی حجیم یا سنگین به‌عنوان ورزش در آنجا بکنند.

به هرحال در دسامبر ۱۹۶۵ به همراه هیئت نسبتاً بزرگی که هفده، هیجده نفر بودند به روسیه رفتیم و حدود ۱۸ روز با روس‌ها و مذاکرات مفصلی با مقامات وزارت بازرگانی و کمیسیون همکاری فنی با کشورهای خارجه کردیم. و همچنین با وزارت گاز و شوروی و موفق شدیم که هم قرارداد ذوب‌آهن و هم قرارداد گاز و ماشین‌سازی را به امضاء برسانیم. از آن به بعد ما متعهد بودیم سالی ۱۰ میلیارد مکعب گاز به شوروی بدهیم و فکر کردیم یک شاه‌لوله بزرگ گاز به ظرفیت ۱۲ میلیارد مکعب در سال ایجاد بکنیم که چهار میلیارد مصرف داخلی داشته باشد، ۱۰میلیارد هم برای صادرات.

در تابستان ۱۳۴۴ من به مسکو رفتم و این به دنبال تفاهم و قراردادی بود که در تهران بسته بودیم و بر آن پایه توانستیم در عرض چند روز اقامتم در مسکو با وزیر بازرگانی آن کشور نیکلایی باتولیچف درباره یک قرارداد چند ساله پایه‌ای میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی به نتیجه برسیم و حجم معامله بین دو کشور را دلت بیریم و برای بار یک مقدار کالاهای ساخت ایران را در این قرارداد به عنوان کالاهای صادراتی خودمان ذکر بکنیم و این مقدمه‌ای شد برای فعالیت‌های بعدی ما با کشورهای بلوک شرق.

من خیلی اعتقاد داشتم که ما می‌باید در آن بازار کشورهای سوسیالیستی برای گسترش صادرات صنعتی خودمان استفاده بکنیم و وقتی نخوه صادرات به آن بازارها را که نسبتاً آسان‌تر بود یاد گرفتیم آن وقت به‌سوی بازارهای کشورهای غربی رواله بشویم و به همین دلیل یک پس از دیگری با کشورهای شرقی قراردادهای بازرگانی تازه‌تری منعقد کردیم و با همه اینها هم یک کمیسیون مختلف تشکیل دادیم که یک بار در ایران تشکیل می‌شد و یک بار در این کشور. به این ترتیب حجم معاملات ما با رومانی، مجارستان، چکسلواکی و لهستان و همچنین اتحاد جماهیر شوروی و بلغارستان توسعه خیلی زیادی پیدا کرد.»

۴ چرا آذربایجان؟

حالا یک سوال این است که چطور شد که آذربایجان و تبریز برای این کار انتخاب شد؟

«ما آمدیم در وزارت اقتصاد برای مناطق مختلف کشور یک شرایطی را برای سرمایه‌گذاری بکنند و واقعاً هم همه ما را تشویق کرد و به همه هم تبریک گفت و ترتیبی داد که رادیوی تبریز این موضوع را خیلی با سروصدا منتشر کند. بعد هم جریان را به عرض اعلیحضرت رساند. اعلیحضرت هم از این کار خیلی خوششان آمد و بعد فکر میکردند که این کاری است که خیلی ساده و اتوماتیک برای هر جایی می‌شود انجام داد و فوری دستور دادند که از این پس به هر شهرستانی می‌رویید امکانات توسعه صنعتی ایجاد کنید تا شهرتان تهیه بکنید در صورتی که در این لطف دولت هندوستان کاملاً در این مورد در اختیار ایران خواهد بود.

من پس از این سفر جریان را به عرض اعلیحضرت رساندم و ایشان چندی بعد به شوروی سفر کردند و در آن سفر با مقامات آن کشور درباره کارخانه ذوب آهن مذاکره شد. یعنی خود روس‌ها هم این علاقه را نشان دادند. اعلیحضرت هم که آمادگی داشتند تأئید کردند و قرار شد که ما به روس‌ها گاز بفروشیم و آنها برای ما کارخانه ذوب‌آهن ایجاد بکنند و همچنین یک کارخانه ماشین‌سازی در اراک برای لـوازم فولادی حجیم یا سنگین به‌عنوان ورزش در آنجا بکنند.

به هرحال در دسامبر ۱۹۶۵ به همراه هیئت نسبتاً بزرگی که هفده، هیجده نفر بودند به روسیه رفتیم و حدود ۱۸ روز با روس‌ها و مذاکرات مفصلی با مقامات وزارت بازرگانی و کمیسیون همکاری فنی با کشورهای خارجه کردیم. و همچنین با وزارت گاز و شوروی و موفق شدیم که هم قرارداد ذوب‌آهن و هم قرارداد گاز و ماشین‌سازی را به امضاء برسانیم. از آن به بعد ما متعهد بودیم سالی ۱۰ میلیارد مکعب گاز به شوروی بدهیم و فکر کردیم یک شاه‌لوله بزرگ گاز به ظرفیت ۱۲ میلیارد مکعب در سال ایجاد بکنیم که چهار میلیارد مصرف داخلی داشته باشد، ۱۰میلیارد هم برای صادرات.

در تابستان ۱۳۴۴ من به مسکو رفتم و این به دنبال تفاهم و قراردادی بود که در تهران بسته بودیم و بر آن پایه توانستیم در عرض چند روز اقامتم در مسکو با وزیر بازرگانی آن کشور نیکلایی باتولیچف درباره یک قرارداد چند ساله پایه‌ای میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی به نتیجه برسیم و حجم معامله بین دو کشور را دلت بیریم و برای بار یک مقدار کالاهای ساخت ایران را در این قرارداد به عنوان کالاهای صادراتی

۵ تاسیس کارخانه

به این ترتیب بعد از همکاری با روس‌ها در ساخت ذوب‌آهن و امضای قرارداد احداث کارخانه ماشین‌سازی تبریز با چکسلواکی محمدرضا پهلوی به کشور رومانی سفر کرد و با رییس جمهور این کشور قراردادی برای ساخت یک کارخانه تراکتورسازی در شهر تبریز امضا کرد.

در همان تابستان ۱۳۴۴ که هویدا به سر کار آمده بود من ترتیبی دادم که هیئت دولت وجود من سفری به آن نقاط بکنیم. خاطرم نیست که در سال ۴۴ بود یا در سال ۴۵، ولی به هر حال تابستان پیش از آن من با یگانه و یکی از مهندسان وزارت اقتصاد به آذربایجان رفته بودم و مطالعاتی درباره وضع منطقه کردیم. بله، در ۱۳۴۳ بود یعنی در دولت منصور که من این مسافرت را به آذربایجان شرقی و غربی را کردم و یک امکاناتی را پیدا کردیم و به دنبال آن یک گروه مهندسی و اقتصاددان فرستادیم که طرح‌های دقیق‌تری را برای ما تهیه بکنند و گزارش جامعی دستمان بیاید و بر این اساس برای اولین بار وزارت اقتصاد توانست یک نشریه‌ای منتشر کند بنام امکانات سرمایه‌گذاری صنعتی در آذربایجان شرقی و غربی و چون منطقه را هم خوب با آن آشنا شده بودم، به هویدا پیشنهاد کردم که همه هیئت وزیران سفری به آذربایجان بکنند و او هم از من درخواست کرد که مسیر مسافرت هیئت وزیران را تعیین بکنم که این کار را من کردم و او هم تصویب کرد. به این ترتیب در تابستان ۱۳۴۴ هیئت وزیران رهسپار، با تن، رهسپار آذربایجان شدند.

در همان آذربایجان وقتی ما این نسخه‌های امکانات توسعه اقتصادی آذربایجان را پخش کردیم هویدا خوب توانست از این کار بهره‌برداری بکند و واقعاً هم همه ما را تشویق کرد و به همه هم تبریک گفت و ترتیبی داد که رادیوی تبریز این موضوع را خیلی با سروصدا منتشر کند. بعد هم جریان را به عرض اعلیحضرت رساند. اعلیحضرت هم از این کار خیلی خوششان آمد و بعد فکر میکردند که این کاری است که خیلی ساده و اتوماتیک برای هر جایی می‌شود انجام داد و فوری دستور دادند که از این پس به هر شهرستانی می‌روید امکانات توسعه صنعتی ایجاد کنید تا شهرتان تهیه بکنید در صورتی که در این لطف دولت هندوستان کاملاً در این مورد در اختیار ایران خواهد بود.

من پس از این سفر جریان را به عرض اعلیحضرت رساندم و ایشان چندی بعد به شوروی سفر کردند و در آن سفر با مقامات آن کشور درباره کارخانه ذوب آهن مذاکره شد. یعنی خود روس‌ها هم این علاقه را نشان دادند. اعلیحضرت هم که آمادگی داشتند تأئید کردند و قرار شد که ما به روس‌ها گاز بفروشیم و آنها برای ما کارخانه ذوب‌آهن ایجاد بکنند و همچنین یک کارخانه ماشین‌سازی در اراک برای لـوازم فولادی حجیم یا سنگین به‌عنوان ورزش در آنجا بکنند.

به هرحال در دسامبر ۱۹۶۵ به همراه هیئت نسبتاً بزرگی که هفده، هیجده نفر بودند به روسیه رفتیم و حدود ۱۸ روز با روس‌ها و مذاکرات مفصلی با مقامات وزارت بازرگانی و کمیسیون همکاری فنی با کشورهای خارجه کردیم. و همچنین با وزارت گاز و شوروی و موفق شدیم که هم قرارداد ذوب‌آهن و هم قرارداد گاز و ماشین‌سازی را به امضاء برسانیم. از آن به بعد ما متعهد بودیم سالی ۱۰ میلیارد مکعب گاز به شوروی بدهیم و فکر کردیم یک شاه‌لوله بزرگ گاز به ظرفیت ۱۲ میلیارد مکعب در سال ایجاد بکنیم که چهار میلیارد مصرف داخلی داشته باشد، ۱۰میلیارد هم برای صادرات.

در تابستان ۱۳۴۴ من به مسکو رفتم و این به دنبال تفاهم و قراردادی بود که در تهران بسته بودیم و بر آن پایه توانستیم در عرض چند روز اقامتم در مسکو با وزیر بازرگانی آن کشور نیکلایی باتولیچف درباره یک قرارداد چند ساله پایه‌ای میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی به نتیجه برسیم و حجم معامله بین دو کشور را دلت بیریم و برای بار یک مقدار کالاهای ساخت ایران را در این قرارداد به عنوان کالاهای صادراتی

پرشورها در حسرت قهرمانی

تراکتورسازی با انطور که در حال حاضر در نام رسمی این باشگاه آمده است؛ «تراکتور»، یک باشگاه فوتبال ۵۴ ساله است.

قبل از انقلاب، آن‌ها تجربه سه حضور در سطح اول فوتبال ایران موسوم به جام تخت جمشید را داشتند. در سال‌های ۱۳۵۴، ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، سال ۱۳۵۴ رتبه آخر را کسب کردند و به دسته پایین‌تر سقوط کردند، در سال ۱۳۵۶ پنجم شدند و در سال ۵۷ با پیش از وقوع انقلاب، در جایگاه نهم جدول بودند.

در سال ۱۳۵۶ این تیم در جام حذفی این هم خاطر شود به فینال هم رسید ولی بازی پایانی را به ملوان واگذار کرد. سال‌های ۱۳۵۷ بود که در آن سرمربی تراکتور حسین فکری بود و بازیکنانی چون پرویز مظلومی، عباس کارگر و ابراهیم کیان‌طهماسبی در این تیم بازی می‌کردند.

در دهه ۶۰ ظهور و بروزی نداشت تا اینکه در سال‌های پایانی دهه ۶۰ واسیلی کوجا مربی اهل رومانی به تراکتور آمد، تیم‌های پایه تراکتور را زیر نظر گرفت و به کارهای بنیانی پرداخت. تراکتور متحول شد و دوران موفقی را گذراند. آنان در لیگ آزادگان ۱۳۷۱ در گروه یک بالاتر از استقلال و کشاورز اول شدند، اما در پلی‌آف با باخت به پاس تهران، به مقام سوم رسیدند. در این سالیان ارنست میندرنوب، فرشاد پیوس، احمد شجاعی از مربیان پایه بودند. سرانجام تراکتورسازی در لیگ ۸۸-۸۷ با مربیگری فرزاد کمالوند به لیگ برتر صعود کرد.

عکس: تیم تراکتور سال ۱۳۵۴

باقری، سیروس دین‌محمدی و حسین خطیبی حضور داشتند. اسماعیل حلالی و علی باغمیشه نیز از آن تیم به تیم ملی فوتبال ایران راه یافتند. تراکتور در سال ۱۳۷۳ با باخت به یهمن جام حذفی، برای بار دوم در این جام بود.

در سال ۱۳۷۵ این تیم در جام حذفی این هم خاطر شود به فینال هم رسید ولی بازی پایانی را به ملوان واگذار کرد. سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ آخر شد و آن سرمربی تراکتور حسین فکری بود و بازیکنانی چون پرویز مظلومی، عباس کارگر و ابراهیم کیان‌طهماسبی در این تیم بازی می‌کردند.

در دهه ۶۰ ظهور و بروزی نداشت تا اینکه در سال‌های پایانی دهه ۶۰ واسیلی کوجا مربی اهل رومانی به تراکتور آمد، تیم‌های پایه تراکتور را زیر نظر گرفت و به کارهای بنیانی پرداخت. تراکتور متحول شد و دوران موفقی را گذراند. آنان در لیگ آزادگان ۱۳۷۱ در گروه یک بالاتر از استقلال و کشاورز اول شدند، اما در پلی‌آف با باخت به پاس تهران، به مقام سوم رسیدند. در این تیم که بهترین نتیجه تراکتور در لیگ تا آن روز را به دست آورد؛ احمد شجاعی‌راد به عنوان کاپیتان تیم، کریم مدیرعامل تراکتورسازی تبریز یعنی غلامحسین قولادیون، امضای قرارداد احداث کارخانه ماشین‌سازی تبریز با چکسلواکی محمدرضا پهلوی به کشور رومانی سفر کرد و با رییس جمهور این کشور قراردادی برای ساخت یک کارخانه تراکتورسازی در شهر تبریز امضا کرد.

در همان تابستان ۱۳۴۴ که هویدا به سر کار آمده بود من ترتیبی دادم که هیئت دولت وجود من سفری به آن نقاط بکنیم. خاطرم نیست که در سال ۴۴ بود یا در سال ۴۵، ولی به هر حال تابستان پیش از آن من با یگانه و یکی از مهندسان وزارت اقتصاد به آذربایجان رفته بودم و مطالعاتی درباره وضع منطقه کردیم. بله، در ۱۳۴۳ بود یعنی در دولت منصور که من این مسافرت را به آذربایجان شرقی و غربی را کردم و یک امکاناتی را پیدا کردیم و به دنبال آن یک گروه مهندسی و اقتصاددان فرستادیم که طرح‌های دقیق‌تری را برای ما تهیه بکنند و گزارش جامعی دستمان بیاید و بر این اساس برای اولین بار وزارت اقتصاد توانست یک نشریه‌ای منتشر کند بنام امکانات سرمایه‌گذاری صنعتی در آذربایجان شرقی و غربی و چون منطقه را هم خوب با آن آشنا شده بودم، به هویدا پیشنهاد کردم که همه هیئت وزیران سفری به آذربایجان بکنند و او هم از من درخواست کرد که مسیر مسافرت هیئت وزیران را تعیین بکنم که این کار را من کردم و او هم تصویب کرد. به این ترتیب در تابستان ۱۳۴۴ هیئت وزیران رهسپار، با تن، رهسپار آذربایجان شدند.

در همان آذربایجان وقتی ما این نسخه‌های امکانات توسعه اقتصادی آذربایجان را پخش کردیم هویدا خوب توانست از این کار بهره‌برداری بکند و واقعاً هم همه ما را تشویق کرد و به همه هم تبریک گفت و ترتیبی داد که رادیوی تبریز این موضوع را خیلی با سروصدا منتشر کند. بعد هم جریان را به عرض اعلیحضرت رساند. اعلیحضرت هم از این کار خیلی خوششان آمد و بعد فکر میکردند که این کاری است که خیلی ساده و اتوماتیک برای هر جایی می‌شود انجام داد و فوری دستور دادند که از این پس به هر شهرستانی می‌روید امکانات توسعه صنعتی ایجاد کنید تا شهرتان تهیه بکنید در صورتی که در این لطف دولت هندوستان کاملاً در این مورد در اختیار ایران خواهد بود.

من پس از این سفر جریان را به عرض اعلیحضرت رساندم و ایشان چندی بعد به شوروی سفر کردند و در آن سفر با مقامات آن کشور درباره کارخانه ذوب آهن مذاکره شد. یعنی خود روس‌ها هم این علاقه را نشان دادند. اعلیحضرت هم که آمادگی داشتند تأئید کردند و قرار شد که ما به روس‌ها گاز بفروشیم و آنها برای ما کارخانه ذوب‌آهن ایجاد بکنند و همچنین یک کارخانه ماشین‌سازی در اراک برای لـوازم فولادی حجیم یا سنگین به‌عنوان ورزش در آنجا بکنند.

به هرحال در دسامبر ۱۹۶۵ به همراه هیئت نسبتاً بزرگی که هفده، هیجده نفر بودند به روسیه رفتیم و حدود ۱۸ روز با روس‌ها و مذاکرات مفصلی با مقامات وزارت بازرگانی و کمیسیون همکاری فنی با کشورهای خارجه کردیم. و همچنین با وزارت گاز و شوروی و موفق شدیم که هم قرارداد ذوب‌آهن و هم قرارداد گاز و ماشین‌سازی را به امضاء برسانیم. از آن به بعد ما متعهد بودیم سالی ۱۰ میلیارد مکعب گاز به شوروی بدهیم و فکر کردیم یک شاه‌لوله بزرگ گاز به ظرفیت ۱۲ میلیارد مکعب در سال ایجاد بکنیم که چهار میلیارد مصرف داخلی داشته باشد، ۱۰میلیارد هم برای صادرات.

در تابستان ۱۳۴۴ من به مسکو رفتم و این به دنبال تفاهم و قراردادی بود که در تهران بسته بودیم و بر آن پایه توانستیم در عرض چند روز اقامتم در مسکو با وزیر بازرگانی آن کشور نیکلایی باتولیچف درباره یک قرارداد چند ساله پایه‌ای میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی به نتیجه برسیم و حجم معامله بین دو کشور را دلت بیریم و برای بار یک مقدار کالاهای ساخت ایران را در این قرارداد به عنوان کالاهای صادراتی

در آن سال یک تغییر مالکیت در شرکت تراکتورسازی اتفاق افتاد و یکی از اموال شرکت‌های زیرمجموعه سپاه شد. تا سال ۱۳۹۶ که مدیریت این باشگاه با سپاه عاشورای آذربایجان بود و حتی باشگاه می‌توانست از بازیکنان سربراز استفاده کند، تراکتورسازی به رسا تایپ قهرمان لیگ برتر در لیگ‌های ۹۱-۱۳۹۰، ۹۲-۱۳۹۱، ۹۴-۱۳۹۳، شد و در فصل ۹۳ یک بار هم قهرمان جام حذفی شد.

بعد از شروع مالکیت محمدرضا زنوزی مطلق، سرمربه‌دار تبریزی در سال ۱۳۹۶، باشگاه یک بار توانسته قهرمان جام حذفی شود و یک بار هم رتبه سوم لیگ برتر را به دست بیاورد ولی هنوز بزرگ‌ترین ناکامی تراک

نکته بازی

عالیشاه هم جوان شد، هم عقبه ملی پیدا کرد!

امیر قلعه‌نویی سرمربی تیم ملی دیروز در حاشـــیه یک بازی خیریه، مصاحبه‌ای کرد که مثل همه مصاحبه‌های قبلی‌اش، نکات جالب و عجیبی داشت. او درباره جوانگرایی در تیم ملی گفت: «ما که از گواردیولا بالاتر نیستیم. او در بازی منچسترسیتی و چلسی از بازیکنان جدید استفاده کرد، اما روز گذشته خودش گفت اشتباه کردم.» واقعا اگر خوسانوف ۲۰ ساله ازبک، در اولین بازی خود در لیگ برتر انگلستان برای منچسترسیتی آن هم مقابل چلسی، مرتکب اشتباه نمی‌شد، سرمربی تیم ملی چه حرفی برای گفتن داشت؟ البته که ایشان شکسته‌نفسی می‌کند و شاید از گواردیولا هم بالاتر باشد اما آیا بازی دادن به جوان ۲۰ ســـاله ازبکستانی در لیگ برتر، مقابل چلســـی، با بازی دادن به بازیکنان جوان‌تر در تیم ملی ایران مقابل امثال کره شمالی و قرقیزستان، یکی است؟ اصلا کسی از قلعه‌نویی خواسته که به بازیکنان ۲۰ ساله میدان دهد؟ باور کنید اگر او میانگین سنی تیم ملی را از ۳۰ و ۲۹ کمی پایین‌تر بیاورد، منتقدانش راضی خواهند بود و از ساختن مجسمه‌اش استقبال هم خواهند کرد! او در این مصاحبه درباره نفرات تیم ملی هم گفت: «امید عالیشاه واقعا خوب بازی می‌کند. از نظر من شاید جزو تنها بازیکن ایران باشد که طولی به تیم برتری عددی می‌دهد. یعنی با دریبل‌های خود در طول کار خیلی مهمی انجام می‌دهد، اما برخی مسائل مثل سن بالایش نیز در دعوت نشدنش دخیل است. شاید حتی با این وجود، او را به تیم ملی دعوت کنیم.» این درحالی است که ژنرال ۷ ماه پیش در باره همین بازیکن گفته بود: «عالیشاه با توجه به اینکه شرایط سنی‌اش بالا بود و عقبه ملی هم نداشت، ما دعوت نکردیم.» الان واقعا نمی‌دانیم عالیشاه جوان‌تر شده یا عقبه ملی پیدا کرده است! توضیح می‌دهید استاد؟

اعتراض به توهین نژادی با پرچم ژاپن!

همان‌طور که پیش‌بینی کرده بودیم، بازی پرسپولیس و تراکتور با جنجال‌های زیادی همراه بود که ممکن است باعث جرائمی برای هر دو باشگاه شـــود. از هر دو طرف، ویدئوها و تصاویر زیادی منتشر شـــده که نشان‌دهنده سهم هر دو باشگاه در درگیری‌ها و خسارات وارده به ورزشگاه است اما در یک اتفاق قابل پیش‌بینی دیگر، تراکتور درباره اتفاقات این بازی بیانیه صادر کرد و پرسپولیس هم این بیانیه را بی‌پاســـخ نگذاشت. در بخشی از بیانیه تراکتور آمده: «شاهد انواع توهین به اعضای تیم تراکتور، پرتاب اشیاء و اهانت‌های نژادی و قومیتی از سوی هواداران تیم میزبان و بی‌نظمی و بی‌اخلاقی از سوی برخی مسئولان تیم میزبان و عوامل برگزاری مسابقه بودیم.» منکر توهین هواداران پرسپولیس به هواداران تیم تراکتور نیستیم اما جالب نیست که تیمی از اهانت‌های نژادی و قومیتی گلایه می‌کند که هوادارانش هنوز هم پرچم ژاپن و ترکیه به ورزشـــگاه‌ها می‌برند؟ در بخش دیگری از این بیانیه آمده: «هواداران تیم میزبان ۹۰ دقیقه توهین نژادی و قومیتی کرده و علیه بازیکنان تراکتور فحاشـــی کردند. همچنین شاهد انداختن لیزر و پرتاب اشیاء به زمین مسابقه بودیم که داور مسابقه در چنین شرایطی باید بازی را متوقف می‌کرد.» شما را ارجاع می‌دهیم به بازی تراکتور و سپاهان در دو فصل پیش که رکورد انداختن لیزر در یک مسابقه توسط هواداران تراکتور شکسته شد. همچنین به بازی تراکتور و پرسپولیس در تبریز که به دلیل سنگ انداختن هواداران میزبان نیمه‌تمام ماند و ۳ بر صفر به سود پرسپولیس اعلام شد. روز دوشنبه قطعا پرسپولیسی‌ها هم در اتفاقات مقصر بودند و به خاطر فحاشی‌های زیاد به بیرانوند و خانواده‌اش، باید جریمه شوند اما در عصر ارتباطات، این که یک طرف ماجرا مظلوم‌نمایی کند و خودش را بی‌گناه نشان دهد، اصلا شدنی نیست.

اولین آزمون کارتال اولین بازی پساموسیمانه

امروز و فردا استقلال و پرسپولیس در شرایطی متفاوت با هفته‌های گذشته به مصاف حریفان‌شان می‌روند

نادر نامدار | تکلیف نیمکت پرسپولیس مشخص شد و این تیم فردا با هدایت اسماعیل کارتال مقابل فولاد قرار می‌گیرد. استقلال هم با موسیمانه به بن‌بست رسید و امروز باز هم با سرمربی موقت به مصاف حریف خواهد رفت. شرایط دو تیم و سوژه‌های جذاب این دو بازی را بررسی می‌کنیم.

استقلال و این همه ابهام

دوران موسیمانه در اســـتقلال خیلی زود و ناگهانی به پایان رسید. او در مقطعی باعث خوشبینی هواداران استقلال شد اما در نهایت نتوانســـت این تیم را از وضعیت بحرانی خارج کنـــد و در نهایت قراردادش را یکطرفه فســـخ کرد و به بهانه دریافت نکـــردن مطالباتش از ایران رفت. قرار اســـت امروز سهراب بختیاری‌زاده به عنوان سرمربی موقت روی نیمکت استقلال بنشـــیند. او البته در بازی با ذوب‌آهن هم سرمربی اســـتقلال بود و باخت ۳ بر صفر در آن بازی، هواداران را از او عصبانی کرد. حریف امروز اســـتقلال، تیم همنام خوزستانی اســـت. همان تیمی که اولین شکســـت فصل را به استقلال تحمیل و اولیـــن زمزمه‌ها بـــرای برکناری جـــواد نکونام را آغاز کرد.

ماجرای بیفوما و کاکوتا عوض شد

وقتی تیوی بیفوما به استقلال خوزستان پیوست و درخشید، در برنامه فوتبال برتر اعتراف کرد که فکر می‌کرد قرار اســـت به اســـتقلال تهران بپیوندد و مقابل النصر و کریس رونالدو بازی کند! اما گائل کاکوتا بـــه او گفته بود که به تیمی همنام اما کوچک‌تر پیوســـته که دفاعی‌تر بازی می‌کند! حالا که به بازی برگشت دو تیم رسیده‌ایم، استقلال خوزستانِ کوچک و دفاعی، با یک امتیاز بیشتر از استقلال در رده نهم ایستاده و استقلال در رده یازدهم قرار دارد.

شهباززاده روی دور گلزنی

یکی از اتفاقات جالـــب قبل از تقابل دو تیم، افتادن ســـجاد شهباززاده روی دور گلزنی است. مهاجم استقلال خوزستان در نیم‌فصل اول حتی یک گل هم نزده بود و شـــایعه شـــده بود که از ایـــن تیم جدا خواهد شـــد اما مانـــد و حالا در هر دو بازی دور برگشـــت موفق به گلزنی شـــده اســـت. نکته مهم اینکه پـــاس هـــر دو گل را بیفوما داده کـــه زننده گل پیروزی‌بخش تیمش در بازی رفت بود. این آمادگی دو بازیکن هجومی استقلال خوزســـتان زنگ خطری برای استقلال و مدافعانش است.

ترکیب نامشخص استقلال

در اســـتقلال همه چیز مبهم اســـت! با رفتن موســـیمانه، مسئولیت فنی فعلا با ســـهراب بختیاری‌زاده است. جدایی چند بازیکن و جذب چند مهره جدید، باعث شـــده تا حدس زدن ترکیب اصلی استقلال در چند پست سخت باشد. یکی دو مصدوم استقلال هم به شرایط بازی برگشته‌اند و همین نشان می‌دهد که باید منتظر یک ترکیب متفاوت از استقلال باشیم.

کارتال و یک پرسپولیس با روحیه

در حالی که با شکست در سوپرجام و تساوی با ذوب‌آهن، به نظر می‌رسید سرمربی جدید پرسپولیس، شروع دشواری در پیش داشته باشـــد اما پیروزی شیرین بر تراکتور صدرنشین شـــرایط را برای او تغییر داد. او حالا با تیمی با روحیه و آماده سر و کار دارد و آنقدر خوشحال است که وعده قهرمانی را هم به هواداران داده است.

تقابل سخت با یحیی

اما اســـماعیل کارتال خیلی هم خوش‌شـــانس نیست. او در اولین بازی، باید با تیمش مقابل فولاد رده ســـومی به میدان برود. تیمی که با یحیی گل‌محمدی فراتر از تصور ظاهر شده و یک امتیاز از پرسپولیس بیشتر و یک امتیاز از تراکتور کمتر گرفته است. بازی با چنین تیمی آن هم در خانه حریف اصلا کار آسانی نیســـت. به ویژه اینکه فولاد حسابی روی دور هم هســـت و در هفته‌های اخیر نتایج بهتری هم گرفته اســـت. قطعا پرسپولیس و کارتال ترجیح می‌دادند با تیمی ضعیف‌تر روبه‌رو شـــوند اما آنهـــا مجبورند مقابل فـــولاد و یحیی قرار بگیرند. فراموش نکنید که یحیی یکی از گزینه‌های جانشینی گاریدو هم بود.

بلانکوی آماده

بدون شـــک چهره جذاب فولاد در بازی مقابل پرسپولیس کسی نیست جز گوستاوو بلانکو! مهاجم آرژانتینی که در نیم فصل اول بازیکن اســـتقلال بود و فقط موفق به زدن یک گل شـــده بود، در اولین بازی‌اش برای فولاد، کمتر از یک دقیقه بعد از ورودش به زمین گلزنی کرد و چند دقیقه بعد هم گل دوم خودش و سوم تیمش را زد و باعث پیروزی فولاد بر مس رفسنجان شـــد. او حالا مقابل پرســـپولیس هم این فرصت را پیدا خواهد کرد که شانســـش را برای درخشش و گلزنی امتحان کند.

فرصت دلبری از کارتال

در پرسپولیس، علی علیپور و عیسی آل‌کثیر به دنبال گلزنی دوباره هستند. این دو مقابل خیبر خرم‌آباد و هوادار گل زدند و به نظر می‌رسید روی دور گلزنی افتاده‌اند اما در ۳ بازی بعدی مقابل ســـپاهان، ذوب‌آهن و تراکتور خبری از گلزنی نبود. با توجه به اینکه احتمال جذب یک مهاجم خارجی در این تیم وجود دارد، گلزنی آنها می‌تواند باعث شـــود کارتال در ادامه بیشتر روی آنها حساب کند.

شرایط حساس جدول

پرسپولیس با پیروزی بر تراکتور، شـــروع خوبی در زمستان ســـخت پیش رویش داشـــت. بازی بـــا فولاد هـــم یکی از ســـخت‌ترین آزمون‌های این تیم اســـت کـــه در جدول هم حساســـیت زیادی دارد. باخت مقابل فولاد، پرســـپولیس را از مدعیان قهرمانی دور خواهد کرد امـــا پیروزی بر این تیم، سپاهان و تراکتور را نگران خواهد کرد. تساوی اما نتیجه‌ای اســـت که دو تیم اصفهانی و تبریزی را حســـابی خوشحال خواهد کرد.

گزارش

بیماری دوباره عود کرده منچستریونایتد

شیاطین سرخ باز هم دچار کرختی در فرایند نقل و انتقالات شده‌اند

در پنجره زمستانی و با وجود بحرانی‌تر شدن اوضاع برای منچســـتریونایتد در جـــدول رده‌بندی، باز هم شـــاهد عود کردن همان بیماری قدیمی هســـتیم؛ انفعال و بی‌رمقی در بازار نقل و انتقالات! این تیم به تقویت و تغییر احتیـــاج دارد و اگر به موقع به چنین موضوع مهمی رسیدگی نشود، نمی‌توان از سرمربی هم انتظار ویژه‌ای برای نجات یونایتد داشت.

کرختی در بازار

خبری درباره یکـــی از گزینه‌های فـــروش یا خرید منچســـتریونایتد با نظر به بزرگی این باشگاه و حجم گســـترده هوادارانش تبدیل به تیتر یک رسانه‌های فوتبالی می‌شـــود. به عنوان مثال در مورد راشفورد از اولین روزهای پنجره زمســـتانی شـــاهد تیترهای برجســـته با نام او و با مضمون جدایـــی‌اش از اردوی شاگردان روبن آموریم بودیم. با این حال خبر انتقال راشفورد در حد همان تیتر باقی می‌ماند. تیتر برجسته روزهای نخســـت پنجره نقل و انتقـــالات به تدریج کوچک و کوچک‌تر هم می‌شود و در نهایت یک ستون کوتاه را در مورد ناکامی در انتقال به خودش اختصاص می‌دهد. آنها در مورد خریـــد بازیکنان مورد نظر هم همین‌طور عمل می‌کنند. مدت زیادی از فرصت خرید و فروش بازیکن در زمستان باقی نمانده و تمام تلاش یونایتد از نهایی کردن انتقال قرضی آنتونی فراتر نرفته است. بازیکنانی مثل راشـــفورد، کاسمیرو و گارناچو که با شایعه جدایی مواجه بودند هنوز به طور جدی به انتقال نزدیک نشده‌اند و تیترهای تکراری و روند فرسایشـــی فروش آنها باعث کندی باشگاه در مسیر خرید هم شده. این تیم هنوز موفق به حمایت از روبن آموریم برای تقویت ترکیبش نشده و مرد پرتغالی تازه به ابعاد گســـترده و پیچیده مشکلات هدایت باشگاه انگلیسی پی می‌برد. منچستر حتی در خرید یک دفاع چپ که از ملزومات تقویت ترکیبش به شمار می‌رود هم کاری از پیش نبرده و به جز چنـــد تیتر در چند نشریه و رسانه دستاوردی در این زمینه نداشته است.

قراردادهای سنگین

برخی معتقدند مشـــکل کرختی منچســـتر در بازار و فرسایشـــی بودن فرایند خریدن بازیکن برای این تیم ارتباط مســـتقیم با شـــیوه اداره گلیزرها پیش از روی کار آمدن راتکلیف به عنوان سهام‌دار باشگاه و تصمیم گیرنده در مورد مســـائل فنی دارد. تصمیم گیرندگان ســـابق برای ترکیب و نیمکت منچســـتر بـــا امضای قراردادهای مالی سنگین و رقم زدن دستمزدهای بزرگ برای بازیکنان قدیمی این تیم کار انتقال آنها به هر تیم دیگری را دشوار کرده‌اند. از طرفی یونایتد برای موازنه در هزینه‌ها و رعایت فیرپلی مالی ناگزیر است بازیکنانی را بفروشد تا بتواند برای خرید ستاره‌های جدید دست به کار شود. هنوز هیچ تیمی دستمزد سنگین مارکوس راشـــفورد را گردن نگرفته و مشتری‌های بزرگی مثل میلان و بارســـلونا یکی پس از دیگری بـــا دیدن رقم دستمزد این بازیکن از میز معامله عقب‌نشینی می‌کنند.

لزوم تحول

هر فـــردی روی نیمکـــت تیمی به بزرگـــی یونایتد می‌نشـــیند، یقینـــا ایده‌هایـــی برای پیـــاده کردن دارد که نیازمند نیروی انســـانی کافـــی و قابل قبول می‌باشـــد. آموریم هم از این قاعده مستثنی نیست و یقینا او هم نیاز دارد بازیکنان مـــورد نظرش را در اختیار داشـــته باشـــد تا بتواند روی قابلیت‌های آنها کاری از پیش ببرد و شـــرایط تیم را سامان ببخشد. خـــود او بارهـــا در کنفرانس‌هـــای مطبوعاتی اعلام کـــرده و با تاکیـــد می‌گویـــد قرار نیســـت تفکرش را در مورد شـــیوه هدایت تیم تغییر دهـــد. بنابراین آموریم و دســـتیارانش هم منتظـــر رفتن مهره‌های غیر قابل کاربرد در سیســـتم بـــازی جدید و جذب ســـتاره‌هایی کارآمـــد بـــرای تاکتیک‌هـــای جدید هستند.

اگر اوضاع به همین منوال باشد و بیماری دوباره عود کرده منچستر دست ســـرمربی دیگری را هم خالی بگذارد، بعید نیست وضعیت نگران کننده‌تری از نتایج را در مورد پرافتخارترین تیم تاریخ لیگ برتر انگلیس شاهد باشـــیم. آنها در همین پنجره باید دستکم یک دفاع چپ و یک مهاجم گلـــزن را در اختیار آموریم قرار دهند و هنوز چیزی به جز شـــایعات نصیب مرد پرتغالی نشده است. در صورت عدم موفقیت در جذب ستاره‌های مورد نظر، آموریم هم با بن‌بست تاکتیکی مواجه خواهد شد و اوضاع منچستر با تغییر سرمربی هم بهبود نمی‌یابد.

سوژه روز

نسخه ترکیه‌ای-آلمانی ژوائو در راه تهران؟

فهرست بازیکنان پرسپولیس یک جای خالی تا پیش از انتخاب اسماعیل کارتال داشت اما نکته مهم آنکه سهمیه بازیکنان خارجی پرسپولیس پُر بود و از قضا، خواسته کارتال هم جذب یک مهاجم خارجی جدید بود و همین مسئله باعث شد تا مدیران باشگاه پرسپولیس پیگیر فسخ قرارداد لوکاس ژوائو شوند. هر چند که به صورت شفاف از جانب باشگاه پرسپولیس اعلام نشده اما گفته می‌شود که در واپسین ساعات روز دوشنبه هشتم بهمن‌ماه که آخرین روز فعالیت پنجره زمستانی بود، قرارداد ژوائو به صورت یک‌طرفه از جانب باشگاه پرسپولیس فسخ شده تا جای خالی برای جذب بازیکن خارجی جدید ایجاد شود.

مهاجم بلندقامت دورگه با صفر گل و پاس گل در فصل جدید!

سردار دورسون، گزینه معرفی‌شده از سوی اسماعیل کارتال است؛ مهاجم بلندقامت و ۱۹۰ سانتی‌متری آلمانی-ترکیه‌ای که آلانیا اسپور، آخرین تیم دوران حرفه‌ای او محسوب می‌شود. مهاجم ۳۳ ساله تجربه ۱۵ بازی در این فصل از رقابت‌های فوتبال باشگاهی ترکیه را دارد اما هیچ گلی در کارنامه او دیده نمی‌شود و حتی در نقش گل‌ساز هم نتوانسته موفق عمل کند تا فصل خوبی را در تیم ترکیه‌ای نگذراند و با کارنامه‌ای ناموفق در مسیر پیوستن به پرسپولیس باشد.

۱۴ گل در ۳ فصل؛ آماری که امیدوارکننده نیست

دورسون فصل گذشته عضوی از تیم فنرباغچه بود و در نقش شاگرد اسماعیل کارتال کارش را پیش برد که در ۳۵ بازی باشگاهی توانست ۹ گل بزند و ۲ بار هم در نقش گل‌ساز در ترکیب تیمش موفق عمل کرد. در فصل ۲۳-۲۰۲۲ هم ۴ گل و تاثیرگذاری روی ۵ گل در کارنامه سردار دورسون در ۲۶ بازی برای فنرباغچه دیده می‌شود تا او در ۳ فصل اخیر حضورش در فوتبال باشگاهی ترکیه، در ۷۶ بازی، ۱۴ گل زده باشد و تاثیرگذاری روی ۷ گل هم در کارنامه دورسون به چشم می‌آید.

امیدوار به تکرار خاطرات خوش دارمشتات در پرسپولیس

مهاجم دورگه مدنظر سرخ‌پوشان پایتخت بیشترین بازی خود را در دارمشتات آلمان انجام داده که در ۱۰۷ بازی توانسته ۵۹ گل بزند. او همچنین در عرصه ملی، تجربه انجام ۱۰ بازی برای تیم ملی ترکیه را دارد و دروازه تیم‌های ملی لتونی، جبل‌الطارق، ایتالیا، جزایرفارو، لیتوانی و لوکزامبورگ را توانسته باز کند که البته این مهاجم ۳۳ ساله در ۳ سال اخیر، عضوی از تیم ملی ترکیه نبوده و باید دید در صورت نهایی‌شدن انتقال او به پرسپولیس، آیا این مهاجم می‌تواند انتظارات را برآورده کند یا نسخه دیگری از بازیکنانی نظیر لوکاس ژوائو و نبیل باهویی در جمع سرخ‌پوشان پایتخت حضور پیدا می‌کند و نام سردار دورسون به صف مهاجمان ناکام پرسپولیس اضافه می‌شود.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

رودری همه را در سیتی غافلگیر کرد

همه‌چیز در مورد روند بهبودی رودری هرناندز پس از عمل جراحی مربوط به پارگی رباط صلیبی مثبت است. برنده توپ طلا در سیتی یک گام بزرگ دیگر برداشته و تمرینات روی چمن را آغاز کرده است. این هفته او تمرینات خود را بر روی چمن کمپ ورزشی سیتی آغاز کرد که بدون شک پیشرفت بزرگی در روند بهبودی‌اش به حســـاب می‌آید. علاوه بر جلســـات طولانی توانبخشی و تمرینات در باشگاه، رودری اکنون شـــروع به کار روی چمن کرده است. در حین تمرینات میدانی، او با یک بانداژ که زخم روی زانویش را پوشانده بود، دیده شد. با این حال، رودری دارای تحرک خوبی در زانویش است که به او این امکان را می‌دهد تا حداقل تمرینات پایه‌ای را انجام دهد. هدف رودری پس از اینکه در برابر آرسنال در اوایل فصل رباط صلیبی‌اش آسیب دید، بازگشـــت به میادین قبل از پایان فصل است. خود بازیکن در مصاحبه‌ای با آاس روی این موضوع تاکید کرد. لیگ ملت‌های اروپا با اسپانیا و جام باشگاه‌های جهان با ســـیتی، دو چالش بزرگ او هستند. با توجه به روند بهبودی‌اش، ممکن است حتی قبل از موعد مقرر نیز به میدان بازگردد.

جنگ چلسی و لیورپول بر سر ستاره دورتموند

کریم آدیمی یکی از ستاره‌های حاضر در ترکیب بروسیا دورتموند در چند فصل اخیر بوده و عملکرد درخشان این بازیکن توجه بسیاری از باشگاه‌های بزرگ اروپایی را به خود جلب کرده است. رسانه‌های ایتالیایی پیش از این خبر داده بودند که ناپولی به صورت جدی مذاکرات برای جذب این بازیکن را آغاز کرده است. خویچا کواراتسخلیا در پنجره نقل و انتقالات زمستانی در ماه ژانویه سال جدید میلادی تصمیم گرفت ناپولی را ترک کند و راهی پاری سن ژرمن شد و مدیران این باشگاه در تلاش هستند که جانشینی را برای او به خدمت بگیرند. حالا کوریره دلو اسپورت مدعی شده است که مدیر برنامه این بازیکن مذاکرات با باشگاه ناپولی را به تعویق انداخته و در حال بررسی پیشنهادهای ارائه شده از سوی لیورپول و چلسی است که آماده رقابت برای به خدمت گرفتن او هستند نه. گفته می‌شـــود که توافق احتمالی الخاندرو گارناچو با ناپولی هم دلیل مهمی برای انصراف آدیمی از پیوســـتن به این باشگاه بوده است. وسوسه حضور در رقابت‌های لیگ برتر انگلیس و پوشیدن پیراهن لیورپول یا چلسی هم در این میان نقش مهمی را ایفا خواهد کرد. اما تصمیم نهایی این بازیکن در این باره هنوز مشخص نیست.

شرط بزرگ فلوریان ویرتس برای تمدید قرارداد با بایرلورکوزن

تمدید قرارداد فلوریان ویرتس با بایرلورکوزن همچنان محتمل است. تنها پرسشی که مطرح می‌شود این اســـت: قرارداد او تحت چه شرایطی تمدید می‌شـــود؟ در دو هفته اخیر صحبت‌های بیشـــتری بین خانواده ویرتس و مدیریت بایرلورکوزن انجام شده است. به‌طور کلی، ویرتس خواهان ماندن در بایرلورکوزن است، اما مذاکرات در مورد بند آزادسازی ادامه دارد. خانواده ویرتس تنها با گنجاندن بند آزادسازی در قرارداد جدید پسرشان با تمدید او موافقت می‌کنند. کمپ بازیکن خواهان بند آزادسازی ۱۰۰ میلیون یورویی است. بایرلورکوزن این مبلغ را بسیار کم می‌داند و نمی‌خواهد ویرتس را با مبلغی کمتر از ۱۵۰ میلیون یورو از دست دهد. احتمال می‌رود که توافق بر سر مبلغی حدوداً ۱۲۵ میلیون یورویی حاصل شود. بند آزادسازی ویرتس از تابستان ۲۰۲۶ فعال خواهد شد. گفتنی است باوجود تکذیب اخبار تمدید قرارداد فلوریان ویرتس با بایرلورکوزن از ســـوی این باشگاه، منابع معتبر آلمانی همچنان از قریب‌الوقوع بودن تمدید قرارداد او صحبت کرده‌اند.

شجاعی رفت، پورموسوی سرمربی مس رفسنجان شد

باشگاه مس رفسنجان با انتشار تصویری مبهم از سرمربی جدید تیم فوتبال این باشگاه، از پایان همکاری با مسعود شجاعی خبر داد. مسعود شجاعی در ۹ مسابقه روی نیمکت مس نشست و سه پیروزی، یک تساوی و پنج شکست با این تیم کسب کرد. نارنجی‌پوشان که با محرم نویدکیا وارد لیگ برتر شده بودند، با ۱۶ امتیاز در رتبه چهاردهم جدول رقابت‌ها قرار دارند. ساعتی بعد، باشگاه صنعت مس رفسنجان اعلام کرد: «سیروس پورموسوی که سابقه سرمربیگری در تیم‌های فوتبال استقلال خوزستان، نفت مسجدسلیمان، صنعت نفت آبادان، پارس جنوبی جم، تیم جوانان ایران و فولاد خوزستان را در کارنامه خود دارد، با امضاي قرارداد رسمي هدایت نارنجی‌پوشان را در ادامه رقابت‌های لیگ برتر و جام حذفی فوتبال باشـــگاه‌های ایران بر عهده خواهد داشت.»

مطالبات معوقه موسیمانه واریز شد

پیتسو موسیمانه روز سه‌شنبه در حالی قراردادش را یک‌طرفه فسخ کرد که طبق گفته مدیران استقلال مطالبات معوقه این مربی ۸۱ هزار دلار بود. مسئولان استقلال سه‌شنبه شب این پول را پرداخت کردند تا با موسیمانه تا اول ژانویه تسویه حساب صورت گرفته باشد. با این وجود استقلالی‌ها همچنان در پی بررسی راهکارهای حقوقی برای حل موضوع بدون کمترین مشکل هستند چرا که موسیمانه اعلام کرده کل پول قراردادش (یک میلیون و ۳۰۰ هزار دلار) را می‌خواهد.

تلاش مدیربرنامه ژوائو برای فسخ بی‌دردسر قرارداد

باشگاه پرســـپولیس بدون اطلاع لوکاس ژوائو، قرارداد این بازیکن را فسخ کرده و امیدوار است تا بدون دردســـر خاصی همکاری‌اش را با این بازیکن خاتمه دهد. این یک اقدام خطرناک از ســـوی باشـــگاه پرســـپولیس بوده اســـت و در حال حاضر ژوائو می‌تواند بابت این اتفاق از باشگاه پرسپولیس شکایت کند. با توجه به اینکه فسخ قرارداد به صورت یکطرفه بوده است، در صورت شکایت ژوائو از پرسپولیس، یک یا دو پنجره نقل‌وانتقالاتی باشگاه پرسپولیس بسته خواهد شد. بر اساس این گزارش، هنوز تکلیف این بازیکن مشخص نیســـت و ژوائو دیروز هم در تمرینات پرسپولیس شرکت کرد. در حال حاضر ایجنت ایرانی ژوائو در حال مذاکره با این بازیکن اســـت تا او را برای فسخ قرارداد با پرسپولیس راضی کند. اگر ژوائو راضی به فسخ قرارداد نشود، باشگاه پرسپولیس با دردسر بزرگی مواجه خواهد شد.

پاسخ وکیل استراماچونی به درخواست هواداران استقلال

بلافاصله بعد از پایان همکاری موسیمانه و استقلال شایعات درباره سرمربی بعدی آبی‌های پایتخت به اوج خود رسید. بسیاری از هواداران استقلال از مدیران این تیم درخواســـت کردند که برای بازگشت آندرآ استراماچونی اقدام کنند و هر طور که شده این سرمربی ایتالیایی را دوباره به ایران بیاورند. با این وجود، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، حضور دوباره استراماچونی در ایران تقریباً غیرممکن خواهد بود و حالا این موضوع توسط وکیل معروف او یعنی فدریکو پاستورلو نیز تایید شده است. فدریکو پاستورلو در یک پست اینستاگرامی در واکنش به درخواســـت هواداران استقلال برای بازگشت استراماچونی نوشـــت: «من پیام‌های زیادی از سمت فالوورهای ایرانی در مورد استراماچونی و احتمال بازگشت او به تهران و هدایت یک تیم بزرگ دریافت کردم. با این حال در مقطع کنونی چنین امکانی برای او وجود ندارد که به آنجا برگردد. البته هرگز نمی‌دانیم که در آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. من برای همه شما بهترین‌ها را آرزو می‌کنم.»

۲۵۰ فیلم - شمارش معکوس - ۲۵

روبات‌ها و اشراف‌زاده‌ها

۱۰ فیلم این هفته می توانستند، به‌سادگی جای ۱۰ فیلم اول این فهرست ما را تن‌گونه طولانی قرار بگیرند. هر ۱۰ فیلم بسیار زیبا هستند و خب افسوس می خورم که این جشن را هفته آینده با مرور ۱۰ فیلم آخر باید تمام کنم.

۲۰- بلید رانر. اثر علمی_ تخیلی و البته حماسی ریدلی اسکات بر مبنای یک رمان مشهور از ون دیک که در گذر از ۴۳ سالی که از ساخته شدنش می گذرد، زیبایی و وقار خود را حفظ کرده است. فیلمی که حاوی نگاهی تیزبینانه به آینده بشر است.
بلید رانر در کنار ادیسه فضایی ۲۰۰۱، A.I و گزارش اقلیت از تیزهوشانه‌ترین آثار سینمای جهان در پیش‌بینی مسئله هوش‌مصنوعی و تاثیرشان در زندگی روزمره انسان است. بلید رانر را می‌شود یک فیلم نوآر فضایی هم در نظر گرفت که با موفقیت، مولفه‌های این ژانر را به درون فضای سینمای علمی_تخیلی منتقل ساخته است. هریسون فورد،نقش اول این فیلم را بازی می کند. برخی سکانس‌های فیلم به لحاظ زیبایی و اصالت در تاریخ سینمای معاصر ثبت شده‌اند.

BLADE RUNNER.1982

۱۹- گوشواره‌های مادام. یکی از صیقل‌خورده‌ترین و بی‌نقص‌ترین آثار تاریخ سینما. داستان دلباختگی یک دیپلمات ایتالیایی به همسر یک ژنرال فرانسوی. نقش این دو مرد را ویتوریو دسیکا و شارل بوایه بازی می کنند. فیلمی پر از صناعت و ظرافت. با نقش‌ونگاری همچون یک فرش ریزباف نفیس. درام فیلم برمبنای سرنوشت یک گوشواره شکل می گیرد و اقتباسی است از داستانی معروف نوشته گی دومو پاسان. این بهترین فیلم دوره فرانسوی ماکس افولس نیز محسوب می‌شود. ارباب مسلم حرکت دوربین و میزانسن‌های پیچیده.

The Earrings of Madame de… 1953

۱۸- آخر بهار. فیلم زیبا و ساده و مهربانانه یاسوجیرو ازو. داستان این فیلم درباره نوریکو دختر ۲۷ ساله‌ای است که همراه پدرش زندگی می کند. همه در تلاش برای ازدواج نوریکو هستند اما او به خاطر مراقبت از پدر پیرش حاضر به ازدواج کردن نیست. و فیلم روایت تلاش پدر است تا دخترش را به پای سفره عقد با یک جوان شایسته بکشاند. فیلم به‌شدت حال‌وهوای سنتی ژاپنی را داشت که موجب شد اداره سانسور بعد از جنگ ژاپن که تحت کنترل آمریکایی‌ها بود بخش‌هایی ازآن را ممیزی کند. آخر بهار یک شاهکار کوچک دل‌انگیز است.

LATE SPRING.1949

۱۷- حفره. فیلم درخشان ژاک بکر، داستان رفاقت و خیانت میان چهار زندانی است که در یک پروسه طولانی و پرزحمت و رنج، تونلی برای فرار حفر می کنند اما دست آخر با خیانت یکی از اعضای گروه که در مقابل وعده آزادی زودهنگام، پایش سست شده بود، نقشه‌شان ناکام می‌ماند. فیلم،جشنواره‌ای از نمایش دقیق جزئیات است و روابط دوستانه و مردانه. حفره آخرین فیلم و مطمئنا بهترین فیلم ژاک بکر بوده است که درآن ردپای دایی مشهورش یعنی ژان رنوار و همین‌طور نشانه‌هایی از سینمای برسون و ملویل هم قابل تشخیص است.

LE TROU.1960

۱۶- سوپ اردک. کمدی دیوانه‌وار و آوانگارد لیو مک کری با حضور برادران مارکس که فهم همه شوخی‌هایش حتی امروز هم کار دشواری است. یک ریشخند بی‌وقفه به مسئله کشورگشایی، جاسوسی و روابط دیپلماتیک در جایی فرضی در اروپای مرکزی که در واقع دست‌انداختن تمام مناسبات کهنه و اشرافی است که منجر به جنگ جهانی اول شده بود. فیلم به عنوان یک کمدی سرسام‌آور شکست تجاری سختی خورد اما سال به سال ارزش خود را بیشتر نشان داده است.

DUCK SOUP.1933

۱۵- گذران زندگی. فیلم درست دورانی ساخته شده بود که گدار عشق دیوانه‌واری نسبت به آنا کارینا بازیگر اصلی فیلم پیدا کرده و با او ازدواج کرده بود. فیلمی در ۱۲ اپیزود که آکنده از تغزل و احساسات عاشقانه‌ای است که در هیچ فیلم دیگر گدار همتایی ندارد. فیلم درباره زندگی زنی به نام نانا است که در یک مغازه صفحه‌فروشی کار می کند. او آرزو دارد هنرپیشه سینما بشود. بعد از این که با دوست‌پسرش قطع رابطه می کند، به زندگی زیرزمینی در پاریس کشیده می‌شود....

VIVRE SA VIE.1962

۱۴- سفر در ایتالیا. این فیلم را پدر حقیقی سینمای مدرن نامیده‌اند. فیلمی که «موقعیت»جای داستان را می گیرد. روایت یک زوج انگلیسی با بازی جرج ساندرز و اینگرید برگمن که در اوج اختلافات زناشویی‌شان عازم سیسیل می‌شوند و آنجا درست در لحظاتی که در یک قدمی انفصال کامل قرار گرفته‌اند، با درک مفهوم زمان و تاریخ آن هم در پای اجساد به جامانده از شهر پمپی، درست در میانه یک مراسم مذهبی به سمت هم، باز می گردند. همدستی شگفت‌انگیز طبیعت و تاریخ و دین.

VOYAGE TO ITALY.1954

۱۳- استرابری بلوند. کمدی پرتحرک و مهجوری از رائول والش که زیر نظر تهیه کننده پرقدرت و باهوشی مثل هال والیس موفق می‌شود نیویورک اوایل قرن بیستم را با جزئیات و ظرافت شگفت‌انگیزی طراحی و اجرا کند. داستان یک دانشجوی از راه دور دندانپزشکی (با بازی جیمس کاگنی) که سرش برای دعوا درد می کند و در این میان عاشق زنی جذاب با بازی ریتا هیورث می‌شود که در نهایت دوست ثروتمند قهرمان ما را به او ترجیح می‌دهد و .. ضرباهنگ فیلم نفسگیر است و فیلم پر از موقعیت‌های زیبای انسانی است که کارگردان با سخاوتی قابل تحسین آنها را در سرتاسر فیلم پراکنده کرده است.

STRAWBERRY BLONDE.1941

۱۲- قاعده بازی. شاهکار مسلم ژان رنوار که فهرست فرانسوی‌ها این ۱۰تای ماقبل آخر را تکمیل می کند. داستان گردهمایی گروهی از اشراف در خانه ییلاقی مردی ثروتمند به بهانه فصل شکار خرگوش و در این میان اضافه شدن یک خلبان پاکباخته که جزو عشاق قدیمی همسر این مرد ثروتمند بوده است. در این میان مستخدمان و ملازمان این جماعت اشرافی هم ماجراهای خود را دارند. فیلمی آکنده از انسان‌گرایی خاص رنوار بزرگ ویکی از کامل‌ترین شاهکارهای تاریخ سینما.

RULES OF THE GAME. 1939

۱۱- سرگیجه. اثر عاشقانه آلفرد هیچکاک بر مبنای رمان نوشته بوالو و نارسژاک زوج پلیسی‌نویس فرانسوی. مرثیه‌ای بر عشق رمانتیک و بلایی که توهم این عشق بر سر مردان بالغ و پخته می‌آورد. فیلمی تاثیرگذار که همچون یک رویا بر بیننده عارض می‌شود. با بازی‌های درخشانی از جیمز استوارت و کیم نواک. و موسیقی سحرانگیز برنارد هرمن.

VERTIGO. 1958

لکه های سیاه بر کارنامه‌های قبولی

اینجا ۹ بازیگر مطرح و به قولی تراز اول سینمای ایران را بررسی کرده‌ایم که ببینیم کجا پایشان لغزیده. کجا به خاطر پول، هنر سینما را فراموش کرده و نقش‌های ضعیف ایفا کرده‌اند

لیلا حاتمی: خاطره بازی مثلا متفاوت او در «ارتفاع پست» در نقش یک زن فرودست جنوبی با لهجه غلیظ، اصلا خاطره خوشایندی نیست. لیلا بعدها در فیلم «بی‌پولی» نشان داد که در ترسیم چنین کاراکترهایی پیشرفت کرده است. حضور لیلا در سریال «نهنگ آبی» هم اتفاق عجیبی بود که در میانه راه خودش متوجه و از سریال خارج شد. و بالاخره نقش کوچکش در فیلم «ما همه با هم هستیم» که مشخصا با سرمایه‌گذاری تهیه کننده روی چهره آراسته لیلا شکل گرفته بود. در هردو پروژه، لیلا دستمزدهای بالایی را دریافت کرد. لیلا حاتمی در فیلم «مرد بدون سایه» هم حضور عجیبی داشت که می‌شود باتوجه به مزایای جنبی این فیلم این مسئله را درک کرد. سفر به اسپانیا و این‌طور چیزها.

هدیه تهرانی. هنوز نتوانسته‌ایم بازی بد او در فیلم خوب «پل چوبی» را هضم کنیم. چرا در این فیلم که از قرار دستمزد بالایی هم دریافت کرده این‌قدر بد بازی کرده است. شیمی میان او و بهرام رادان در نیامده و نیمه‌دوم فیلم را از نفس انداخته است. بازی هدیه تهرانی در فیلم «بی‌همه چیز» هم نقطه مثبتی در کارنامه هدیه تهرانی نیست. اگر بخواهیم این فهرست را کامل کنیم، لاجرم یاد کمدی دنیا می‌افتیم. کمدی پرفروشی که بر مبنای یک الگوی مشهور فیلمفارسی ساخته شده بود. اغوای مرد مومن متاهل، توسط زن فرنگ‌رفته خوش‌آب‌ورنگ.

نیکی کریمی. هنوز خیلی‌ها حیرت می کنند که نیکی کریمی چرا فرصت بازی در نقش اول فیلم «درباره الی» (همان نقشی که گلشیفته فراهانی اجرا کرد) از دست داد و به بازی در فیلم «دو خواهر پرداخت»؟ در کنار محمدرضا گلزار، الناز شاکردوست، بهنوش بختیاری، حامد کمیلی و در فیلمی ساخته محمد بانکی! به‌جز این فیلم می‌شود به فیلم من همسرش هستم که همان سال‌ها بازی کرده هم اشاره کرد. شاید شیفت نیکی کریمی به سمت کارگردانی موجب شده بود که به سمت بازی در فیلم‌هایی برود که زحمت کمتر و پول بیشتر داشتند.

طناز طباطبایی. بازیگر برازنده سینمای ایران، به انتخاب‌های پروسواس و گزیده مشهور است. سخت می‌شود در کارنامه او لغزشی مشاهده کرد. او حتی در انتخاب فیلم‌های مستقل هم وسواس خاص خود را دارد. البته که تجربه او در فیلم «خشم‌وهیاهو» ساخته هومن سیدی تجربه موفقی نیست که آن هم به خاطر کم‌کاری در پرداخت شخصیت نوید بوده و ربطی به بازی عالی او نداشته است.

سحر دولتشاهی. دولتشاهی هم بیش از یک دهه است که نقش‌های خود را باوسواس انتخابی می کند. ممکن است نقشی را در فیلمی بازی کند که به اندازه کافی قانع‌کننده نباشد اما نقش بی‌ارزش اصلا. او در فیلم‌هایی مثل «شکاف» به اندازه کافی، خوب نبود. آخرین نقشی که دولتشاهی می‌تواند از بازی درآن ناراضی باشد، همان اولین فیلمی است که او را به عنوان یک ستاره مستقل از همسر سابقش، رامبد جوان به سینما شناساند. فیلم «مستانه» ساخته حسین فرحبخش به سال ۱۳۹۳. دقیقا ۱۰ سال قبل.

ترانه علیدوستی. او یکی از مدعیان عنوان بهترین بازیگر زن پس از انقلاب است اما او هم نقش‌هایی داشته که مشخص نیست چرا آنها را قبول کرده است. در واقع پس از بازی در نقش مکمل در درباره الی به سال ۱۳۸۷، او طی دو سال بعد در چند فیلم بازی کرد که در هیچ‌کدامشان متقاعدکننده نیست.«انتهای خیابان هشتم» از علیرضا امینی و «هرچی خدا بخواهد» ساخته نوید میهن‌دوست از جمله این لغزش‌ها هستند. به اینها «زندگی با چشمان بسته» ساخته صدرعاملی را هم می‌شود اضافه کرد که خب به غم نقایص نقش، ترانه در این فیلم، به هرحال یک فیلم تراز سینمای اجتماعی ایران بود. از سال ۱۳۹۰ تا به امروز یعنی بعد از پذیرایی ساده، ترانه یکی از بهترین و پالوده‌ترین کارنامه‌های سینمایی را در میان بازیگران معاصر ایرانی دارد.

پریناز ایزدیار. بازیگر محبوب که دستمزدهای بسیار گرانی هم دریافت می کند، جزو آن دسته بازیگران گزیده‌کار سینمای ایران محسوب می‌شود. هرچند برخی از نقش‌آفرینی‌اش در سریال «زازیل» شکایت کرده‌اند که خب فقط دو قسمت آن پخش شده است و آنها که فیلم کمدی «صددام» را دیده‌اند آن را جزو سبک مرسوم نقش‌آفرینی‌های ایزدیار ندانسته‌اند. پریناز طی یک دهه گذشته، انتخاب‌های درستی داشته و از تبدیل شدن به یک شمایل محبوب سینمای تجاری پرهیز کرده است. کارنامه او از سال ۱۳۹۳ تا به امروز رشک‌برانگیز است. مجموعه‌ای از فیلم‌های پرفروش آثار سینمای اجتماعی و همین‌طور حضور در فیلم‌های مستقل کم‌هزینه و در کنارشان مجموعه‌ای از سریال‌های پلتفرم‌های خانگی که برای ایزدیار مهمترینش «جیران» بود.

رعنا آزادی‌ور. او چهار سال از دوران حرفه‌ای خود را صرف بازی در سریال «زخم‌کاری» کرد که موجب احیای برند بازیگری او شد. آزادی‌ور در سال ۸۱ با «مارمولک» چهره شد و بعد هم در «پارک وی» درخشید اما ناگهان از سطح اول سینمای ایران دور شد و حتی حضورش در «درباره الی» هم محو و بدون کنش واضح در عرصه هنر بازیگری بود. در دهه ۹۰ هم در چندین فیلم کم ارزش ظاهر شد و می‌رفت که به یک چهره اینستاگرامی و فضای مجازی بدل شود که با سریال زخم‌کاری نشان داد از چه توان بازیگری خارق‌العاده‌ای برخوردار است. حضور او در چهار فصل این سریال ظرفیت دست‌نخورده او در عرصه بازیگری را به همه ثابت کرد و می‌توان مطمئن بود که از این به بعد او با توان بیشتری در سطح اول سینمای ایران حاضر خواهد بود.

الناز شاکردوست. برای شاکردوست همه چیز برعکس است. او بازیگر سینمای تجاری ایران بود و در سال های ۸۶ تا ۸۸ یک‌نفس فیلم‌های کم‌ارزش بازی کرد. اما اهالی فن هنرنمایی او در تک‌وتوک فیلم‌هایی مثل «چه کسی امیر را کشت» و یا «باد در علفزار می‌پیچد» را دیده بودند و عقیده داشتند او می‌تواند بازیگر خوبی شود. او در دهه ن ۹۰همچنان بازی در فیلم‌های کم‌ارزش را ادامه داد و حتی «رسوایی» ساخته ده‌نمکی هم کمکی به احولات او نکرد. تا این‌که در یک رنسانس غیرمنتظره با «خفه‌گی»، «شبی که ماه کامل شد»،«تی‌تی» و «ابلق»، «بی‌بدن» و بازی در نمایش «رستم و سهراب» خودش را به عنوان یک بازیگر قابل به همه شناساند. امسال او با «گوزن‌های اتوبان» در جشنواره حضور دارد.

تهران - ۱

اولین نقشه‌های شهر تهران

عباس عربی، تهران‌شناس | اولین و قدیمی‌ترین نقشه تهران نقشه‌ای است که سروان ناسکوف روسی آن را تهیه کرد. این نقشه در دوران فتحعلی‌شاه قاجار تهیه شده و به نظر می‌آید که ناسکوف آن را برای اهداف جاسوسی ترسیم کرده باشد، به خصوص که زمان تدوین و تهیه این نقشه حد فاصل بین دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای است و دیگر آنکه او در نقشه تهران جزئیات ارگ سلطنتی، تاسیسات زیربنایی و استحکامات دفاعی شهر را به تصویر کشیده است. همچنین به «اوروس میدان» یا میدان روس‌ها و محل نگهداری اسرای روس اماکن مرتبط با روس‌ها توجه خاصی شده است. ناسکوف برخلاف نقشه‌هایی که پس از این تدوین شد، مناطق حومه تهران و خارج از حصار تهماسبی را به تصویر کشیده که به نظر می‌آید هدف او نشان دادن راه‌های دسترسی به پایتخت ایران است.
دومین نقشه تهران را نیز روس‌ها تهیه کردند. الیا نیکولایوویچ بِرزین (Ilia Nikolayevich Berezin) جهانگرد، مستشرق و مورخ روس شرح مفصلی از ساختمان‌ها و ابنیه داخل کاخ گلستان ارائه کرده، سپس نقشه‌ای نیز از عمارات مزبور و شهر تهران رسم کرد که جزو نقشه‌های تاریخی و مهم شهر تهران به‌شمار می‌آید. اطراف نقشه دارای نقوش تزئینی است و سمت راست آن جمله: «دارالخلافه تهران پایتخت پادشاه عالم‌پناه» و در سمت چپ آن نیز جمله «نصرالدین بن محمد شاه» به چشم می‌خورد. در پایین نقشه نیز این جمله به چشم می‌خورد: «بسعی کمترین بندگان الیاس بره زین». این نقشه به سال ۱۸۵۲ میلادی در مسکو منتشر شد.
نقشه بعدی را «آگوست کرشیش» کشید که اهل کشور چک و از اتباع امپراطوری اتریش آن زمان بود. شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم آن زمان به وی ماموریت داد تا نقشه دارالخلافه تهران را تهیه کند. کرشیش در مدرسه دارالفنون معلم امور نظامی و توپخانه بود. وی با همکاری دو تن از شاگردان ایرانی مدرسه دارالفنون نقشه‌برداری از تهران را آغاز کرد که نیمه اول سال ۱۲۷۵ هجری قمری به پایان رسید و پس از مدتی تهیه‌کنندگان این نقشه به حضور ناصرالدین شاه قاجار رسیدند. بنابر اذعان روزنامه وقایع اتفاقیه این نقشه مطبوع طبع همایونی قرار گرفت و شاه مبلغ یکصد تومان انعام به آنها مرحمت کرد. در این نقشه عمارات دولتی و سلطنتی، خانه‌های اعیان و اشراف سرشناس، بازار، حدود محله‌ها، امامزاده‌ها، مساجد، میادین، کاروانسراها، گورستان‌ها، یخچال‌ها و ... ترسیم شده است. در نقشه کرشیش او برخلاف نقشه برزین روس، حدود محلات پنجگانه تهران به روشنی از یکدیگر تفکیک شده است که می‌توان آن را از نقشه برزین کامل‌تر دانست. میانه سلطنت ناصرالدین شاه قاجار حصار قدیمی شهر(حصار شاه تهماسبی) تخریب شد و تهران از شمال، جنوب، شرق و غرب گسترش یافت و حصار جدیدی با دوازده دروازه ساخته شد که به آن حصار ناصری می‌گفتند. با ساخت حصار ناصری، محله جدیدی به‌نام محله دولت به محلات پنجگانه تهران اضافه شد. پس تهیه نقشه جدید از شهری که توسعه یافته بود، احساس شد. این بار نیز به مدرسان و شاگردان مدرسه دارالفنون مراجعه کردند و «حاج عبدالغفار نجم‌الملک» زیر نظر «جعفرقلی خان نیرالملک» مدیر مدرسه به همراه ۲۰ تن از شاگردان رشته مهندسی مدرسه تهیه نقشه جدید را عهده‌دار شدند و این نقشه در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه منتشر شد.
نقشه دارالخلافه ناصری که عبدالغفار در سال ۱۳۰۹ هجری قمری تهیه کرد به خوبی علامت‌گذاری شده و با عنایت به علائم قراردادی آن قسمت‌های گوناگون شهر از هم تفکیک شده است. مقایسه این نقشه با نقشه کرشیش توسعه شهر تهران طی بیش از ۳۰سال و گسترش محلات آن را نشان می دهد، ضمن آنکه تحول امر نقشه‌کشی و دقت این نقشه نسبت به نقشه‌های قبل از خود کاملا مشخص است به گونه‌ای که این نقشه را باید اولین نقشه دقیق تهران به حساب آورد. عبدالغفار درخصوص نقشه کرشیش و مقایسه آن با نقشه خود می گوید: «در ۳۰ سال گذشته موسیو کرشیش نمساوی (اتریشی) معلم توپخانه مدرسه مبارکه دارالفنون به استمداد شاگردان سرشناس خود، نقشه‌ای از طهران برداشت که ابعاد آن را به قدم پیموده و زوایا را به تقریب گرفته بودند و اعتبار علمی نداشت و تخمینی بود، معهذا برای اشخاصی که بخواهند وضع ۳۰ سال قبل تهران را ببینند مفید است. بعضی عمارات وسیعه اعیان و معارف را مهندسین مکرر رفتند اذن بطلبند نقشه بردارند، صاحبان آنها به هر ملاحظه‌ای بود اذن ندادند و محل عمارت آنها بیاض و ساده باقی ماند...در این تاریخ ۱۳۰۹ که حسب‌الامر اعلی مقرر شد که نقشه دارالخلافه به زیور طبع درآید، تغییرات کلیه که در وضع عمارات راه یافته بود مجددا اصلاح شد، پس این نقشه مطابق است با وضع شهر دارالخلافه در تاریخ محرم سنه ۱۳۰۹.»
بدین ترتیب این نقشه جزئیات ارزشمندی از تهران اواخر عهد ناصری ارائه می کند و باید به این نکته اشاره کرد بهترین نقشه تهرانی را که تا آن زمان ترسیم شد خود ایرانی‌ها کشیدند که از نقشه‌های قبلی دقیق‌تر بود. جزئیاتی که از معابر، میادین، عمارات سلطنتی و اعیان و اشراف، قبرستان‌ها، کاروانسراها، مساجد، محلات و ... در این نقشه ارائه می‌شود و همچنین مقیاس‌ها در نوع خود بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است.

چرا لیگ برتر انگلیس تعطیلات زمستانی ندارد؟

طول مدت تعطیلات زمستانی برای بازیکنان فوتبال، بسته به باشگاهی که در آن توپ می‌زنند، متغیر است. به‌عنوان مثال، تیم‌های لیگ برتر انگلیس، برخلاف سال گذشته، در این فصل از تعطیلات زمستانی بی‌بهره ماندند؛ این در حالی است که تیم‌های حاضر در لیگ‌های برتر آلمان، اسپانیا و فرانسه به‌تازگی تعطیلات خود را به پایان رسانده و بار دیگر به میادین بازگشته‌اند. تعطیلات زمستانی سوپر لیگ زنان انگلیس نیز تازه به اتمام رسیده و تیم‌ها پس از یک غیبت ۳۲ روزه، به میادین بازگشته‌اند. طولانی شدن تعطیلات برای بعضی از بازیکنان همراه با حس خمودگی و فرسودگی است درحالیکه بازیکنان بوندس‌لیگا، سری A یا لیگ یک فرانسه از این فرصت به شدت استقبال می کنند. خلاصه آنکه حفظ تعادل در این میان کار آسانی نیست.
و اما مدیران و بازیکنان درباره تعطیلات زمستانی چه نظری دارند؟ دلیل آنکه لیگ‌برتر انگلیس تصمیم به حذف تعطیلات گرفته و این بار بازی‌ها بدون وقفه ادامه پیدا کرده چه بوده است؟

در فصل گذشته چه اتفاقی در لیگ‌برتر انگلیس افتاد؟

در فصل ۲۴-۲۰۲۳، در بازه زمانی ۲ تا ۳۰ ژانویه، به هر تیم لیگ برتری یک تعطیلی دو هفته‌ای تعلق گرفت. تعطیلات زمستانی لیگ برتر اولین بار در فصل ۲۰-۲۰۱۹ و به دنبال سال‌ها بحث و تبادل نظر پیرامون این مسئله که آیا بازیکنان تیم‌های برتر انگلیس نیز مانند سایر همتایان اروپایی‌شان نیاز به استراحت دارند یا خیر، به رسمیت شناخته شد. اما پس از این تاریخ و تا چهار سال دیگر شرایط بهره‌مندی از تعطیلات برای بازیکنان و مربیان به‌درستی فراهم نشد. فصل ۲۱-۲۰۲۰، متأثر از پاندمی کووید ۱۹، به قدری دیر آغاز شد که فرصت چندانی برای برخورداری از تعطیلات باقی نگذاشت و فصول ۲۲-۲۰۲۱ و ۲۳-۲۰۲۲ نیز برای تعدیل در برگزاری بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر که زمان انجام آن برای اجتناب از موج گرما در این کشور به زمستان موکول شده بود، به‌طور فشرده برگزار شد.

در سال جاری چه چیزی تغییر پیدا کرده است؟

لیگ برتر در فصل حاضر، به دلیل برگزاری مسابقات جام ملت‌ها اروپا و کوپا آمه‌ریکا در تابستان، یک هفته دیرتر از فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۳ شروع شد که این به نوبه خود سبب محدودیت فرصت در برخورداری از تعطیلات زمستانی شده است.
تغییر فرمت لیگ‌های اروپایی نیز امکان هرگونه وقفه در روند کار لیگ‌برتر انگلیس را سلب کرده است. تیم‌های لیگ پس از پشت سر گذاشتن تورنمنت‌های ملی، تعطیلات تابستانی بلندمدتی را سپری کرده و بنابراین، فصل جدید لیگ برتر در ۱۶ آگوست، یعنی ۵ روز دیرتر از زمان مشابه سال قبل آغاز به کار کرد. رقابت‌های یوفا، در قالب آنچه به «مرحله لیگ» جدید رقابت‌های اروپایی موسوم است تا پایان ژانویه و پیش از شروع مرحله حذفی، ۲ بازی دیگر پیش رو دارد. هفت باشگاه لیگ‌برتری در مسابقات لیگ قهرمانان، لیگ اروپا و لیگ کنفرانس اروپا رقابت می کنند. این عوامل، علیرغم لغو بازی‌های تکراری در جام حذفی، بر میزان فشار وارده بر تقویم بازی‌ها افزوده است. تیم‌های لیگ برتر در دور سوم که در اوایل ژانویه انجام می‌شود، رقابت را آغاز می کنند.

نظر بازیکنان و مدیران تیم‌ها دراین‌باره چیست؟

تیم آرسنال در طول تعطیلات زمستانی فصل گذشته به دوبی سفر کرد که این دوره به نوبه خود به بازسازی توانمندی‌های تیم کمک شایانی کرد. خانواده‌های بازیکنان نیز در این سفر آنها را همراهی کردند که این بر میزان اتحاد تیم می‌افزود. آرسنال که پیش از آغاز تعطیلات زمستانی، چهار باخت پیاپی را پشت سر گذاشته بود، پس از بازگشت از تعطیلات و با شروع دوباره فصل، این بار پنج برد پیاپی را تجربه کرد. پیش از بازی این فصل آرسنال مقابل ایپسویچ تاون در ۲۷ دسامبر، میکل آرتتا، سرمربی تیم، در گفتگویی چنین اظهار داشت: «این واقعیت که بازی می کنی و بعد ریکاوری می کنی، الگوی خوبی نیست زیرا این بدان معناست که مجبوری برای مدتی تمرین را کنار بگذاری، درحالیکه واقعیت آن است که بدن نیاز به تمرین و ماهیچه‌ها نیاز به پرورش دارند. اگر قرار باشد فقط با بازی کردن، ترمیم و بازیابی شوی، به تدریج بسیاری از قابلیت‌های فیزیکی و بدنی خود را که در عملکرد تو تأثیر بسزایی دارند، از دست می‌دهی. تنها مصدوم نشدن مهم نیست؛ مهم تبدیل شدن به ورزشکاری بهتر است، اینکه مرتباً در حال متحول شدن باشی؛ تفاوت اصلی در اینجاست. موضوع تعطیلات برای ما یک چالش است که به دنبال راه‌های مناسب برای عبور از آن (و حل آن) هستیم.» البته اینگونه نیست که همه تیم‌ها پس از بازگشت از تعطیلات، پیروزی‌های پیاپی به دست آورند. مثلاً در فصل گذشته، لوتون تاون تنها دو بار در نیم فصل دوم به پیروزی رسید و در حقیقت از مجموع ۱۹ بازی نهایی، ۱۲ بازی را به حریف واگذار کرد. یورگن کلوپ، سرمربی سابق لیورپول، پس از تعطیلات زمستانی دوهفته‌ای فصل گذشته، به شبکه اسکای اسپورت گفت: «تعطیلات خوبی بود. به مدت ۴ روز هیچ تماسی با تیم نداشتم. فقط پپ (پپین لیندرز) را دیدم آن هم به این خاطر که با هم پدل بازی کردیم اما به غیر از آن، تماس دیگری با هیچ یک از اعضای تیم نداشتم. شاید برخورداری از تعطیلی ۴ هفته‌ای یا چیزی شبیه آن در میانه فصل جالب نباشد اما به هر حال بعد از پشت سر گذاشتن آن دوره بسیار فشرده و شلوغ، داشتن این چند روز تعطیلی خیلی مهم بود. حالا سرحال برگشته و آماده شروع دوباره‌ایم.»

خوابیدن و بیدار شدن با سرگرمی
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
پنجشنبه | ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ | شماره ۳۹۷۸

پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

وقتی جواد خیابانی، عمو شاهدونه می‌شود!

برف تهران، ترامپ، مجریای تلویزیون، سیاست داخلی، پیامک کشف حجاب، وام‌های چندصد میلیاردی و بازی تراکتور و پرسپولیس

وقتی مجریای تلویزیون‌رو می‌بینید هم یه جور حرف می‌زنن. یه جور خنده مصنوعی می‌زنن و همه هم به همراه دارن! یکی عطر، یکی شامپو، یکی نوشابه انرژی‌زا. خیابانی هم فقط مونده بره جای خاله‌شادونه، بشه عمو جواد.

عمو شادونه هم بشن میاد! چه صفایی بکنیم ما بچه‌ها با قصه‌هاش! مثلا مه - گه: «یکی بود یکی نبود. اون که نبود از اون که بود نبودتر بود»!

اون عکس برف تهران بعیده که سال ۹۹ باشه. اون سال اصلا تهران برف نبومد و تابستون ۱۰۰ اب تهران جیرمبندی شد.

مدیرمسئول و سردبیر روزنامه‌های کیهان و هفت‌صبح شریعتمداری و آرش خوشخو حقایق قیض روح شدن ناجوانمردانه من از سال ۹۵ تا حالا همراه با دزدی، سرقت، خسارات مادی و معنوی، سرقت نامه‌های اداری را می‌دانید. اصلا در روزنامه افشاگری و مقاله ننوشتید که جز خیانت آشکار چیز دیگری نیست. الانه گفتند قیض -روح شما با طول عمر ۱۹۰ سال و غیب و ظاهر شدن‌تان به شکل حیوان مار، نصاح، اژدها و گوریل در آمدن به پایان می‌رسد. از امروز شبه‌علم لدونی‌ها را برمی‌داریم و دریچه ۷ سیاره از جمله نپتون را می‌بندیم، افشاگری کنید نترسید. (علی زمانی فراهانی ۴۰سالها)

خدا روزی‌تو جای دیگه‌ای حواله کنه داش. منو نترسون!

سوریه که هیچ. لبنانم داره تغییر جهت می‌ده و عراق هم که غش می‌کنه! وسوریه، اگه باش بیفته. چرا؟ چون اساتید تو سیاست داخلی مشغول خودزنی شدند.

منو بگو سمت کی غش کنم!

تا کی باید شاهد رفتار کاملا سلیقه‌ای، ناعادلانه و عدم شفافیت از طریق ارسال پیامک کشف حجاب در خودرو باشیم؟ با توجه به ارسال سه بار پیامک برای اینجانب که هیچ کدام را قبول ندارم، در حال حاضر مجبور به توقیف یک هفته‌ای خودرو و سقاط شدن از امراز معاش در این مدت هستم. علیرغم پیگیری هیچ مرجع رسمی یا غیررسمی هم پاسخی به اینجانب نمی‌دهند. به عنوان یک شهروند که بارها در برهه‌های مختلف هم ادای دین به این سرزمین کرده‌ام سوال دارم؛ آیا این رفتار با مردمی که به فرموده بنیانگذار انقلاب ولی‌نعمتان مسئولان هستند، درست است؟ حداقل بگن چه کسی پاسخگوی ماست؟

من و کفترام نه تنها سوار ماشینم نمی‌شیم، نه تنها کلاه پوست استاده می‌کنیم، نه تنها موهامونو از ته زدیم، اصلا از ترس اوار گوشی مونم فروختیم!

عادل باشید و چاپ کنید. مسئولیتش با بنده. آقای رئیس‌جمهور آیا این انصاف و عدالت است که بعضی به دلیل داشتن آشنا و بارتی، وام‌های چندصد میلیاردی حتی بدون بازپرداخت می‌گیرند آنگاه بنده برای چندده میلیون وام برای بازسازی منزل نمی‌توانم. آیا واقعا اینها خدا را بنده‌اند؟ تترسید چاپ کنید (جمالی لاهیجان)

چی‌چی‌رو نترسید نترسید. از لحظه‌ای که پیامکت رسیده، عین بید دارم می‌لرزم و رفتم زیر لحاف! اگه منو تبعید کردن به قله فلک‌الافلاک، شما جلو کفترامرو می‌دی؟!

اون هفته مطالب را روی کمالفلسی در مورد شهرستانی‌ها توی روزنامه‌تون گذاشتید. مورد داشتم راننده تاکسی پلاک تهرون از میدان آزادی کرایه مضاعف ۴۰۰ تومنی از یه شهروند کم‌پول آیرومند به بیمارستان میلاد می‌خواست بگیره. به اسنب شهرستانی با ۹۰ تومن اینشون و یه مقصد رسوندم. بدگویی راننده‌گان گل و گشاد و دندان‌گرد رو توی روزنامه‌تون تایید کردید که زبونده کادر حرفه‌ای شما نیست. هر کس پلاک تهرون بود که تهرونی نیست. تقلبی فرلوونه. هر کس پلاک شهرستانی بود مسافر نیست خودرئیس‌جمهور هم شهرستانی است عزیزدل. از امروز دشنام‌های دوطفلی‌ها را برمی‌داریم و دریچه ۸۰سواره از جمله نپتون را می‌بندیم، افشاگری کنید ترسید. (علی زمانی فراهانی ۴۰سالها)

خدا روزی‌تو جای دیگه‌ای حواله کنه داش.

سوریه که هیچ. لبنانم داره تغییر جهت می‌ده و عراق هم که غش می‌کنه! وسوریه، اگه باش بیفته. چرا؟ چون اساتید تو سیاست داخلی مشغول خودزنی شدند.

منو بگو سمت کی غش کنم!

تا کی باید شاهد رفتار کاملا سلیقه‌ای، ناعادلانه و عدم شفافیت از طریق ارسال پیامک کشف حجاب در خودرو باشیم؟ با توجه به ارسال سه بار پیامک برای اینجانب که هیچ کدام را قبول ندارم، در حال حاضر مجبور به توقیف یک هفته‌ای خودرو و سقاط شدن از امراز معاش در این مدت هستم. علیرغم پیگیری هیچ مرجع رسمی یا غیررسمی هم پاسخی به اینجانب نمی‌دهند. به عنوان یک شهروند که بارها در برهه‌های مختلف هم ادای دین به این سرزمین کرده‌ام سوال دارم؛ آیا این رفتار با مردمی که به فرموده بنیانگذار انقلاب ولی‌نعمتان مسئولان هستند، درست است؟ حداقل بگن چه کسی پاسخگوی ماست؟

من و کفترام نه تنها سوار ماشینم نمی‌شیم، نه تنها کلاه پوست استاده می‌کنیم، نه تنها موهامونو از ته زدیم، اصلا از ترس اوار گوشی مونم فروختیم!

عادل باشید و چاپ کنید. مسئولیتش با بنده. آقای رئیس‌جمهور آیا این انصاف و عدالت است که بعضی به موفقیتون و پاکستانه که ویزاش مصیبته.

نه بابا، سخت‌ترینش سر و کله زدن با مرحمعلی خانه که ابرو و حیا نمی‌شه و فیچ‌اش رو به دقه نمی‌ذاره پایین!

بخش خصوصی دنبال کوبیدن دولت پزشکیان است. همین بخش خصوصی که از کاسبان اصلی تحریم‌ها هستند و به شدت مخالف رفع تحریم به شدت مخالف تصویب FATF. دولت پزشکیان، آقای همتی، آقای اتابک حواس‌تان باشد بخش خصوصی خواهان ادامه تحریمند تا از رقابت واقعی با کالای خارجی دوری جویند.

من نمی‌ذارم دوری جویند! مگه الکیه دوری جویند!

مردم خواهان رفع تحریم هستند. داریم سالی ۱۵۰ میلیارد دلار درآمد نفت از دست می‌دهیم. وقاق یعنی اینکه عده‌ای دوطفلیی «با مقاومت یا مذاکره» را از تریبون -ها فریاد نزنند. مذاکره در کنار مقاومت، منافاتی نداره. امیدآفرینی یعنی احیای برجام و مذاکره با آمریکا. با حفظ اقتدار ملی، نه دوطفلیی.

اونقد گفتید دوطفلیی دوطفلیی که بیماری دوطفلیی گرفتم!

شرمنده، به شهر ما روزنامه هفت‌صبح نمی‌رسه. چطوری مشترک روزنامه بشم؟ خیلی هفت‌صب را دوست دارم (بهرام مهدی‌پور- رابر کرمان)

لطفا به آقای خوشخو بفرمایید درباره عارف قزوینی در روزنامه مطلب بنویسند و ما با زندگی ایشان بهتر آشنا بشویم. ممنون.

اونم و چشمم!

آقای آرش خوشخو در باورقی قصه‌های گمشده پنجشنبه ۲ بهمن، وثوق‌الدوله خیانتکار را یک قهرمان ملی معرفی نموده‌اند. در حالی که این آدم با گرفتن ۴هزار تومان رشوه از انگلیسی‌ها، ایران را مستعمره انگلیس نموده بود! که گروهی وطن‌پرست او را رسوا نمودند. لطفا با مطالعه کافی قصه بنویسید. (نامر کرمانی)

مرد حسابی! چهار هزار تومان را جلوی گربه بذاری قهر می‌کنه. یه بفک هم بشن نمی‌دن!

الان باید کمیته انضباطی درباره بازی تراکتور و پرسپولیس رای صادر کنه، یعنی مقصر اصلی داستان. بعدا چند هم بازی دادن همه، حکمی داد خلاف قانون و داستان شیرینی و رشوه رو هم ماله کشید و بسته دیدید.

بوولتن کن. یکو داستان خلاف سنگین رشوه‌ها در باشگاه مس چی شد که آن همه داد و دمودر راه افتاد و حتی پای خبرنگاران هم وسط کشیدند. چنین خوابید که اگرال از اولش هم مار نزاییده بود!

سهل‌ترین شغل در هفت‌صبح، استخراج نرخ بلیت هواپیما و قطار است. هر روز یک نرخ جدید. مسئولین باید بدانند، آقای رئیس‌جمهور، اگر بخواهید با ترامپ کنار بیایید، باید با مردم خودتان کنار بیایید. مردم دیگر حرف‌های شما را باور نمی‌کنند. مردم دیگر حرف‌های شما را باور نمی‌کنند. مردم دیگر حرف‌های شما را باور نمی‌کنند.

در کلبه مارونق اگر نیست ادا هست

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیتهای کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌های تان لبخند می‌زنند و در دل تحسین تان می‌کنند.

دیشب ساعت ۳ خوابید، صبح ساعت ۶ بیدار شد که بره سفر؛ حالا همین ساعتو اگر می‌خواستم بیدار بشم برم دانشگاه غبار جون می‌دادم.

این قضیه رنگ سال هم از اون چیزاست که هیچ وقت درکش نمی‌کنم، یکی از بزرگ‌ترین «کبه جی»های زندگیه.

فکر می‌کردم دوست واقعی اونیه که تو غمات شریکه. ولی درواقع اونیه که از خوشحالیت خوشحال شه.

از لحاظ روانی به خوب فرودید نیاز دارم

از لحاظ مالی به ترابیست هشتاد تومنی.

اینکه آدما مهربونن همه جالبه‌ها، یعنی هیچ منفعتی براشون نداره ولی بهت لطف می‌کنن، خفنه واقعا!

این پسرایی که منلک می‌ندازن و چرت و پرت میگن‌رو دیدین؟

امروز با کیف زده دهن یکی‌شون و الان فکش شکسته.

گفت: وقتی آدم یک نفر را دوست داشته باشد بیشتر تنهاست.

در کلبه ما رونق اگر نیست ادا هست.

دیشب بابام پرسید: چرا مه بدنه ناراحتی؟ گفتم: پول ندارم. گفت: یعنی مشکلت فقط پوله؟ گفتم: بله فقط پول. گفت: مشکل بزرگی هم هست اتصافا و صدای تلویزیون‌رو بلند کرد.

کم بدبختی دارم گوشیمم هی میگه فلان روزو با دوستات بیا؟ بیا فیلم دوست کردم بشین حسرت بخور.

من وقتی سیگار می‌کشم بچه بیینم معذب می‌شم. تو کوچه یه نخ روشن کرده بودم که یه فسقلی با دوچرخش اومد رد بشه. دستمو رو برده عقب که نبینه، سرش رو تکون داد و گفت من کبه طوری نمی‌شه، خودش می‌دونم بیچاره.

روزهایی که نمی‌دونید چه چیزی رو انتخاب کنید، سلامت روانتون‌رو انتخاب کنید.

تو هوا بیمار رفته دستشویی بعد که برگشتم دیدم یکی جاش نشسته گفت ببخشید فکر کردم پیاده شدید.

کم بدبختی داریم هی هم فردا می‌شه.

من به تقلب یادتون بدم؟ اگه براتون سواله که اولویت کسی هستین یا نه؟ بدونین که نیستین. چون اگه بودین، کاری می‌کرد که این سوال هیچ وقت براتون پیش نیاد.

شکست که خوبه، شده بیای دنبال مدرکت بعد بفهمی دو واحد دیگه باید پاس کنی؟

بله ما خانواده‌گی گیمریم، با اعصاب همدیگه بازی می‌کنیم.

از پیرمرد کتاب فروش پرسیدند چرا وقتی نیستی در کتاب‌فروشی را نمی‌بندی؟

گفت: آنها که کتاب نمی‌خوانند کتاب نمی‌دزدند و آنها که کتاب می‌خوانند دزدی نمی‌کنند.

چقدر خوشحالم که اون دوره‌ای که همه در حال شناسایی تایپ شخصیت بودن تموم شد. تو intj هستی. تو enfj ای. تو xwxyz. من سگم اصلا. حالا راحت شدی؟

حس مزخرفی دارم مثل اینکه قرار بوده عمر بیمنت خوابم برده بوده شدم شب شده، توام زنگ نزدی.

تو سیاره‌ور داشتم راه می‌رفتم موتوری طلبکارانه اومد گفت بزنم بپخ؟ سیرکو می‌بینی تورو خدا؟

حالا درسته من بیبی فیسم ولی دیگه حداقل ازم نبرسید «کلاس چندمی»؟

به صورت سینوسی به مدتی از خودم خوشم میاد به مدتی نه. مثلا الان به هفت‌صد که با خودم بدم.

خدا به جای اون قسمت از مغز که مسیریابی می‌کنه واسه من اجر گذاشته.

از ده‌سه و چهل و پنجاه تقاضا می‌کنیم مناسب و موقعیت‌هایی رو که فرق کردند و کل کنند، اجازه بدن جوان‌ترها هم طعم موقعیت و شغل‌رو حس کنند. چیه جسیدید بسه دنیا و انرژی جوان‌ها داره تلف میشه؟

وقتی پایه چای خودت‌رو از دست میدی، می‌بینی چاپیه اونقدرها هم خوشمزه نیست، کنار اون می‌چسبید.

رابطه‌ام با بابام اینجوریه که به ذره احترام می‌ذارم بهش میگه باز ماشینو زدی به جایی؟ حالا اصلا ماشینم نداره ها.

وقت و حوصله میدون دادن به غصه‌رو ندارم وگرنه بسیار روز مناسبی برای گریه باید استیصال در تصمیم‌گیری و ترس از آینده بود.

بقیه چهره‌ی تاداتلنوس به شیرینی دسری چیزی می‌خواد یا میشن تو خانه سریع درست می‌کنن؟ من هروقت هوس یه چیزی می‌کنم یا میشم می‌بینم ای بابا شکر نداریم، شیر تاریخش گذشته، ارد مون کمه، آب قطعه، برق‌رفت، زلزله اومد.

یکی از خبرین رفته سوپرمارکت محله دفتر بدی مردمو گرفته و فرار کرده. خواستم بگم با دست خالی هم میشه کار خیر کرد. دریغ نکنید.

دندون بی‌صاحب ۳۰۰۰ سال زیر خاک سالم می‌مونه، وامونده تو دهن من هر دو سال یکبش می‌پوسه.

واقعا هدیه دادن رو دوست دارم. کاش زودتر پولدارشم به آدمای مورد علاقم هی هدیه بدم.

عزیزم شهر تو از weather کوشیم حذف کردیم، دیگه برام مردی.

متاسفانه سیگار کشیدن آدمارو به هدیه نزدیک می‌کنه.

از تره‌باری بالاشهر پرسیدم مارچوبه دارید؟ پاسخ داد: کیوی تو قرمز و انار سیاه داریم. فهمید دنیال چیز خاص و جدیدم. نوعش مهم نیست.

حقوقم رو دم تو ماشین حساب بیینم به دلار چقدر میشه که ماشین حساب به حرف اومد و گفت اجازه بده این بار جوابی ندم.

ترابی رفتن تبدیل به مد شده، اونقدری که انسگار اونایی که ترابی نمی‌رن، سالم نیستن و هر کی ترابی می‌ره نرماله.

موقعی که منتظر متروام شدیدا می‌ترسم یکی از پشت هولم بده داخل ریل.

سس کچاپ برای فقرا ساخته شده، ساخته شده تا طعم غذای قفبرانه، پیتزای ۱۰۰ تومنی یا فلافل کنافت ۷۰ تومنی قابل تحمل باشه. غذای خوب کچاپ نمی‌خواد.

کسی که شنیده نشه فریاد می‌زنه؛ اما کسی که درک نشه، آرام می‌شه و خاموش می‌شه.

دیشب باهاش دعوام شد برگشت گفت من حموم بودم برای دعوا کردن زیادی خوشوام.

به کلیپ دستگیری سارق‌های موبایل که تو خونه‌شون خواب بودن‌رو به مامانم نشون دادم، اولین عکس‌العملش این بود که: پلیسها با کفش رفتن رو فرش؟

رابطه‌م با ChatGpt مثل سال پنجم ازدواج به بعد شده، فقط سوال‌ها و حرفای ضروری رو باهم می‌زنیم نه سلامی نه تشکری چیزی.

شکلامم با خانواده چیزی بزرگ‌تر از گسل تهرانه.

قاب مشاهیر ۲

جزئیات خواستگاری از شهناز پهلوی، دختر شاه در آمریکا: ۷۰سال پیش آقاخان محلاتی، شهناز پهلوی را برای پسرش خواستگاری کرد. به گزارش اطلاعات آنلاین، شهناز پهلوی دختر محمدرضا پهلوی و فوزیه فواد در سال ۱۳۳۳ در آمریکا مشغول تحصیل بود. خبرنگار روزنامه اطلاعات در قاهره ۷ بهمن ۱۳۳۳ گزارشی منتشر کرده که آقاخان محلاتی از منتفذین منطقه محلات و امامان فرقه اسماعیلیه هنگام سفر شاه و ثریا به آمریکا قصد دارد شهناز پهلوی را برای ازدواج با پسرش صدرالدین محلاتی خواستگاری کند. این خواستگاری با موافقت دربار ایران روبرو نشد و شهناز پهلوی سال ۱۳۳۶ با اردشیر زاهدی فرزند فضل‌الله زاهدی ازدواج کرد که بعد از ۷ سال به جدایی انجامید. شهناز پهلوی در سال ۱۳۴۹ با خسرو جهانبانی ازدواج کرد. گزارش اراخوانید: «یک شخص بسیار موثق نزدیک به آقاخان محلاتی امروز به من گفت که روز ۲۰ بهمن که اعلیحضرت همایونی به واشنگتن مراجعت می‌فرمایند، پرنس صدرالدین پسر کوچک آقاخان حضور معظم‌له شرفیاب خواهد شد. ترتیب این شرفیابی به‌وسیله سفارت برای ایران در قاهره داده شده و مراتب به عرض شاهنشاه نیز رسیده است؛ شخص موثق اضافه کرد این شرفیابی به‌مناسبت تقاضایی است که از حضور شاهنشاه درباره امکان ازدواج والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی با پسر خود پرنس صدرالدین بوده است. پرنس صدرالدین که مورد علاقه شدید آقاخان می‌باشد، اینک در بوئنوسریتی هاروارد مشغول تحصیل است و آقاخان قسمت اعظم ثروت خود را به او بخشیده است. درباره اینکه آیا شاهنشاه با تقاضای آقاخان مبنی بر ازدواج والاحضرت شاهدخت شهناز با پرنس صدرالدین موافقت خواهند فرمود، هنوز اطلاعی در دست نیست و پس از شرفیابی روز بیستم بهمن ماه این امر روشن خواهد شد» والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی اینک ۱۶ سال دارند و در آمریکا مشغول تحصیل هستند.

قاب تاریخ ۱

دی ۱۳۶۵ - شلمچه - روزهایی که در تاریخ ماندگار شدند: ۱۵ روز بعد از لورفتن عملیات کربلای ۴، ایران با کربلای ۵ برگشت؛ عملیاتی که دنیا را متحیر کرد. پیشروی تا زدن‌بی بصره... این نبرد، هم انتقام کربلای ۴ بود، هم لقطه عظمی در جنگ. غافلگیر شدن دشمن در منطقه حساس و با رزشی چون شلمچه، با وجود اشراف کامل بر منطقه، با رزترین ویژگی‌های عملیات کربلای ۵ محسوب می‌شود. مقاومت و ایستادگی نیروها در مقابل حجم شدید آتش توپخانه، ادوات، بمباران های هوایی و... در نگهداری دستاوردهای عملیات کربلای ۵، قلق‌العاده زیاد و غیرقابل تصور بود. عزم راسخ به توسعه سریل گرفته شده در شلمچه و حفظ آن، باعث شده بود برادران هرگونه سختی را به جان و دل بخرند. ۴۵ گردان توپخانه دشمن، نقطه به نقطه شلمچه را تحت پوشش خود داشت ولی این هرگز به روحیه بالای نیروهای بسیجی خللی وارد نمی‌کرد. فرمانده لشکر ۸ نجف، در گزارشی به فرماندهی کل سپاه، روحیه رزمندگان را اینگونه توصیف می‌کند: «روحیه بچه‌ها بی‌سابقه است؛ هیچ وقت این‌طور نبوده، بسیجی‌ها از گرد و غبار سیاه شده‌اند، ولی می‌ایستند.» فرمانده لشکر ۳۲ المهدی نیز در همین رابطه می‌گوید: «خدا شاهد است نه با حال اینچنین روحیه‌ای را در نیروها ندیده بودم... قبلاً در جاهایی که آتش دشمن شدید بود، به محض زخمی یا شهید شدن یک رزمنده سریعاً برای تخلیه کردن او داوطلب حاضر می‌شد ولی در اینجا به هر کسی می‌گفتیم که برای شلمچه مجروحان کمک کنید، می‌گفتند: نیروهای تخلیه مجروح هستند، من رزمنده‌ام، آمدم بجنگم.» این تصویر روایتگر آن روزهاست؛ روزهایی که در تاریخ ماندگار شدند. یاد شهدای کربلای ۴ و ۵ گرامی... عکس: ساسان مویدی.

قاب مشاهیر ۱

چه شد که موسی صدر به لبنان فرستاده شد؟ به چمران گفتم به موسی صدر بگویید برای ترور من اشتباه کردید! منصور قدر، یکی از چهره‌های بلندپایه ساواک و سفیر ایران در لبنان و اردن بود. حضور او در لبنان همزمان با فعالیت‌های امام موسی صدر و شهید چمران در این کشور بود که باعث شکل‌گیری خاطرات تاریخی قابل‌توجهی از آن دوره شده است. بنیاد مطالعات ایران در گفت‌وگویی با منصور قدر، بخش‌هایی از خاطرات او را جمع‌آوری کرده که خلاصه آن را به نقل از انتخاب می‌خوانید: (درهم ریختگی برخی از جملات ناشی از گفت‌وگوی شفاهی منصور قدر با مصاحبه‌کننده است):

آقای قدر: در اثر فشار سید موسی صدر بعد از سه ماه کسی که قصد ترور من را داشت از زندان آزاد کردند ولی البته اخراج می‌کنند از لبنان چون ایرانی بود و از ایرانی‌های مقیم لبنان بود و به این صورت او را اخراج می‌کنند که می‌بردش لب مرز سوریه و می‌فرستند او را به سوریه. چند روز بعد هم یک گذرنامه سوری برایش سید موسی می‌گیرد و مجدداً برمی‌گردد و می‌آید به بعلبک. با سید دیگر ما حوادثرو مراقب بودیم ولی دائات نمی‌گردیم که به مقامات لبنانی بگوییم که آقا این آمده و در بعلبک است تا اینکه مطلع شدیم که او می‌خواهد برود به ایران! آن موقع ثانیتی مدیر کل اداره سوم شده بود. گفتم چنین داستانی است و این مرد کار را بگیرید گفت شما وقتی این حرکت کرد و ویزا گرفت به ما اطلاع بدهید. من هم برای اینکه بدانیم که کی می‌رود و چطوری می‌رود بعد از اینکه به او ویزا بدهیم روی گذرنامه سوری او با اسم مستعار نام با بلیت هواپیما می‌خواستیم ولی اینو گرفتم که آقا را در زنگ تو بودن بلیت هواپیما را نشان داد ولی با اتومبیل آمد به فرستریین و ایران و هیچ کس هم نفهمید. بعد از چند روز من آمدم تهران و پرویز ثابتی به من تلفن کرد که آقایین مرد کی در تهران است و از طریق قصرشیرین آمده مراقب خودت باش یک عده هم هستند بعد از چند روز او را گرفتند و محاکمه کردند و محکوم شد به اعدام، باز طبق معمول یک درجه تخفیف گرفت و در زندان بود تا بعد از انقلاب درآمد و شد مدیر کل تبلیغات؛ روزی که داستان پرتاب کردن نارنجک به اتومبیل اتفاق افتاد تلفن کردم که با سیدموسی صحبت بکنم گفتند امام نیستند. چمران بود. گفتم که پس به امام‌تان بگویید که سفیر صحیح و سلامت است و به شما سلام می‌رساند و بگویید که شما اشتباه کردید در این عملی که کردید. دو ساعت بعد تلفن کرد که من خیلی متأسفم و نبودم و این حرف‌ها. گفتم بله متأسفانه از نظر شما و خوشحتانه از نظر من اتفاقی نیفتاد. گفت نه چنین چیزی نیست. متأسفانه از طرف من نیست...

قاب تاریخ ۲

چونگی انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی دوره پهلوی: نماینده‌ای که از نمایندگی‌اش خبر نداشت! پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشکده تاریخ معاصر (امیرکبیر) افشار، از رجال مهم و تأثیرگذار سیاست خارجی و تشرفات دربار در دوره پهلوی، در بخشی از مصاحبه خود با مهناز افخمی به چگونگی انتخاب خود برای نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره نوزدهم اشاره کرده است. در سال ۱۹۵۵-۱۹۵۶ (۱۳۳۴) افشار از سوی وزارت خارجه ایران در آمریکا مأموریت داشت. او گفته: در این دوره «یک روز در فیلادلفیا رفتم کافه‌ذهابی را از پنجشنه گرفتم و همین طور با اتومبیل می‌رانم. اتومبیل که می‌رانم این کاغذها را باز کردم. یکی از کاغذها را دیدم که از وزارت خارجه نوشته‌اند که شما در انتخابات مجلس شورای ملی به عنوان نماینده مراغه انتخاب شدید و قبولی خودتان است. اصلاً انتظارش را هم نداشتم». مصاحبه‌کننده از او می‌پرسد: «هیچ قبلاً شما اطلاع نداشتید؟» افشار پاسخ می‌دهد: «خیر؛ برنامه‌ای نبودش.» البته در ادامه افشار از این انتخاب بسیار ابراز رضایت و خوشحالی می‌کند. عالم‌زاده به عنوان نماینده، امیر متولی در قاموس سیاسی و نماینده‌گی در دوره پهلوی بود. شرح عکس: سه نفر وسط، از راست: امیرصالحان افشار، عباسعلی خلعتبری و فریدون هویدا.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

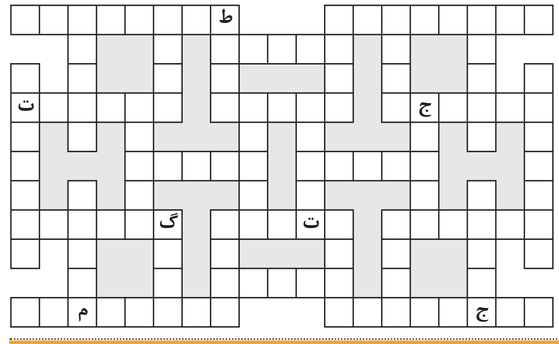

توضیح

کلمه‌هایی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم، جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: بدرقه، بی‌رحم، تهییج، دلتا، طیره، جریزه، گدزا، گالیوم، مرام، دفترک، مسجل، رازها، نخاع، سواری، یاسی، لهیده، متجدد، ویراژ، اثبات، هیهات، امروز

۶ حرفی: آرارات، راه‌اهن، آتاکاما، جمع آوری

۸ حرفی: آزادتمند، آکواریوم، طلایه دار، مسجد اعظم

۵ حرفی: آخرا، تهمیج، طیره، گدزا، مرام، مسجل، نخاع، یاسی، لهیده، ویراژ، اثبات، هیهات، امروز

لغت یابی

جدول کلمات متقاطع

افقی

۱- جذر ۶۴۰۰- دم بریده- جوانمردی
۲- کنایه از موهوم و خیالی- بیمار
۳- حاصل سوختن کربن- اتاقک چوبی- دزدیدن
۴- رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه- سوگ و عزا- آسمانی
۵- یار عروس- خوابیدن- آب بند
۶- هم‌سازی کارتونی پت- سر و صدا و هیاهو- جستجو کردن
۷- هدف ها- آموزشگاه عالی- قانون مغولی
۸- رنگ- از آثار تاریخی کاشان- قسمت
۹- ضروری و لازم- غذایی از تخم‌مرغ- اندام ها
۱۰- مغناطیس- صدای بم- از نشانه‌های جمع فارسی
۱۱- واحد سطح- قطعه‌ای در چرخ‌خیاطی- کفش نظامی
۱۲- قصری که سنمار ساخت- میرغضب- وقت و هنگام
۱۳- معجزه حضرت موسی(ع)- امیدوار کردن- راه فاضلاب
۱۴- خودرویی ایرانی- معادل فارسی تنورسین
۱۵- میوه هزاردانه- صبر زرد- ضایعات بوجاری غلات

عمودی

۱- استارت قدیمی ماشین- پر و سرشار- به تازگی
۲- زاری- پرهیزکاری- شهری در هرمزگان
۳- استوار کردن- در آن مکان- خدای ما
۴- اسب آذری- ناتمام- از شاگردان ابوعلی سینا
۵- پرستار کودک که زن باشد- مدح کننده- نقض کننده
۶- حوله- پول قدیمی آلمان- مادر ترکی
۷- نیاکان- کشوری آسیایی- سایه
۸- شادمانی و سرور- به‌طور کامل- کرم حشره
۹- حرف فاصله- ناسازگاری- خلیج شمال ونزوئلا
۱۰- حیله‌گر- بلندترین قله کوهستانی ژاپن- مجموع درآمدها
۱۱- رخوت و ضعف- خلاص- نوعی آشپزخانه
۱۲- فقر و نداری- نیکو روی و خوبرو- از مهره‌های شطرنج
۱۳- رقیبان- سازمان قضایی- ایالتی در آمریکا
۱۴- از عوامل بیماری‌زا- پرنده کوچک خوش‌آواز- اندیشه
۱۵- آدامه دادن- محو کردن- محل دیدن اشیای عتیقه

جدول و سرگرمی

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

جدول سودوکو

جدول شرح در متن

ابراهیم افشار

آهای کله‌پوک‌های دوست داشتنی

۱ شورش تماشاگران بدوی از نسل نخست آغاز شد؛ وقتی که چند شاگرد بنّا و عمله به بازیکنان تیم اسپرت ارامنه تهران توهین‌های ناموسی کردند و کمیساریای پایتخت مجبور شد آنها را جلب و آنقدر کتک بزند که التزام دهند و دیگر دور استادیوم نچرخند. کمی بعد آنها حتی از کتک زدن حسین افندی صدقیانی پدر فوتبال ایران هم خودداری نکردند. مردانی که سر مسابقه آموزشگاهی فوتبال بین تیم‌های دارالفنون و ایرانشهر شوریدند، خیرسرشان دانش‌آموز بودند و قرار بود از فرهنگ لمپنی گریزان باشند. آن روزها صحنه مسابقات آموزشگاهی، از بازی‌های باشگاهی امروز هم خونی‌تر و حساس‌تر بود. مخصوصا بازی‌های دارالفنون و ایرانشهر که به خاطر حساسیتش معمولا جنجالی از آب درمی‌آمد. آنجا که ستاره‌هایی چون نادر افشار، محمود شکیبی، بویوک‌آقا جدیکار، عباس فاخری، پرویز کوزه‌کنانی، محمود بیاتی و حتی ناصر ملک‌مطیعی، چیزی در حد تیم ملی در سایه بودند که در تیم مدرسه ایرانشهر بازی می‌کردند و کلی بازیکن نخبه به همراه دو بازیکن اصفهانی به اسم عبدالرضا موزون (اولین داور دربی سرخابی‌های تهران) و حریری (بنیانگذار سپاهان اصفهان) هم در تیم دارالفنون توپ می‌-زدند. در آن فینال مسابقات حساس آموزشگاهی در ابتدای سال‌های ۳۰ که داورشان هم داوودخان نصیری بود بازی چنان حساس شد که ناگهان لگد ناغافلی از سمت حریری حواله شد به بازیکن ایرانشهر و تماشاگران خونی، از حائل‌های بدون سیم‌خاردار میدان گذشته و ریختند توی میدان که بازیکنان دارالفنون را ادب کنند. خوب آنجا طرفداران دارالفنون هم پپه نبودند و توی‌شان چند کشتی‌گیر قلچماق حضور داشتند که زدند به دل ایرانشهری‌ها و همه‌شان را شهله‌شهله کردند. آن روز آنکه بیشتر از همه پای چشمش بادمجان کاشتند، ناصر ملک‌مطیعی بود که بازیکن خوش‌تکنیک ایرانشهر بود! او آن روز، نه‌تنها سیر کتک خورد بلکه در نهایت به سبب قساوت حکام روز فوتبال، از بازی بعدی هم محروم شد!

۲ دیگر در خواب هم نمی‌توانم ببینم امجدیه دهه چهل و پنجاه را که تشخص تماشاگرانش و هواداری ناب‌شان، نَسب به شازده‌ها و آدم‌های باپرنسیب می‌برد و ناگهان در جایگاه می‌دیدی که یک طرفت سایه ابتهاج و ساموئل خاچیکیان نشسته و یک طرفت سهراب سپهری. یک طرفت فرهاد مهراد و رفقای ترانه‌سرایش و کمی آنسوتر جماعت دانشجوی دانشگاه تهران که هرهر و کرکر می‌کنند و آدرنالین خون‌شان ریخته وسط چمن. گاه شاعری را می‌دیدی که برسر راه بازیکنان عقاب، گل‌سرخ پرپر می‌کند. کمی آنسوتر مادر ستاره فوتبال نشسته و کمی دورتر، سینماگری که تمام عشقش فوتبال است و در قراردادهای خود با تهیه‌کنندگان، بندی را اختصاص داده به اینکه پنجشنبه جمعه‌ها محّق است سر صحنه نیاید و به ورزشگاه برود. نیم قرن بعد، بخشی از استادیوم‌ها پر از گرگ‌ها و دیوبچه‌هایی شد که حین تماشای فوتبال، خون می‌خوردند و چرک قِی می‌کردند.

آنارشیسمی که شبیه هیچ وندالیسمی در دنیا نبود. این «دیوبچه» سکونشین هر روز بزرگ و بزرگتر می‌شد و فوتبال را با تمامی زیبایی‌هایش می‌بلعید و از رسالت‌های انسانی تهی می‌کرد. همان سکوهایی که روزگاری گوش به رسانه‌هایش می-سپرد و فوتبال مصلحانه را دوست می‌داشت. رسانه‌های وظیفه‌شناسی که به عشق پاکیزگی فرهنگی آن امجدیه یشمی برای تماشاگرانش شعارسازی می-کرد: وقتی توپ به دروازه حریف وارد شد شعار «بچه‌ها مفتخریم» سر بدهید. اوقاتی که قهرمانان مورد علاقه‌تان گل زده اما اشباع شده‌اند شعار «بچه‌ها غّره نشید. بدوند خسته نشید. بچه‌ها وقت طلاست. بدوید حمله کنید...» و نیز شعار پیشنهادی‌شان برای تماشاگران در زمانی که تیم‌شان گل خورده و دلسرد شده بودند چنین بود: «باخت مردان، هنر است. ابتدای ظفر است. چشم مردم به شماست. گل زدن شیوه ماست...» اما نیم قرن بعد همان رسانه‌های ورزشی که کارشان انسان‌سازی بود، خود تبدیل به اوباشگر شدند. اوباشان و اراذلی که تولیدی همین اجتماع خشمگین و خیره‌سر بودند. تولیدات سری‌دوزی شده خرده‌فرهنگ همین مدیران خواب‌آلود و پولکی خودمان. آنها از مریخ و اورانوس نیامده بودند بلکه پرورده همین اجتماع کاسبکارانه بودند. پرورش‌یافته همین خیابان‌های خالی از مروت و گذشت. آنها از دل همین توده‌های بی‌شکل و بی‌نشان، برون‌ریز شده بودند. روزگاری نویسندگان می‌گفتند ساختن تماشاگر خوب از تولید مربی خوب و بازیکن خوب و داور خوب هم سخت‌تر است. آن روزها «فوتبال مولف» در این مملکت به دنبال ساختن انسان «آگاه و مسئول» بود نه زنجیرگسیختگانی که محصول تجارتخانه‌های فوتبال به شمار می‌رفتند. آنها می‌نوشتند که «در یونان قدیم وقتی المپیک‌ها مُردند، جنگ‌ها متولد شدند». فوتبال مولفی که درصدد این بود که در امجدیه‌ای که شاعرانش گلبرگ گل‌سرخ برسر بازیکنانش می‌پاشند از جنگ‌های شریرانه روی سکوها خبری نباشد.

۳ اولین بار که طرفداران دو تیم سرخابی در دربی از خجالت هم درآمدند کیهان ورزشی تنها یک کار کرد. نوشتن گزارش بازی را تحریم کرد. با جلدی سفید در اعتراض به این همه اوباشگری، تیتر زد که این بازی چیزی برای نوشتن و خواندن ندارد. اولین شهرآورد آبان‌ماهی سرخابی‌ها غم‌انگیزترین‌اش نیز بود. همان شهرآورد ناتمام ۲۵ آبان ۱۳۵۸ در امجدیه پیر که از دقیقه ۷۵ به خاک و خون کشیده شد و کلی مجروح روی دست‌مان گذاشت و مقامات سیاسی را وادار به تعطیلی موقتی فوتبال کرد. همان ورزشگاهی که روزی روزگاری در فرهنگ شفاهی و مکتوب ما، «خانه عشق» نامیده می‌شد ناگهان تبدیل به یک زباله‌دان فرهنگی شده بود.

۴ داستان‌های پلشت عصیان کورکورانه تماشاگران قدیمی را با رجعتی به ۴۸ سال پیش (۱۳۵۵) می‌توان بازخوانی کرد. این نوشته ورزشی‌نویس معروف آن روزها درباره تحلیل وندالیسم و طغیان تماشاگران ایرانی است که با تیتر «چرا تماشاگر سیلی می‌زند؟» سوالی مطرح می‌کند و سپس در پاسخ می‌گوید: «چون بلیت ارزان نیست. وسیله رفاهی هم نیست. تماشاگر، ناراحت می‌آید و ناراحت می‌رود. او آب و آبریز و خوراکی ندارد... و جای مشخص و صندلی شماره‌دار هم.»

درد عصیان تماشاگران قدیمی اما از سال‌ها پیشتر از این جمله‌ها آغاز شده بود. آنجا که به خود اجازه دادند شخصا مربی تیم ملی را کتک بزنند و چنین شد که روزنامه‌های ایران در فردای بازی برگشت ایران با کره‌شمالی در ششم خرداد ۵۱، کُت فوتبال را روی سرش کشیدند! آن روزها تیم ملی فوتبال ایران که از نبردهای فشرده قهرمانی جام ملت‌های آسیا با جام طلا اما خسته و کوفته به تهران برگشته بود و بیش از هر چیز نیازمند فریادهای موافق تماشاگرانش بود با اداها و اطوارهای آنها مواجه شد. در پایان آن بازی، یک تماشاگر جوان به طرف سرگرد رنجبر حمله‌ور شد و با او به زد و خورد پرداخت. تماشاگر جوان که بی‌اختیار فریاد می‌کشید و ناسزا می‌گفت رنجبر را مسئول تساوی با کره‌شمالی می‌دانست و عصبی به او پرخاش می‌کرد که چرا همایون بهزادی را به بیرون فرا خوانده و جای او را به مظلومی سپرده است. رنجبر که حالش از این همه اسائه‌ادب خراب بود می‌گفت «آیا مردم از یاد برده‌اند که ما یک هفته پیش برای دومین بار جام قهرمانی ملت‌های آسیا (۱۹۷۲) را ربودیم؟».

۵ بزرگان فوتبال ایران همیشه از دست یک عده تماشاگر عاصی، خون‌دل‌ها خورده‌اند. نه تنها صدقیانی و رنجبر از دست تماشاگران نابخرد کتک خوردند نه‌تنها آقای دهداری از دست آنها گلوله برفی خورد، بلکه علی‌آقا دانایی‌فرد پدر فوتبال تاج در بازی بزرگداشت خود در روز شنبه ۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸ چیزهایی به چشم دید که امان از فوتبال برید. روزنامه اطلاعات فردای این بازی نوشت: «مسابقه فوتبال استقلال و پرسپولیس که به منظور تجلیل از علی دانایی‌فرد با حضور بیش از ۲۰ هزار تماشاگر در امجدیه جریان داشت، به علت اعتراض گروهی از تماشاگران نسبت به قضاوت داور، نیمه‌کاره ماند. در عوض تعدادی مجروح بر جای ماند. استقبال تماشاگران از برنامه‌ای که در جهت بزرگداشت علی دانایی‌فرد خدمتگزار واقعی فوتبال ایران تدارک دیده شد، مایه امیدواری همه زحمتکشان واقعی ورزش گردید ولی متاسفانه همه امیدها را گروهی انگشت‌شمار و در واقع ضدورزش، با دخالت بی‌جای خود به حریم قضاوت داوری، بر باد دادند و مکان مقدس ورزش را به جنجال و زد و خورد کشاندند. در دقیقه ۴۲ نیمه اول تیم استقلال از ضربه خوب سر غلام فتح‌آبادی صاحب یک گل شد. در نیمه دوم پرسپولیس برای جبران گل حملات زیادی روی دروازه استقلال داشت ولی با بازی حساب‌شده حریف، همه حملات بی‌نتیجه ماند. طرفداران پرسپولیس که برای جبران گل از دست‌رفته بی‌تاب شده بودند، داور را مقصر دانستند و دشنام دادن به او را آغاز کردند. در پی آن گروهی تماشاگر متعصب، به هروس باغومیان داور مسابقه حمله‌ور شدند و داور که اوضاع را وخیم دید زمین را ترک کرده و به سوی رختکن رفت اما تماشاگران در آستانه رختکن هروس باغومیان را در میان گرفته و مجروحش ساختند که سرانجام به کمک ماموران انتظامی و گروه دیگری تماشاگر، نجات یافت. بعد از آن تماشاگران علیه تیم‌های یکدیگر شروع به دادن شعار کردند و سپس به جان هم افتادند که در این هنگامه، تعدادی از آنان مجروح و روانه بمیارستان شدند. باعث تاسف است که طرفداران دو تیم خوب و بزرگ تهرانی که همیشه مسابقه‌های‌شان هیجان‌انگیز و پرتماشاگر بوده به جای تشویق و به حرکت درآوردن بیشتر و بهتر یاران موردعلاقه خود- آن هم در روزی که به نام بزرگداشت یکی از بزرگان فوتبال کشور می‌باشد- چنین وضعی پیش بیاورند که کار به زد و خورد بکشد و آنطور که گفته می‌شود مقام‌های ورزشی را برآن دارد که برای مدتی از خیر برگزاری مسابقات فوتبال بگذرند.»

۶ اگر یک زمان سکوهای ورزشگاه را گنگسترهای نوددقیقه‌ای پر می‌کردند روزگاری هم روی همان صندلی، سهراب سپهری شاعر سنجاقک‌ها و نسترن-ها می‌نشست که در طول زندگی‌اش هیچ چیز او را مثل عکس آشتی‌کنان و روبوسی دو ستاره دعوایی سرخابی معروف در اواخر دهه ۴۰ خوشحال نکرده بود. دل سهراب از فحش‌خور شدن آنها در امجدیه به دست تماشاگران عاصی هر دو تیم، چنان خون شده بود که فقط بعد از نامه شکوه‌آمیز خود به کیهان ورزشی قرارش را بازیافت. زمستان خونین سال ۱۳۴۹ بود که بازی تاج و پرسولیس به خاک و خون کشیده شد. تماشاگران عصیان‌زده پاپتی هرچه از دهان‌شان درآمد به ستاره‌های دو تیم گفتند و هیچ شرم نکردند. آخرین روزهای دی ماه قندیل‌بسته‌ای بود که نتیجه در داخل میدان، یک- یک تمام شد اما بازی به خاطر همین درگیری‌ها و فحاشی‌ها در دقیقه ۷۵ نیمه‌تمام ماند. پرسپولیسی‌ها با ترک میدان بهانه‌ای دست فدراسیون دادند که نتیجه سه –هیچ به سود آبی‌ها اعلام شود. اما فارغ از نتیجه، آشتی‌کنان ستاره‌های دو تیم در دفتر مجله دنیای ورزش بود که قلب سهراب را مهمان آرامش کرد. آن روز پرسپولیس در حالی که با گل دقیقه دو حسین روس جلو بود و بازی را با همان ۱-صفر به یک ربع آخر کشانده بود با گشوده شدن دروازه‌اش با پای عباس‌آقا فروارد تاجی‌ها چنان از داور شاکی شد که چشم ستاره‌هایش را خون گرفت و رفتند دست به محاصره ارشدخان داور بازی زدند و سیلی‌ای که از عزیز اصل‌کاری به گوش داور زد. چیزی که دل سهراب سپهری را به درد آورد دعوای خونین همایون بهزادی (فوروارد پرسپولیس) و مهدی لواسانی (بک تاج) بود که جلوی چشمان تماشاگران در حال انفجار از خجالت همدیگر درآمدند. فحش‌های چارواداری تماشاگران دو تیم خطاب به ستاره-های تیم مقابل چنان فضای ورزش را چرکین و افکار عمومی را آزرد که فردایش سهراب نامه‌ای خصوصی برای صدرُل خان در تحریریه کیهان ورزشی فرستاد و به این استاد دانشگاه گوشزد کرد که چرا فوتبال اینقدر سبعانه شده است؟ چرا فوتبال لطافت و رمانس خود را ازدست داده است؟ شاعر دل‌نازک بودایی را به ویژه فحاشی تماشاگران خطاب به ستاره‌های معروف، بدفرم آزرده‌خاطر کرده بود. او طاقت دیدن اشک‌های هیچ ستاره را نداشت و فوتبال را محل نبردهای خونین نمی‌دید. یک هفته بعد از دربی خونین تهران بود که همایون و مهدی به دفتر مجله دنیای ورزش رفتند و با هم دیده‌بوسی کردند. وقتی همدیگر را بخشیدند دنیا تیتر زد «وقتی قلب‌ها پاک است، چرا در میدان ورزش چنین نیست؟»

نادر نامدار

حقت این نبود آقای مقصر!

حتی دوست ندارم یک ثانیه هم خودم را جای آنها بگذارم. اصلا نمی‌توانم تصور کنم یک جمعیت چندده هزار نفری، یکصدا و با تمام وجود، علیه من شعار بدهند، چه غیرمحترمانه و چه کاملا منشوری! همیشه بیرون گود نشسته‌ام و از بازیکنان و مربیانی که نسبت به شعارهای ناجور و زشت هواداران واکنش نشان می‌دهند، مثل بیرانوند که سر تکان می‌دهد و هیس نشان می‌دهد، یا شجاع خلیل‌زاده که مقابل میکروفون و دوربین هواداران، فحاشی هواداران را به خودشان برمی‌گرداند، یا مثل اریک کانتونا که هوادار فحاش را به باد مشت و لگد می‌گیرد، انتقاد کرده‌ام. البته انتقاداتم انصافا خیلی هم غیرمنصفانه نیست. بالاخره بین کسانی که قراردادهای چندده میلیاردی و چندصد میلیاردی می‌بندند، با کسانی که حقوق‌شان آنقدر نیست که مشمول مالیات شود، باید از نظر جنبه و ظرفیت، فرقی باشد یا نه؟ یک روز همین چندده هزار هوادار برای امثال بیرانوند شعارهای قهرمانانه ساخته‌اند و او را حسابی تشویق کرده‌اند و با او در جشن قهرمانی و بریدن سر نمادین رقیبان و هواداران‌شان همراهی کرده‌اند. یک روز هم چرخ روزگار چرخیده و همان‌ها علیه خود او شعارهایی به تلخی زهر سر داده‌اند! راستش فکر می‌کنم اگر بیرانوند و امثال او، جنبه آن تشویق‌ها و آن شادی‌ها را داشتند، امروز راحت‌تر با این شعارهای شرم‌آور کنار می‌آمدند.

با همه این‌ها، دوشنبه شب وقتی ویدئوهایی از شعارهای هواداران پرسپولیس علیه علیرضا بیرانوند را شنیدم و سر تکان دادن‌های او را دیدم، دلم گرفت. برای اولین بار دلم برایش سوخت. اصلا علاقه‌ای به شخصیتی مثل بیرانوند ندارم. در همین روزنامه هفت‌صبح هم بارها علیه او نوشته‌ام و هنوز دلم خنک نشده! معتقدم اگر بخواهیم تصمیمات و کارهای درست و غلط او را در دوران فوتبال حرفه‌ای‌اش مقایسه کنیم، کفه تصمیمات غلطش به شدت سنگین‌تر خواهد بود. اما واقعیت این است که او حتی اگر چند برابر بیشتر از این اشتباه کند و حرص هواداران تیم سابق و فعلی و بعدی‌اش را در بیاورد، باز هم سزاوار این رفتار نیست، چه برسد به خانواده‌اش که نه سر پیازند و نه ته پیاز!

می‌دانم که بیرانوند در این سال‌ها بیشتر از هر کسی هواداران پرسپولیس را آزرده‌خاطر کرده است. او یک بار برسر هواداران منّت گذاشت و خودش را کسی معرفی کرد که پرسپولیس را بعد از ۱۰ سال قهرمان لیگ‌برتر کرده، یک بار تا پای امضای قرارداد با استقلال رفت و برگشت! یک بار به هواداران که علیه او شعار می‌دادند هیس نشان داد و در نهایت با آن سر و شکل ناجور از پرسپولیس جدا شد و به تراکتور رفت و در عصبانی‌تر کردن هواداران با مصاحبه و پست و استوری اینستاگرامی، کم نگذاشت. گاهی هواداران حتی تحمل یکی از این چند سرکشی و یاغیگری را هم ندارند و بازیکن را کنار می‌گذارند اما بیرانوند خیلی عزیزتر از این حرف‌ها بود و بارها مورد بخشش هواداران پرسپولیس قرار گرفت. ولی نحوه جدایی‌اش از پرسپولیس، پل‌های پشت سرش را خراب کرد. همه اینها را گفتم تا بدانید که خاطرم هست او چقدر پرسپولیسی‌ها را آزار داده اما همانطور که گفتم، همه این‌ها و ۱۰ برابر بیشترش هم نباید باعث شود خانواده او، به آن شکل وقیحانه مورد فحاشی و توهین چندده هزار نفره قرار بگیرد. اصلا مادر علیرضا کجای این ماجراست و چرا باید فحش بشنود؟ همسر او چه گناهی کرده؟

همچنان منتظرم آنهایی که به خانواده بیرانوند فحاشی کردند، مجازات شوند. ماجرا هم فقط بیرانوند نیست. ناامیدانه امیدوارم بساط اینجور فحاشی‌های جنسیتی از استادیوم‌های ایران جمع شود اما باز هم ناامیدانه این امید را هم دارم که بیرو از این اتفاقات درس گرفته باشد. اینجور نباشد که از جریمه و محرومیت احتمالی هواداران پرسپولیس به این نتیجه برسد که خودش هیچ گناه و اشتباهی نداشته است. اصلا همین که ترابی و اسماعیلی‌فر کمتر از او فحش خوردند و شعار شنیدند، باید بیرانوند را به فکر برده باشد. او باید تغییرات در رفتار و شخصیتش را از همان لحظه‌ای که اولین فحاشی‌ها به خانواده‌اش را شنید، آغاز کرده باشد. شک ندارم اگر خودش بخواهد می‌تواند فضا علیه خودش را عوض کند. اما اگر قرار باشد بعد از بسته شدن پرونده این ماجرا، به خودش حق بدهد و همچنان همان بیروی قبل از این بازی باشد، باید همچنان منتظر شنیدن همان شعارهای شرم‌آور علیه خودش و خانواده‌اش باشد. از ما گفتن بود آقای بیرو!

حمید رستمی

از یهودای خائن تا یاغی وطنی!

۱ تابستان سال ۷۹، تابستان منحصربه‌فردی بود. تابستانی که نه رنگ‌وبوی تجدیدی داشت، نه حسی از شادمانی‌های کودکانه، نه طنینی از یک عشق به هرز رفته، نه کوچه پس کوچه‌های تمام‌نشدنی نوجوانی‌های بی‌ریخت، فقط تابستانی فراموش‌نشدنی برای پسرک لاغراندامی در غربت محسوب می‌شد که باید با سری کچل و لباسی خاکی در غرب‌ترین نقطه این خاک گربه‌ای‌شکل قدم رو بزند و به راست‌راست بکند و به چپ‌چپ و یک پا طلایی بالقوه باشد برای روزهای تمرین رژه دسته‌جمعی! روزگاری غریب که عصرهای تلخ جمعه‌های تمام نشدنی، هر کدام از هم‌قطاران دنبال سایه درختی، پشت بوته‌ای برای تخلیه کردن باران حبس شده در چشمخانه‌شان باشند و نوای حزین پسرکی در دورتر که بخواند: آغاج اولایدیم ..یولدا دورایدیم ...سن گلن یولا کولگه سالایدیم .. (درختی می‌شدم و سر راهت می‌ایستادم و به جاده‌ای که تو از آن عبور می‌کنی سایه می‌انداختم) اما آن تابستان گرم و طولانی کرمانشاه و بوی عرق و کثافتی که آدم را از جوان بودن پشیمان می‌کرد یک سرطلایی و یک پا طلایی دیگر هم داشت که کیلومترها آن طرف‌تر، جوانک سرباز چشم تیله‌ای را برای رسیدن فرداهای بهتر امیدوار می‌کردند و او لحظه شماری می‌کرد تا خروس‌خوان شود و آفتاب گرم مردادی از شرق‌ترین نقطه غرب ایران طلوع کند و به بهانه خرید چیزی به شهر برود و جلوی دکه‌های روزنامه‌فروشی از رژه تیترها و عکس‌های سیاسی و ورزشی سان ببیند. هنوز به غروب آفتاب مطبوعات و خزان شدن بهارشان دو سه دانگی مانده بود. تیترهای دلهره‌آور روزنامه‌های ورزشی برای کسی از کودکی طرفدار آبی‌های پایتخت و قوهای سپید برنابئوست فراتر از انفجار بود و با هر لحظه نزدیک شدن به صحت خبر، قند توی دلش آب می‌شد و غم غربت و اسیری و غم یار را به صفر می‌رساند. آن روزها مصادف بود با دو انتقال جنجالی در ایران و جهان که از بخت خوشمان هر دو به نفع ما در جریان بود و جفتشان به یک اندازه غیر قابل باور و دست نیافتنی!

۲ وقتی چند روز قبل از برگزاری انتخابات ریاست باشگاه رئال مادرید، مرد جوانی به اسم فلورنتینو پرز ظهور کرد و وعده داد که در صورت انتخاب به عنوان رئیس باشگاه مادریدی، لوئیس فیگو را به برنابئو خواهد آورد کسی در جنونش تردیدی به خود راه نداد. مگر امکان داشت کاپیتان دوم بارسایی‌ها در اوج اشتهار و محبوبیت راه باشگاه رقیب را در پیش گیرد؟ ولی پرز که هنوز داغ شکست ۵ سال قبلش از سانز را در دل داشت این بار قماری را آغاز کرده بود که هر دو سرش برد بود. او از وضعیت نابسامان مدیریت باشگاه رقیب کمال استفاده را کرد و در حالی که مدیر مستقر بارسا امیدی به انتخاب مجدد نداشت و در نتیجه تلاشی برای تمدید قرارداد فیگو صورت نمی‌داد و کاندیداهای جدید هم از نظر قانونی اختیاری برای تمدید نداشتند، پرز فرصت را غنیمت شمرد و زیر پای وکیل فیگو نشست تا او را راضی به ترک بارسا کند. او بعد از کسب رضایت فیگو و وکیلش قرارداد اولیه‌ای با او امضا کرد که در صورت برگشتن رای فیگو از پیوستن به رئال مادرید او را به پرداخت ۳۰ میلیون یورو غرامت محکوم می‌کرد و از طرف دیگر به طرفداران رئال قول جذب فیگو در صورت انتخابش به عنوان رئیس باشگاه را داد و در صورتی که قادر به انجام وعده‌اش نمی‌شد به هواداران قول داد که حق عضویت سالانه‌شان را از جیب خود به آنها بپردازد که مبلغی حدود ۲۲ میلیون یورو را شامل می‌شد.

۳ چند ماه بعد که لوئیس فیگو با پیراهن سفید شماره ۱۰ رئال مادرید پا به چمن سبز نیوکمپ گذاشت طرفداران بارسا در بیرون ورزشگاه پیراهن‌های آبی اناری شماره ۷ متعلق به یهودای خائن خود را به آتش می‌کشیدند. واکنش‌ها به حدی جنون‌آمیز بود که بازی یک ربع متوقف شد. صدای سوت و شعارهای کاتالانی‌ها تا طبقه هفتم آسمان می‌رفت و بطری و سنگ و اشیای دیگر به طرفش پرتاب می‌شد و برای هر ضربه کرنر باید گارد ویژه امنیت ورزشگاه به کمکش می‌آمدند. در همین لحظه دوربین چهره خندان پرز را نشان می‌داد که سیگاری را آتش می‌زند و از بلبشویی که درست کرده لذت می‌برد و نگاه هراسان پپ جوان به ادامه ماجرا و اتفاقی تکرار نشدنی در فوتبال و پرتاب کله خوک به طرف فیگو و برخوردش به پای بازیکن پرتغالی و نتیجه‌ای که به باخت منتهی شد و تا دو سال بعد لوئیس فیگو دیگر پایش را به نیوکمپ نگذاشت.

۴ قصه یاغی گری مهدی هاشمی‌نسب، ستاره آن روزهای پرسپولیس از چند هفته قبل‌تر از انتقال فیگو شروع شده بود و البته ریشه‌های داستان برمی‌گشت به چند ماه پیش‌تر و اختلاف‌های سرطلایی سرخ‌ها با علی پروین، مربی باجذبه و قدرقدرت این باشگاه که به رغم محبوبیت شگرف مهدی و چهار بار گلزنی‌اش در دربی چندان به مذاق علی آقا خوش نمی‌آمد و نیمکت‌نشینی‌اش در جام باشگاه‌های آسیا اوج این اختلاف نظر بود و حضور هاشمی‌نسب در دقایق پایانی و گلزنی و شادی پس از گلش آتش این اختلاف را شعله‌ورتر کرد تا اینکه در اوایل بهار در یکی از بازی‌های پرسپولیس، مهدی به سمت اندک طرفداران استقلالی حاضر در ورزشگاه رفت و برایشان گل پرتاب کرد تا آرام‌آرام شایعات رنگ واقعیت به خود گیرند اما همه این اتفاقات در اواخر دهه ۷۰ امری معمول بین بازیکنان سرخابی بود که برای بازارگرمی هم که شده گاه حرکت‌هایی می‌زدند و عصر همان روز با یک جعبه شیرینی و دسته گل به سر تمرین تیم خود برمی‌گشتند و همه چیز برمی‌گشت به حالت اول و گل و بلبل و از این حرف‌ها!

۵ وقتی که روزنامه اخبار ورزش تصویر فتوشاپی هاشمی نسب با پیراهن آبی را در صفحه اول خود کار کرد و روزنامه دیگری تیتر زد «شاه‌ماهی در تور آبی!» هواداران کم‌کم به این باور رسیدند که این بار شاید قضیه متفاوت‌تر باشد ولی باز کمتر هواداری می‌توانست حدس بزند که یک بازیکن تمام شکوه و جلال و جبروت و منزلتش را در یک باشگاه جا بگذارد و راهی تیم رقیب شود. هرچند این کار را چند سال پیش احمدرضا عابدزاده انجام داده بود ولی به دلیل مصدومیت چند ساله‌اش و وقفه‌ای که بین پیراهن آبی و قرمز و البته حضور کوتاه‌مدتش در این میان در دروازه سپاهان باعث شده بود که حساسیت‌ها فروکش کند. بالاخره تعبیر تدریجی رویا صورت گرفت و انتقال بزرگ رنگ واقعیت پذیرفت تا در دربی نخست حضور هاشمی‌نسب جو ورزشگاه ازادی را به بالاترین حد از التهاب برسد و بعد از آن گلزنی و غش کردن مهدی و اسکناس‌های هزار تومانی و فحش‌های آبداری که هواداران قرمز نثار ستاره سابقشان می‌کردند، باعث شد که انتهای بازی علیرغم تساوی دو تیم، به دعوا و کتک‌کاری بکشد و مشت پرویز برومند به پایان رافت و کتک‌کاری حمید اسیلی با محمد نوازی و فن تکواندو مهدی تارتار هنوز هم به عنوان یکی از سیاه‌ترین برگ‌های تاریخ دربی مطرح باشد.

۶ در فوتبال حرفه‌ای دنیا انتقال از یک تیم به تیم دیگر امری پذیرفته و بدیهی‌ست و اگر این دو تیم رقیب مستقیم و سالیان دور باشند قضیه کمی پیچیده‌تر می‌شود و باز البته اتفاق خیلی تلخی را شاهد نمی‌شویم ولی در ایران پتانسیل آن را داریم که هر امر بدیهی را تبدیل به مساله‌ای حیثیتی کرده و هر فحش و ناسزایی که به زبانمان آمد را نثار قهرمان دیروزمان کنیم. اینکه علیرضا بیرانوند در بدترین شکل ممکن از پرسپولیس جدا شده باشد هم مجوز فحاشی به مادر، خواهر و همسرش را صادر نمی‌کند و این در حالی‌ست که اگر یک سال پیش همین موقع کسی در توان ورزشی و اخلاقی بیرانوند ذره‌ای تشکیک می‌کرد از سوی همین هواداران با شدیدترین واکنش‌های منفی مواجه می‌شد. دروازه‌بانی که نزدیک یک دهه سنگربان تیم بوده و در همه جام‌ها نقشی غیر قابل انکار دارد. حتی به رسم مالوف قدیم‌ترها اگر به نان و نمک هم معتقد باشیم کاری قابل دفاع نیست. حتی اگر طرف مقابل یهودای خائن هم باشد و ۱۰ سال برای تیم ما رایگان بازی کرده و حالا با ۲۰۰ میلیارد به تیم دیگری پیوسته باشد باز هم حق نان و نمک ایجاب می‌کند که در فحاشی اسراف نکنیم و حداقل پرده‌ای قائل شویم شاید خدا را چه دیده‌اید سال بعد برگشت به خانه‌اش!

محمد طالبیان

روح فراموش شده شمال لندن

دنیای فوتبال امروز پر است از انتقال‌های پر سر و صدا و چندصد میلیونی. انتقال‌هایی که در آنها از وفاداری تنها به عنوان یک جوک یاد می‌شود. فوتبال این روزها روی پول بنا شده و نمی‌توان انتظار رفتاری متفاوت از آن را داشت. بازیکن‌ها با رقم‌هایی سرسام‌آور از راه می‌رسند، به نماد باشگاه بوسه می‌زنند و از عشق‌شان به طرفداران صحبت می‌کنند. باید طرفداری ساده‌لوح باشید که چنین رفتارهایی را باور کنید. واقعیت ماجرا این است که بازیکن‌های امروزی عاشق پول هستند. به صفرهای روی اسکناس بوسه می‌زنند و شب‌ها خواب ماشین و خانه بهتر را در سر دارند. به دو دهه پیش که برگردیم اما با وضعیتی کاملا متفاوت روبرو می‌شویم. عشق آن روزهای فوتبالیست‌ها اینقدر ارزان‌قیمت و دم‌دستی نبود. آنها می‌آمدند که بمانند و تبدیل به بخشی از تاریخ باشگاه شوند. در این دنیای بدون وفاداری و بی‌وفا، انتقال سول کمپل از تاتنهام به آرسنال شاید بزرگ‌ترین رویداد ابتدای قرن بیست و یکم فوتبال بود. هرچند اکثر توجه‌ها در این بازه زمانی به خیانت لوییس فیگو متمرکز شده بود اما کمپل آن بازیکنی بود که شاید راه و روش امروزی فوتبال را پایه‌ریزی کرد. جایی که عشق به هوادار و باشگاه تبدیل به یک جمله بی‌معنی شد. سول کمپل فوتبال خود را از تیم جوانان تاتنهام در سال ۱۹۸۹ شروع کرد و سه سال بعد به تیم اصلی پیوست. نزدیک به ۹ سال در تاتنهام ۲۵۵ بازی کرد و طرفداران او را به عنوان نمادی از باشگاه خود می‌شناختند. کاپیتانی که در قلب دفاع ایستاده تا لیلی‌های سفید شمال لندن آروزی قهرمانی خود را تبدیل به واقعیت کنند. در یکی از روزهای آفتابی جولای ۲۰۰۱ بود که طرفداران فوتبال با صحنه‌ای روبه‌رو شدند که شاید هیچ کس فکرش را نمی‌کرد. سول کمپل در کنار آرسن ونگر مربی وقت آرسنال ایستاده بود و پیراهن توپچی‌ها را در دست داشت. از نظر هواداران تاتنهام این خیانتی شکسپیری بود. خنده بی‌انتهای کمپل با پیراهن قرمز رنگ کابوسی بود که سال‌ها ذهن تاتنهامی‌ها را درگیر خود کرد. حرف‌های دروغین کمپل که گفته بود جایی نمی‌رود، همچون تکه‌های شیشه خورد شده روی زمین اعتماد طرفداران ریخت. برای ریشه‌یابی این موضوع باید به ۱۹۹۸ برگردیم. تاتنهام در مقابل داربی کانتی قرار گرفت و بازی با گل کمپل به پایان رسید. در جریان خروج بازیکن‌ها از زمین، درگیری‌ای ایجاد شد و یکی از نیروهای امنیتی دچار شکستی انگشت دست شد. با اینکه حضور سول در این درگیری برای پایان دادن به آن بود اما علیه او شکایتی تنظیم شد. باشگاه و شخص الن شوگر مدیرعامل آن در این درگیری حقوقی آنطور که باید از کمپل حمایت نکردند و ریشه‌های اختلاف نمایان شد. مدتی دیلی‌میل مقاله‌ای را درباره مشکلات مدیریتی شوگر منتشر کرد و در مقابل مدیرعامل تاتنهام تصمیم به شکایت از این نشریه گرفت. جریان حقوقی این شکایت باعث شد تا برخی اطلاعات محرمانه باشگاه به شکل عمومی منتشر شود. مهم‌ترین قسمت این ماجرا فهرست حقوقی باشگاه بود که نشان می‌داد سول کمپل، ستاره و کاپیتان تیم که جایگاه ثابتی در تیم ملی انگلیس داشت، حتی در میان ۱۰ بازیکن اول لیست حقوقی تاتنهام نیست. باید به این مسئله هم توجه کرد که در این بازه زمانی، تنها دو سال از قرارداد سول با سفیدهای شمال لندن باقی مانده بود. الن شوگر که با انتقادهای زیادی روبرو شده بود باشگاه را به مالکان جدید واگذار کرد و دنیل لیوی که هنوز هم مدیرعامل تاتنهام است، جایگزین او شد. لیوی سعی کرد تا وضعیت کمپل را بهبود داده و قرارداد جدیدی را به او پیشنهاد دهد اما نهایتا موفق نشد به توافق نهایی برسد. کمپل از باشگاه‌هایی همچون بارسا و اینتر پیشنهاد داشت اما در این میان به یکباره آرسن ونگر وارد شد. ونگر که در حال پشت سر گذاشتن بهترین دوران مربیگری خود بود نهایتا توانست نظر کمپل را جلب کند. ستاره و کاپیتان وایت هارت‌لین، در یک چشم به هم زدن به آن سوی دیوارهای شمال لندن رفت و پیراهن قرمز توپچی‌ها را به عنوان بازیکن آزاد، به تن کرد. خیانتی تاریخی که طرفداران هیچ نقشی در آن نداشتند. کمپل تنها به دنبال گرفتن انتقام از تاتنهام بود و این کار را با بی‌رحمی تمام انجام داد. حالا این شعاری است که در وایت هارت‌لین می‌شنویم. «جایی که کمپل بمیرد، محل مهمانی ماست.»